

هفته

سال پانزدهم - پنجشنبه ۱۰ شهریور ۱۴۰۱ / سپتامبر ۲۰۲۲

۶۹۵

بها: ۳۵ دلار

www.hafteh.ca

چهار صد کیلومتر برای دادخواهی

چهار اکتبر مقابل پارلمان کانادا تحسن می کنیم



«مهرزاد زارعی»، پدر آرادِ نوجوان که در پرواز ۷۵۲ به قتل رسید:

در این راهپیمایی به بخشی از خواسته‌ها رسیدیم

من مادر کسی هستم

تورنتو



گفت‌وگو با پرویز صانعی کاشانی
طومار علیه افزایش نرخ وام مسکن

اتاوا



یاشار فرج‌پور و حمایت رکاب‌زنان
ایرانی اتاوا از کودکان سرطانی

مونترال



مریم ندیمی، هنرمند ایرانی به
مونترالی‌ها تذهیب آموزش می‌دهد

ونکوور



فارسی یکی از پرگوش‌ترین
زبان‌های ونکوور شده است

آرش و شیرین شکور

کارشناسان رسمی املاک مکنونی و تجاری شما
در مونترال و حومه

برای ارزیابی رایگان ملک خود،
خرید خانه رویایی تان،
دسترسی به پیش فروش های معتبر،
سرمایه گذاری در املاک درآمد زا و تجاری، روی
"توانایی"، "تجربه"، "ارتباطات" و "دانش" ما حساب کنید.



۵۱۴-۷۳۰۳۹۰۹

۵۱۴-۴۴۱۴۱۸۹



دکتر شریف
دکتر البزال
دکتر دالیوال
دکتر لیندا عطار

Dr. Sharif
 Dr. Albazzal
 Dr. Dhaliwal
 Dr. Linda Attar

تخفیف ویژه برای

دانشجویان ۲۰٪ الی ۳۰٪
 بیماران جدید ۱۰٪

Montreal

(514) 731 1443

5450, Ch. de la Côte-des-Neiges,
 Suite 308, Montréal, QC, H3T 1Y6

Clinique.Dentaire.Soleil

www.cliniquedentairesoleil.com

info@cliniquedentairesoleil.com

Brossard

(450) 926 2622

7801-2 Taschereau Blvd
 Brossard QC, J4Y1A3

info@cliniquedentaire
 soleil-brossard.com



RE/MAX
3000

Tranquillité **بی‌همه منحصر به فرد**

هایک هارتونیان MBA

مشاور و متخصص املاک مسکونی و درآمدزا در استان کبک

(514) 574 6162

موفقیت ما محصول رضایت شماست



- مشاوره رایگان حضوری و تلفنی
- ارزیابی رایگان ملک شما
- تهیه وام با بهترین بهره و شرایط بانکی
- خرید، فروش، اجاره
- **پروژه رایگان برای خریداران**

Hayk Hartounian MBA Residential Real Estate Broker

Haykhartounian@yahoo.com

9280 Boul. de l'Acadie, Montréal, QC, H4N 3C5

کازم تهرانی

Kazem Partow Tehrani
Real Estate Broker

مشاور رسمی املاک در کبک
خرید، فروش و اجاره املاک مسکونی و تجاری



سالن تجاری برای فروش یا اجاره

مساحت: ۱۴۰ مترمربع
در منطقه شلوغ Jean-Talon.

واقع در ساختمان تجاری، مسکونی، در میان ۳۰۰ کانادو،
دارای تهویه مطبوع سرد و گرم، انباری، اتاق برق، برق سه فاز،
سال ساخت ۲۰۱۷

برای مشاقتی چون فروشگاه (دارای cold room)، دفتر کار،
کلینیک، آتلیه و غیره
این ملک با ملکی دیگر در تهران و یا شمال هم معاوضه می‌شود

قیمت فروش: ۶۶۸ هزار دلار (بعلاوه مالیات)

قیمت اجاره: ۶۱۰۰ دلار (بعلاوه مالیات)

Centris No: 25599944



اکازیون - رستوران-بار

قیمت فروش: ۱۵۰ هزار دلار - بعلاوه مالیات

مساحت: ۳۷۱ مترمربع

محل: نزدیک به مرکز خرید در Boul Decarie
(یک دقیقه تا Metro Cote-Vertu) درآمد خوب از بار،
امکانات: درآمد عالی از ۵ ماشین Loto-Quebec،
امکان گسترش صندلی‌های رستوران به ۶۰ نفر،
درآمد از ماشین ATM، جواز برای الکل، و...
تمامی وسایل مربوط به بار و رستوران واگذار می‌شود

972 Boul. Decarie, Montreal (St. Laurent)

Centris No: 9394390

- پیش فروش املاک در تمام مونترال
- مشاوره رایگان برای املاک درآمدزا
- ارزیابی رایگان منزل شما

۱۵۰۰ دلار هزینه محضر
هدیه ما برای خریدارن ملک

با ۴۵ سال سابقه زندگی در مونترال و ۱۵ سال سابقه در املاک به همراه یک تیم حرفه‌ای

Sutton®

514 - 971 - 7407

Sutton



آرزو گتمیری مشاور املاک

AREZOU GATTMIRI
Courtier Immobilier Résidentiel

agattmiri@sutton.com

- مشاوره تلفنی / حضوری و ارزیابی رایگان ملک شما
- شرایط مناسب برای تازه واردین بدون درآمد
- همکاری با مشاورین بانک ها جهت دریافت وام مسکن
- خدمات ۱۰۰٪ رایگان برای خریداران تا پایان پروسه خرید

Cell: (514) 561-3-561

Groupe Sutton-Sur L'île
38, Place du Commerce #280, Île Des Soeurs (Verdun), QC H3E 1T8
Bureau: (514) 769-7010

Sutton



ارزیابی رایگان

(514) 827-6364

fhemaatiyan@sutton.com

جنب اخوان و نیش دیجیتال و صرافی رویال 6160 Rue Sherbrooke west Montreal H4B 1L8

مشاور املاک مسکونی و تجاری

فیروز همتیان

با تجربه ۲۰ سال در املاک و ۳۸ سال در سابقه کسب و کار در مونتreal

گشایش یافت، دفتر امور املاک همتیان

- مشاور ارشد املاک در مونتreal و حومه
- خرید و فروش املاک مسکونی، تجاری - صنعتی و کشاورزی
- تهیه انواع وامهای مسکونی و تجاری
- تهیه وام برای تازه واردین به کانادا
- مشاوره در امور سرمایه گذاری در املاک درآمدزا
- خرید و فروش انواع بیزینس



Firouz Hemmatiyan

Courtier Immobilier Agréé
Certified Real Estate Broker



یادبود: دکتر محمدامین محمدپور
 فرهاد مهراد، صدایی که شاملو، نیما و کسرای
 را ترانه کرد
 به بهانه سالگرد درگذشت خواننده‌ای منحصر به فرد

فرهنگ و هنر: گروه ترجمه هفته
 مروری بر کارنامه تئاتری سهیل پارسا، هنرمند
 سرشناس ایرانی - کانادایی

روایت: نیما قاسمی
 پرواز از استانبول
 از اوین تا مونترال (بخش پایانی)

دانش و اندیشه: قمر فلاح
 پدیدار شناسی مهاجرت (۵)
 سازو کارهای پذیرش مهاجر در جامعه میزبان



معصومه علی محمدی
 مهاجرین تنها گزینه مطلوب رشد اقتصاد و
 جمعیت تا سال ۲۰۶۸

گروه ترجمه هفته
 کمک یک ایرانی به تازه‌واردان آرورا

گروه ترجمه هفته
 فارسی یکی از پرگویش‌ترین زبان‌های ونکوور
 شده است

سعید میرزایی
 فرایند گام به گام تقاضا تا صدور پاسپورت کانادا



آرش محبی
 سعید میرزایی
 عکس‌ها: از فوتیتر به رنگ رهبری
گفت‌وگو:
 «مهرزاد زارعی» در گفت‌وگو با «هفته» درباره
 فصل جدید پیگیری پرونده هواپیمای اوکراینی:
 منتظر بست نشینی ۱۴ اکتبر مقابل پارلمان کانادا
 باشید

گزارش:
 راهپیمایی اعتراضی در کانادا برای دادخواهی
 قتل فرزند
 درخواست مهرزاد زارعی: سپاه پاسداران و مقامات
 جمهوری اسلامی را تحریم کنید

ناشر: مجله‌ی هفته

هفته - سال پانزدهم - شماره ۶۹۵
 پنجشنبه ۱۰ شهریور ۱۴۰۱ / ۱ سپتامبر ۲۰۲۲
 بها: ۲/۵ دلار

اشتراک سالانه: ۱۶۰ دلار / دانشجویی: ۹۰ دلار
 اشتراک سالانه برای موسسه‌ها: ۳۲۰ دلار

تعطیلات هفته در سال ۲۰۲۲ میلادی:
 پنجشنبه ۶ ژانویه، پنجشنبه ۲۴ مارس
 پنجشنبه ۷ جولای، پنجشنبه ۱۳ اکتبر

■ هفته از همه علاقه‌مندان دعوت به همکاری می‌کند.
 ■ لطفا مطالب خود را زیر هزار واژه (برمبنای واژه شمار ورد) نگاه دارید.
 ■ هفته در استفاده، ویرایش و کوتاه کردن مطلب‌های رسیده آزاد است.
 ■ استفاده از طرح‌ها و آگهی‌های هفته نیاز به کسب اجازه دارد.
 ■ درباره مضمون آگهی‌های منتشر شده، هیچ گونه مسئولیتی متوجه هفته نیست.

صورت آواز مرغ است آن گل‌ام
 غافل است از حال مرغان مردخام

(5 1 4) 8 3 4 - 7 2 5 4
 ■ www.hafteh.ca
 ■ info@hafteh.ca
 ■ news@hafteh.ca
 ■ ad@hafteh.ca
 ■ ISSN 1918-4379 Hafteh

Head Office:
 1980 Sherbrooke St. W.
 Suite: 900
 Montreal, Quebec, H3H 1E8

۴۲ گفتگوی ویژه



گفت و گو؛ سپیده صالحی
داستان حمایت ۴۰ میلیون دلاری رکابزنان در اتاوا

در گفت و گوی «هفته» با یاشار فرج پور، فعال و حامی کودکان سرطانی کانادا

گفت و گو؛ هفته

پرویز صناعی کاشانی، تدوین کننده طومار علیه افزایش نرخ بهره:
افزایش نرخ بهره و فشار به قشر متوسط متوقف شود

۴۸ سیاست، اقتصاد و جامعه



جامعه؛ شاهین شهسواری
هشدار دانشجوی ایرانی در واترلو: مراقب کلاهبرداری در اجاره باشید!

خوانندگان؛ جعفر خدیر

آیا می توان پیشوارا به نقد کشید؟
به مناسبت سالگرد کودتای آمریکایی ۲۸ مرداد

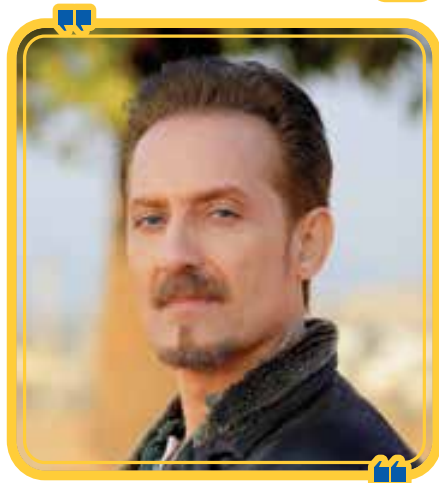
جامعه؛ گروه ترجمه هفته

جریمه برای مسافران حمل و نقل عمومی
تورنتو که بلیت نمی دهند

اقتصاد؛ آرمین آریان پور

کاهش درآمد بانک های بزرگ کانادایی در شرایط کنونی چه پیامی دارد؟

۶۲ آریانا



آریانا؛ نرگس هاشمی
یک سال از سلطه دوباره طالبان گذشت
فرهاد دریا به «هفته»: این روز به عنوان روز پر از زهر در تقویم افغانستان حک خواهد شد

آریانا، داستان؛ جمیله هاشمی
داستان کوتاه احجاز تولد

۵۶ جامعه

سینما؛ مصطفی عزیزی

بزن به جاده خاکی، فیلمی از پناه پناهی

دیدگاه؛ گروه ترجمه هفته

دوزبانگی، استقلال کبک و مردی که تخم مرغ می گذارد

مقاله ای از ریشار مارتینو، مجری رادیو و تلویزیون،
وقایع نگار و روزنامه نگار کبکی

۶۸ خانواده و سرگرمی

آشپزی؛ مهسا عباس پور

کیک زنجبیلی

سرگرمی؛ خاطره تحویل داری یکتا

طنز و حکایت و سرگرمی

سردبیر: خسرو شمیرانی

سر دبیر آنلاین: آرش محبی

مدیر بازرگانی: محمد پرونده

طراح و صفحه آرا: آتلیه هفته
کاریکاتوربست: سیروس یحیی آبادی
عکاس: مهناز زنجیرزنی

اخبار کانادا: گروه خبر هفته

اخبار باهمستان: سپیده صالحی

آریانا: نرگس هاشمی

مهاجرت: معصومه علی محمدی

ادبیات: گروه ادبیات هفته

سلامت: دکتر الهام گرامی

حقوق: نیوشا ریاحی

اقتصاد: آرمین آریان پور

گروه ترجمه: فیروزه مسیحا، نگین پرونده

مدیر فنی وب سایت: بهمن عسگری پور

تقویم خونین یک ملت: تابستان خاوران، پاییز قتل‌های زنجیره‌ای، زمستان پرواز ۷۵۲ و...

خونین دیگری را به تقویم غم‌انگیز خود اضافه کند.

امروز با گذشت بیش از ۳۲ ماه از این فاجعه هنوز ناروشنی و بی‌اعتمادی برجسته‌ترین صفت‌هایی هستند که روند رسیدگی به پرونده را توصیف می‌کنند و این در حالی است که سازمان‌های بین‌المللی و چندین کشور دیگر جهان به طور کاملاً قانونی و مشروع و طبق سازوکارهای تعریف‌شده‌ی بین‌المللی در این پرونده ذی‌نفع هستند و آن را دنبال می‌کنند.

کانادا، میهن دوم ما و میهن دوم بسیاری از کشته‌شدگان فاجعه هواپیمای اوکراینی نیز فعالانه جهت شفافیت و ثمربخشی تلاش‌های مربوط به این پرونده کوشش کرده است اما تا کنون دستان لرزان و چشم‌های اشک‌آلود خانواده‌های بازماندگان در انتظار هستند و امیدوار به روشن شدن حقیقت ماجرا.

به آقای مهرزاد زارعی، حامد اسماعیلیون و دیگر عزیزانی که پرونده قتل عزیزان خود را دنبال می‌کنند می‌گویم که شما در این تلاش تنها نیستید، دادخواهی شما خواست یک ملت است که طی چهل سال گذشته روزهای تقویمش یکی یکی رنگ خون گرفته. ما تا روشن شدن حقیقت ماجرا و مسئولیت‌پذیری آمران آن در کنار شما قرار داریم.

می‌رسیم. ابعاد این ماجرا نیز هنوز روشن نیست. حتی لیست کامل فعالانی که قربانیان این سری جنایات شدند ناروشن است. گرچه درباره آمران این قتل‌ها مدرک و سند بسیار است اما اینجا نیز از پاسخ‌گویی خبری نیست. در روند قتل‌های زنجیره‌ای گل‌های سرسبد یک ملت، آگاه‌ترین و دلسوزترین‌های یک سرزمین سلاخی شدند اما آنها که طبق تعریف وظیفه‌شان حفظ امنیت همین انسان‌ها بوده خود به قتل‌های جنون‌آمیز فرمان دادند و اکنون خاموش از «مواهب» عمل شیطانی خود بهره می‌برند.

یک دهه دیرتر به اعتراضات ۱۳۸۸ می‌رسیم و جنایت علیه جوانانی که در سکوتی شکوهمند سوال کردند: رای من کجاست؟ در اینجا نیز همه چیز در پرده ابهام است به غیر این واقعیت که رهبر و رئیس‌جمهور وقت دست در دست هم از جنایت علیه جوانان کشور دفاع کرده، آنها را خس و خاشاک نامیدند و به جای تدارک پاسخ به سوال برحق جوانان، سوال را همراه با سوال‌کننده حذف کردند.

و ده سال پس از آن، دی ماه ۱۳۹۸، زمان آن رسید تا جنایت بزرگ دیگری رقم بخورد. یک هواپیما باتمامی ۱۷۶ سرنشین آن در آسمان سرد شب، با شلیک ضدهوایی سپاه پاسداران منفجر شد تا دل‌های داغ‌دار یک ملت فصل



در آغاز شهریور هستیم و شهریور هر سال یادآور اعدام‌های تابستان ۱۳۶۷ است گرچه می‌دانیم جنایت آن تابستان در ادامه یک دهه خون‌ریزی و اعدام بود که از فردای بهمن ۱۳۵۷ شروع شده بود. علاوه بر آن امروز می‌دانیم که نمی‌دانیم ابعاد این دهه‌ی خونین و آن تابستان جنون‌آمیز چه بوده است. دست‌اندرکاران و مطلعان خاموش‌اند و اسناد در گوشه‌ای پنهان. یکی از شیاطین آن جنایت بر صندلی ریاست‌جمهوری تکیه زده و هیزم‌کشان شیطان اینجا و آنجا پست و مقام گرفته‌اند.

یک دهه بعد از تابستان به پاییز خونین ۱۳۷۷ و قتل پوینده و مختاری و فروهرها و گروه بزرگی از دغدغه‌مندترین تلاشگران ایران



اخبار گزارش‌ها



سکه ۱ دلاری جدید به نشانه تجلیل از هنرمند مونترالی وارد چرخه پولی کانادا شد



و تحسین علاقمندان به موسیقی قرار گرفت و آوازه‌اش به لطف آثار زیبایی که خلق کرد، مرزهای کانادا را درنوردید. پترسون هشت بار جایزه معتبر Grammy را از آن خود کرد و در سال ۱۹۷۸ نیز به تالار مشاهیر بزرگ موسیقی کانادا راه پیدا کرد.

سکه ۱ دلاری جدید نه تنها اهمیت و محبوبیت پترسون را در سطح ملی یادآوری می‌کند بلکه این هنرمند فقید مونترالی را به عنوان اولین سیاهپوست کانادایی معرفی می‌کند که تصویرش روی یک سکه رایج کانادایی حک شده است. / منبع: وبسایت شبکه خبری نارسیتی

گردش سکه ۱ دلاری جدید از امروز و همزمان با نود و هفتمین سالروز تولد اسکار پترسون آغاز شده است.

این بیانیه‌ست و آهنگساز مونترالی که در محله پوتیت-بورگونی Petite-Bourgogne بزرگ شد و فعالیت خود را در عرصه هنر با نواختن برای جوامع عمدتاً مهاجر و سیاه پوست در جنوب شهر مونترال آغاز کرد، حتی پس از آن که به شهرت جهانی دست یافت، ارتباط خود را با استعدادهای بومی و هنری کانادا قطع نکرد. پترسون که در سال ۲۰۰۷ در سن ۸۲ سالگی چشم از جهان فروبست، در طول شش دهه فعالیت حرفه‌ای خود بارها و بارها مورد تشویق

از امروز پانزدهم اوت به تدریج سکه ۱ دلاری طلایی رنگ جدیدی وارد چرخه پولی کانادا می‌شود که برای ادای احترام و تجلیل از یک هنرمند مونترالی پرآوازه ضرب شده است. روی این سکه که ضرابخانه سلطنتی کانادا چند روز پیش از آن رونمایی کرد، تصویری از هنرمند فقید مونترالی اسکار پترسون در حال نواختن پیانو و برخی نت‌های موسیقی مربوط به قطعه خود تحت عنوان «سرود آزادی» که در دهه ۱۹۶۰ به سرود جنبش حقوق مدنی تبدیل شد، مشاهده می‌شود. این طرح کار والتاین دو لاندرو، تصویرگر و طراح گرافیک انتاریویی است.

توصیه یک مؤسسه تحقیقاتی کبک برای رایگان کردن تحصیلات عالی



دارند اما الزاماً جایگاه، سودمندی و مطلوبیت اجتماعی مناسبی ندارند.» محققان ایریس در گزارش خود بر کارایی مدل‌های آموزشی در برخی کشورها مثل فرانسه، سوئد یا حتی برزیل تأکید کرده‌اند که آموزش تقریباً رایگان یا کاملاً رایگان را به اجرا گذاشته‌اند.

یک پژوهشگر دیگر ایریس به نام اریک مارتین نیز تأکید کرد لغو شهریه‌های دانشگاهی یک ایده آرمانی تحت حمایت چند دانشجو نیست بلکه راه حلی است که بسیاری از کشورها (مثل آلمان که در سال ۲۰۱۳) به‌منظور مقابله با ناامنی مالی دانشجویان و کمک به آن‌ها برای تکمیل تحصیلاتشان به اجرا گذاشته‌اند. /

منبع: وبسایت شبکه خبری ژورنال دو مونترال

ساموئل الی-لوسژ Samuel Élie-Lesage، از محققان ایریس که در این تحقیق شرکت داشته است، امروز چهارشنبه در کنفرانسی مطبوعاتی اعلام کرد: «آموزش رایگان نه تنها از نظر مالی مقرون‌به‌صرفه است بلکه راهی کم‌هزینه برای جلوگیری از شکست‌ها و ناکامی‌هایی است که در مدل نئولیبرال دیده می‌شود.»

این کارشناس افزود: «در واقع هزینه‌های بالای تحصیل و خطر سنگین شدن هر چه بیشتر بدهی‌های دانشجویان، آثار بسیار مخربی ایجاد می‌کند که در خیلی از موارد جوانان به‌ویژه آن‌هایی را که وضعیت مالی مناسبی ندارند، از فکر کردن به دانشگاه و ادامه تحصیل در مقطع عالی باز می‌دارد. علاوه بر این فشار بدهی‌های دانشگاهی و الزام دانشجویان به بازپرداخت این بدهی‌ها، بسیاری از آن‌ها را در نهایت به سمت مشاغل سوق می‌دهد که دستمزدهای بهتری

مؤسسه تحقیقات و اطلاعات اجتماعی و اقتصادی کبک IRIS در گزارش جدید خود رایگان کردن تحصیلات دانشگاهی را به دولت استانی پیشنهاد کرده است.

مؤسسه تحقیقات و اطلاعات اجتماعی و اقتصادی کبک با انتشار نتایج تازه‌ترین بررسی‌های خود درباره وضعیت آموزش عالی و مشکلات فراروی آن اعلام کرد باتوجه‌به نرخ فزاینده تورم و بحران مسکن که همچنان به شکل مستقیم بر بودجه اکثر خانواده‌ها سنگینی می‌کند، اجرای مدل آموزشی رایگان در دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی روشی کارآمدتر و مناسب‌تر خواهد بود.

بر اساس مطالعاتی که ایریس انجام داده است، هزینه تحصیل رایگان در استان کبک ۱.۲ میلیارد دلار یا به عبارتی ۰.۹ کل هزینه‌های بودجه استان خواهد بود که رقمی بسیار ناچیز است.

حرکات نمایشی خطرناک با ماشین و مجازات بیشتر در انتظار جوانان مونترالی

ضبط کرده و برای پلیس ارسال کرده‌اند که در یکی از آنها یک ون خاکستری رنگ دور خودش می‌چرخد، لاستیک‌هایش سر و صدای گوشخراشی ایجاد می‌کنند و دود غلیظی از آن‌ها بلند می‌شود.

در همین تصاویر صف دور و درازی از ماشین‌ها دیده می‌شوند که پشت سر خودروهای نمایش‌دهنده گیر کرده‌اند و برخی از رانندگان آنها در حال فیلمبرداری با موبایل‌هایشان هستند و البته بسیاری از آنها هم می‌خندند. در یک لحظه نیز صدای آژیر آمبولانس که بین ماشین‌ها گیر کرده و تلاش می‌کند راه خود را در این هرج و مرج باز کند، به گوش می‌رسد.

پلیس دو خودرو دخیل در این راه‌بندان را توقیف کرد. یکی از آنها یک ون بود که لاستیک‌هایش کاملاً از بین رفته بود و پلیس آن را یدک‌کش کرد. / منبع: وبسایت شبکه خبری ژورنال دو مونریال

اداره امنیت کبک بین ساعات یک و نیم تا دو و نیم بامداد یکشنبه تماس‌های متعددی از طرف شهروندان دریافت کرد مبنی بر این که حدود ده راننده با ماشین‌های خود تمام خطوط پل ساموئل-دو شامپلن را بسته و راه‌بندان به وجود آورده بودند تا حرکات نمایشی خطرناک انجام دهند.

استفان ترامبله، سخنگوی اداره امنیت کبک گفت با بسته شدن مسیرها، برخی از رانندگان از وسیله نقلیه خود پیاده شدند تا از حرکات نمایشی خودروها فیلمبرداری کنند. همزمان با اجرای این نمایش خودرویی، آتش‌بازی هم شروع شد.

این گروه ده نفره رانندگان بی‌ملاحظه، نمایش خطرناک خود را سه بار تکرار کردند: یک بار در بزرگراه شماره ۶۴۰ در روزمره Rosemere، یک بار نزدیک تونلی در بزرگراه ۱۵ مونترال به سمت جنوب و یک بار هم روی پل ساموئل-دو شامپلن.

شهروندان تصاویر متعددی از این نمایش



پلیس مونترال امروز دوشنبه اعلام کرد رانندگانی که شنبه شب با بستن چند مسیر اصلی در منطقه مونترال بزرگ از جمله پل ساموئل-دو شامپلن با ماشین‌های خود اقدام به حرکات نمایشی خطرناک کردند، با پیامدهای سنگین رفتار خود مواجه خواهند شد.



مک‌دونالد به دنبال ۷ هزار نیروی جدید در کبک با ساعتی از ۱۲ تا حدود ۲۳ دلار

از بررسی پیشنهادهای شغلی فعلی و همچنین بیش از ۱۶ هزار داده به اشتراک گذاشته شده توسط کارمندان و کاربران مک‌دونالد طی ۳۶ ماه گذشته به‌دست‌آمده است.

همچنین لازم به یادآوری است که حداقل دستمزد معمولی در استان کبک در ماه مه امسال به ۱۴.۲۵ دلار در ساعت افزایش یافت. مک‌دونالد کانادا در آگهی خود خطاب به شهروندان جویای کار تأکید کرده است: «کارکردن با ما چیزی بیشتر از حقوق ماهانه است چرا که ما فرصت‌های یادگیری و توسعه را برای نیروهای خود فراهم می‌کنیم که می‌تواند برای رشد و موفقیت حرفه‌ای آن‌ها مفید واقع شود.»

که از این تعداد ۷ هزار نفرشان در کبک جذب خواهند شد. دستمزد دقیق و ساعات کاری نیروهای جدید مک‌دونالد بر اساس موقعیت‌های شغلی آن‌ها متفاوت است.

با این حال با توجه به دستمزدهایی که کارکنان قبلی و فعلی مک‌دونالد در وبسایت Indeed اعلام کرده‌اند، دستمزدهای این شرکت بین ۱۲.۱۷ دلار در ساعت برای یک صندوق‌دار و ۲۲.۶۲ دلار در ساعت برای یک مدیر رستوران متفاوت است.

متوسط سالانه حقوق در مک‌دونالد از حدود ۲۲ هزار و ۴۵۰ دلار برای مأمور مرکز تماس تا ۷ هزار دلار برای تکنسین تهویه متغیر است. لازم به ذکر است که اطلاعات وبسایت Indeed



اگر این روزها به دنبال کار می‌گردید، بدانید که مک‌دونالد برای استخدام ۷ هزار نیروی جدید در استان کبک آگهی منتشر کرده است. مسئولان این غول فست‌فود آمریکایی اعلام کرده‌اند که طی چند ماه آینده ۷ هزار نیروی جدید در مناطق مختلف استان کبک استخدام خواهند کرد. طی بررسی‌هایی که نارسیتی انجام داده است، دستمزد نیروهای جدیدی که مک‌دونالد به خدمت می‌گیرد، تا ۲۲.۶۲ دلار در ساعت خواهد رسید.

در حال حاضر مک‌دونالد در کانادا به دنبال استخدام بیش از ۲۰ هزار نیروی جدید است

اجرای کنسرت موسیقی در تورنتو با طنین اشعار خیام



یک کنسرت موسیقی با خوانش اشعار خیام، شاعر بزرگ ایرانی در تورنتو برگزار می‌شود. نکته جالب اینجاست که هنرمندان این کنسرت، ایرانی نیستند. این برنامه موسیقی با اجرای آهنگ «در باغ ایرانی» همراه شده است که اشعار خیام را روایت می‌کند. این اثر با حال و هوای ایرانی با آهنگی از Liza Lehmann ترکیب شده است. آن‌طور که وبسایت ویکی‌پدیای انگلیسی نوشته، خانم Liza Lehmann به‌عنوان خواننده، استاد آواز و

موسیقیدان انگلیسی قرن بیستم شناخته می‌شود که در عصر خودش، آوازه جهانی داشت. در معرفی این کنسرت که در آن اشعار حکیم عمر خیام، شاعر و ریاضی‌دان ایرانی قرن دوازدهم انتخاب شده، آمده است که «متنی عالی و عمیق از خیام با موسیقی Liza Lehmann ترکیب و تقویت شده است.» این اجرای موسیقی، یکشنبه چهارم سپتامبر ۲۰۲۲ ساعت سه بعدازظهر در تالار Heliconian تورنتو برگزار می‌شود. آدرس دقیق اجرای این

کنسرت به شرح زیر است:
Heliconian Hall, 35 Hazelton Avenue, Toronto, ON M5R 2E3
قیمت بلیت این کنسرت هم ۳۲.۸۴ دلار اعلام شده است و برای تهیه بلیت هم می‌توانید به سایت Eventbrite مراجعه کنید.
این کنسرت موسیقی با حضور هنرمندانی شامل Alexander و Lillian Brooks و Meghan Jamieson Joel Goodfellow و Luke Noftall و Cappellazzo برگزار خواهد شد. منبع: وبسایت ایونت‌برایت

نیکلاس لطیفی در تقای حفظ جایگاه



نیکلاس لطیفی بر این باور است که سزاوار زمانی بیشتر برای اثبات تعلقش به فرمول ۱ است. لطیفی ۲۷ ساله با حمایت کلیدی شرکت سوئد فودز، شرکت پدر تاجر ایرانی-کانادایی خود، نخستین رقابتش را برای ویلیامز در سال ۲۰۲۰ انجام داد. اما اکنون شایعه شده است که راننده‌ای مانند Nyck de Vries که تحت حمایت مرسدس‌بنز است، می‌تواند به‌عنوان جایگزین لطیفی در سال ۲۰۲۳ فراخوانده شود، زیرا لطیفی در نیم‌فصل اول این فصل برای رسیدن به سرعت هم‌تیمی خود، الکس آلبن، مشکل داشته است. لطیفی اما اصرار دارد که اخیراً بهتر شده است. او گفته است: «اکنون احساس راحتی بیشتری می‌کنم. می‌توانم از خودم و خودرویم بیشتر کار بکشم.» لطیفی تأکید کرده است: «بر این باورم که

شایستگی ماندن در فرمول ۱ را دارم. در ابتدای سال این‌طور نبود، اما تیم می‌تواند نتایج من را ارزیابی کند، زیرا عملکردم بهتر شده است.» لطیفی که پدرش مایکل (مهرداد) بازرگان ثروتمند ایرانی-کانادایی و یکی از مالکین مک‌لارن است، حتی مدعی است که چالش قبلی او در سال جاری توضیح فنی می‌تواند داشته باشد. لطیفی می‌گوید: «در سیلورستون شاسی را عوض کردیم. نتوانستیم ثابت کنیم که مشکلی در شاسی وجود دارد، اما من ۹۹.۹ درصد مطمئنم که مشکلی در آن وجود داشته است. شاید این با قطعاتی که من استفاده کردم مطابقت نداشته است. من در سیلوراستون چیزی را تغییر ندادم. بعد از مونترال روحیه‌ام ضعیف شد، اما در بریتانیا نتایج بهتر بود.» نیکلاس پیش‌تر هم گفته بود: «در این ورزش همیشه درباره رانندگان شایعه بوده و خواهد بود. هر زمان یک راننده موفق نشود، سؤالات و تردیدهای زیادی در رسانه‌ها یا در میان

طرفداران مطرح می‌شود. این برای من اصلاً عجیب نیست. من خودم هم می‌دانم کارایی و نتایجی را که از من انتظار می‌رود، به دست نیاورده‌ام و این برای من ناراحت‌کننده است. تیم هم در جایگاهی که انتظار می‌رفته است، قرار ندارد اما تلاش می‌کنیم تا جنبه رقابتی خود را تقویت کنیم و به جایگاه بهتری دست پیدا کنیم. من نیز شخصاً به تنها چیزی که الان فکر می‌کنم این است که همه تلاش و توجه خودم را روی هدفم متمرکز کنم.» او افزوده است: «به‌رغم شایعات، از ابتدای فصل از حمایت خوبی از طرف مدیریت تیم برخوردار بودم. انکار نمی‌کنم که مشکلاتی داشته‌ام اما برای برطرف کردن آن‌ها و بهبود شرایط با مدیران تیم صحبت کرده‌ام. مسائل حساسی برای هر دو طرف وجود دارد، هم من و هم تیم باید به شکل متقابل باید برای بهبود شرایط تلاش کنیم.» / منبع: وبسایت sportsmole

هنرمند ایرانی که به مونترالی‌ها تذهیب آموزش می‌دهد

ساکنان قرنی که مدام عجله دارند درحالی که باید یاد بگیرند؛ سرعتشان را کم کنند.

کارولین یکی از شاگردان مونترالی، مریم می‌گوید: «تذهیب؛ تجربه واقعاً شگفت‌انگیزی بود. شما در دنیای خودتان هستید و تماماً روی کاری که انجام می‌دهید متمرکز هستید، به هیچ چیز دیگری فکر نمی‌کنید و در صلح و آرامش هستید!»

شاگردان مریم که برای یادگیری این هنر به خانه او می‌آیند؛ در اتمسفری ایرانی هم قرار می‌گیرند و به اندازه یک ساعت و نیم در یک تجربه «پارسی کوچک» زندگی می‌کنند، چراکه در کنار هنر ایرانی تذهیب؛ موسیقی ایرانی می‌شنوند و غذا و یا نوشیدنی‌های ایرانی را هم تجربه می‌کنند.

مریم ندیمی؛ تذهیب را مانند یک معدن طلای دست‌نخورده برای اقدامات درمانی، می‌داند و امیدوار است که با این هنر بتواند برای سلامتی و تندرستی مردم مونترال مفید باشد. / منبع: وبسایت شبکه theclick

دکتر ندیمی پیش از اینکه به تذهیب رو بیاورد، خطاطی می‌کرده و مدرک انجمن خوشنویسان ایران را هم داشته است. آثار هنری او نه تنها در ایران که در مرکز هنر مونترال و اکسپوی حلال کانادا هم نمایش داشته‌اند.

مریم هدفش از کار کردن روی هنر تذهیب را اشتراک‌گذاری این هنر متعالی با جهان غرب می‌داند و باور دارد که این هنر باتوجه‌به ویژگی‌هایی که دارد می‌تواند به کسانی کمک کند که اضطراب و افسردگی دارند.

مریم ندیمی که به قول خودش با کار و هنرش ازدواج کرده است؛ می‌گوید: «اگرچه به‌طور سنتی در شیوه‌های درمانی از تذهیب استفاده نمی‌شود، اما تصویرسازی به روش تذهیب به هم‌زمانی بین بدن و ذهن متکی است. این تمرین اغلب حالت مدیتیشن بالایی را در افراد ایجاد می‌کند و حسی از آرامش را به وجود می‌آورد.»

مریم هنر تذهیب را باعث فاصله انداختن بین آدم‌ها و مشکلاتشان می‌داند و ضروری برای



دکتر مریم ندیمی ۳۴ساله و اهل تهران است. او این روزها در مونترال زندگی می‌کند؛ دقیق ترش را بخواهیم به نقل از سایت کلیک (وابسته به مؤسسه روزنامه‌نگاری آرتور ال. کارتر دانشگاه نیویورک) بگوییم؛ او ساکن منطقه Hampstead است.

مریم سال ۲۰۰۴ از دانشگاه مونترال مدرک دکترای زیست‌شناسی‌اش را گرفته است. اما مردم محل او را نه به‌واسطه درسی که خوانده؛ بلکه به‌خاطر هنری که دارد و آموزش می‌دهد، می‌شناسند.

او یک هنرمند تذهیب‌کار است که معتقد است به‌واسطه تذهیب؛ زندگی‌اش روشن شده، صبوری و تمرکز را آموخته و به این واسطه از زندگی‌اش لذت برده و می‌برد.



کافه «ارک» کافه‌ای ایرانی در کنزینگتون مارکت



به‌خصوص برای املت‌ها. املت مضافتی شامل اسفناج و پیاز با تکه‌های خرد شده است که کمی شیرینی به آن می‌دهد. با نان سنگک ایرانی هم این املت دیگر چیزی کم ندارد.

املت گنابادی هم هست که برای کانادایی‌ها جماعت بیشتر شبیه کلوچه سوفله است. در این املت تخم‌مرغ، آرد، خامه، کره، دارچین، زیره و جوز هندی را با هم مخلوط می‌کنند و روی اجاق می‌پزند. سپس روی املت شربت انگور و گردو می‌ریزند.

برای آشنایی بیشتر با کافه ارک، در August-293 ita Ave، می‌توانید به «وب سایت» و «اینستاگرام» این کافه مراجعه کنید. / منبع: وبسایت تورنتو استار

دیدارهای شاهنشاهان ایرانی، بار عام و همچنین جای برگزاری جشن‌هایی کهن، مانند نوروز و مهرگان، در حضور شاهنشاه ساسانی بوده است. در زمان حمله‌ی اعراب به ایران، این کاخ غارت شد. چندی پس از آن مسجد شد و پس از آن هم کم‌کم متروکه گشت، اما همیشه زیبایی و بزرگی و شکوه این کاخ مورد توجه و شگفتی شاعران، جهانگردان و تاریخ‌نگاران بوده است.

در این کافه، بشقاب‌های قدیمی و عکس‌های خانوادگی بر دیوارها آویزان‌اند و به آن حس زندگی می‌دهند.

رضایی املت‌ها را درست می‌کند درحالی‌که رجایی پنکیک‌ها را روی اجاق‌های داغ در آشپزخانه‌ی طبقه پایین تفت می‌دهد. صبر کردن برای این صبحانه ارزشش را دارد،

رفتن به این رستوران شبیه دعوت شدن به خانه‌ی زهرا رضایی و مهدی رجایی است - زن و شوهری که در یک سفر سه‌ماهه‌ی حفاری در ایران به‌عنوان باستان‌شناس، قبل از نقل مکان به کانادا، ۱۵ سال پیش، با یکدیگر آشنا شدند. رضایی می‌گوید: «زمانی که ایران بودم، همیشه دوست داشتم یک کافه باز کنم، جایی که رنگ و بویی از باستان‌شناسی داشته باشد. دوست دارم غذاهایی را که مردم قبلاً امتحان نکرده‌اند، سر میز بچینم.»

نام این کافه ملهم از «تاق کسری» است. ایوان خسرو یا تاق کسری یا ایوان مدائن برجسته‌ترین یادگار شاهنشاهی ساسانی، در تیسفون، واقع در کشور عراق کنونی است. کاخ تیسفون و به‌ویژه ایوان باشکوه آن در زمان ساسانیان جایگاه

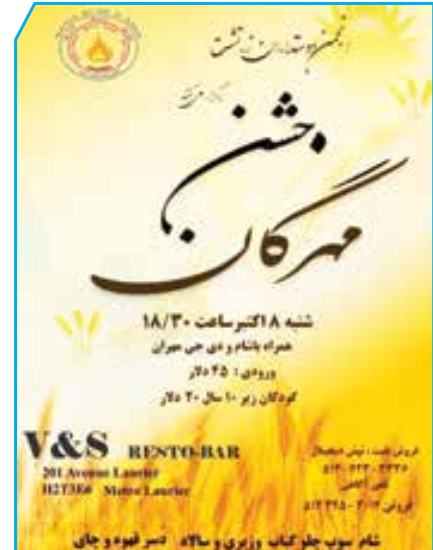
جشن مهرگان با انجمن دوستداران زرتشت

انجمن دوستداران زرتشت جشن مهرگان را مطابق سال‌های قبل از همه‌گیری کرونا برگزار می‌کند. این برنامه روز شنبه ۸ اکتبر ساعت ۱۸ و ۳۰ دقیقه برگزار می‌شود.

مکان برگزاری جشن مهرگان در آدرس زیر است:
Address: 201 Avenue Laurier, H2t3f6 Metro Laurier

در اطلاعیه این برنامه نوشته شده است که هزینه ورودی ۴۵ دلار است که برای کودکان زیر ۱۰ سال به ۲۰ دلار کاهش می‌یابد. برای تهیه بلیت می‌توان با شماره ۵۱۴۲۲۳۳۳۳۶ تپش دیجیتال تماس گرفت.

همچنین برای گرفتن اطلاعات و بدست آوردن آگاهی نسبت به برنامه می‌توان با شماره ۵۱۴۳۲۵۳۰۱۲ آقای فروتن تماس گرفت.



اکران فیلم سینمایی دوزیست در اتاوا

می‌توانید به تلگرام پاکسو t.me/PACSOOTTAWA و تلگرام هفته t.me/haftehmontreal مراجعه کنید.

هزینه بلیط: ۱۵ دلار برای افراد عادی از طریق لینک آنلاین، ده دلار برای اعضای پاکسو و دانشجویان و بیست دلار در گیشه‌ی فروش در روز اکران.

سینما می‌فیر در آدرس زیر واقع شده است.
May fair Theatre Movie, 1074 Bank St. Ottawa, ON K1S 3X3

برای تهیه بلیط به سایت ایونت برایت مراجعه کنید. برای دسترسی به لینک خرید بلیط

انجمن فرهنگی هنری ایرانیان اتاوا (پاکسو) و انجمن فیلم‌های ایرانی برگزار می‌کنند. فیلم دوزیست با هنرنمایی پژمان جمشیدی، جواد عزتی، ستاره پسیانی، الهام اخوان و دیگر هنرمندان در اتاوا نمایش داده می‌شود.


روز یکشنبه ۲۵ سپتامبر ۲۰۲۲ در سینما می‌فیر ساعت ۱۵ نمایش فیلم شروع می‌شود. علاقه‌مندان نیم ساعت زودتر در سینما حضور داشته باشند.



Sahar Samadaei
Courtier immobilier résidentiel

سحر صمدایی
مشاور رسمی املاک مسکونی

Cell: 514.625.2525

 L'Agence
sahar.samadaei@gmail.com

L'AGENCE IMMOBILIÈRE INC. Real Estate Agency
550 - 1 Pl. du Commerce, Île-des-Soeurs, Québec H3E 1A1

- مهندس فارغ التحصیل دانشکده فنی دانشگاه تهران
- مسلط به زبان فرانسه
- اخذ وام بانکی و همراه شما در تمامی مراحل خرید و فروش
- ارزیابی رایگان ملک شما
- مشاوره سرمایه گذاری املاک در آمدزا

EQUIPE
AMY ASSAAD
QUALITY IMMIGRATION AGENT | QUALIFIED REAL ESTATE BROKER

مشاوره تخصصی انواع ملک، با ۲۷ عضو مسلط به ۱۸ زبان
خرید، فروش و اجاره املاک مسکونی و تجاری و درآمدزا
اخذ وام مسکونی و تجاری از بانکها و موسسات مالی

10% PREMIER DES COURTIERES
AU CANADA
AVEC ROYAL LEPAGE

در زمره ۱% مشاورین برتر املاک در کانادا

AMYASSAAD.CA

امی اسد مانیا نیازی

AMY ASSAAD MANYA NIAZI
INFO@AMYASSAAD.CA MANYA@AMYASSAAD.CA
514 884 8000 514 222 2293



AMY ASSAAD INC. 1489 AVS. 381KUR, MONTRÉAL, H3H 1C4 | ROYAL LEPAGE DU QUARTIER - AGENCE IMMOBILIÈRE

 **مینو اسلامی**

مشاور املاک در مونترال بزرگ
مسکونی و تجاری

• تهیه وام مسکن برای
دانشجویان و تازه واردان

• مشاوره و ارزیابی رایگان

• همکاری با یک تیم متخصصان
حقوقی و بازرسی فنی و تهیه
وام



Mino Eslami Real estate broker
meslami@sutton.com **514 967 5743**

آرش محبی
سعید میرزایی
عکس‌ها: از توییتر به‌رنگ رهبری

گفت‌وگو:

«مهرزاد زارعی» در گفت‌وگو با «هفته»
درباره فصل جدید پیگیری پرونده
هواپیمای اوکراینی:

منتظر بست نشینی ۴ اکتبر
مقابل پارلمان کانادا باشید



گزارش:

راهپیمایی اعتراضی در کانادا
برای دادخواهی قتل فرزند
درخواست مهرزاد زارعی: سپاه پاسداران و
مقامات جمهوری اسلامی را تحریم کنید

پرونده
هفته

گفت‌وگوی «هفته» با مهرزاد زارعی در درباره فصل جدید پیگیری پرونده هواپیمای اوکراینی

راهپیمایی اعتراضی «مهرزاد زارعی» از ریچموند هیل و از مزار پسرش «آراد» تا دفتر جاستین ترودو، نخست‌وزیر کانادا در اتاوا، فصل جدیدی از پیگیری پرونده هواپیمای اوکراینی توسط خانواده‌های جان‌باختگان آن بود.

زارعی گرچه نتوانست پس از ۱۶ روز پیاده‌روی و رسیدن به اتاوا با ترودو دیدار کند اما در دیدار با آقای گرگ فرگوس Greg Fergus، معاون پارلمانی نخست‌وزیر کانادا به او گفت بنا بر قولی که به آراد داده، چنانچه به خواسته‌هایش درباره قرارگرفتن سپاه پاسداران در لیست گروه‌های تروریستی و تحریم مقام‌های حکومت ایران رسیدگی نشود، روز ۴ اکتبر مقابل پارلمان کانادا بست خواهد نشست. او خواسته تا قبل از این تاریخ با ترودو دیدار کند و رودرو خواسته‌هایش را با او مطرح کند. زارعی البته می‌گوید ترودو در دیدارهای قبلی خواسته‌هایش را شنیده و قول همراهی هم داده اما در عمل اتفاقی نیفتاده است. در گفت‌وگوی ما با مهرزاد زارعی می‌خوانید که چه پیشنهادی به دولت کانادا داده تا اگر سپاه تحریم شود، آن‌هایی که دو سال خدمت اجباری در سپاه داشته‌اند، برای سفر و مهاجرت به کانادا دچار مشکل نشوند.

آرش محبی

کانادا چه بود؟

زمانی که نخست‌وزیر نبود من حقیقتاً تصمیم گرفتم آنجا اعتصاب کنم اما بنا به درخواست‌هایی که از دفتر ایشان شد، تصمیم گرفتم ملاقاتی را با معاون نخست‌وزیر داشته باشم. ما تمام خواسته‌هایمان را به ایشان اعلام کردیم و راه‌کارهایمان را هم گفتیم. یکی از دغدغه‌های دولت این بود که اگر سپاه در لیست تحریم قرار بگیرد، ممکن است یک سری از افراد عادی که مثلاً سربازی اجباری در سپاه رفتند، دچار مشکل شوند که البته ما راهکار آن را هم اعلام کردیم که با اجرای آن هیچ‌گونه نگرانی برای هیچ قشری از جامعه که مجبور شده دو سال خدمت اجباری در سپاه داشته باشد به وجود نیاید. آن چیزی که مسلم است ما خواسته‌هایمان را به‌صراحت اعلام کردیم. خواسته‌های ما قرارگرفتن سپاه در لیست تروریستی و تحریم‌های هدفمند علیه مقامات جمهوری اسلامی و شخص علی

هم زخم خورده‌ایم و کنار شما هستیم. البته به این خواسته که سپاه پاسداران باید در لیست گروه‌های تروریستی قرار گیرد و مقام‌های جمهوری اسلامی باید تحریم شوند، هنوز نرسیده‌ام ولی به پنجاه درصد از خواسته‌هایم رسیدم که منعکس کردن صدایمان بود. حالا باید منتظر بمانیم که نتیجه نامه ما به دولت کانادا تا چهارم اکتبر مشخص شود و البته نتیجه دیداری که باید با نخست‌وزیر انجام دهیم.

اتفاقاً می‌خواستیم بپرسم شما تا اتاوا رفتید که با آقای جاستین ترودو رودرو صحبت کنید و خواسته‌هایتان را به او اعلام کنید اما نتوانستید او را ببینید و با معاونش دیدار کردید. البته نخست‌مایل به دیدار نبودید اما در نهایت نظرتان عوض شد. در آن دیدار چه گذشت، چه گفتید و پیام دولت

آقای زارعی آیا خودتان از نتیجه راهپیمایی ۱۶ روزه راضی هستید و به اهدافی که در نظر داشتید، رسیدید؟ حقیقتاً من فکر کنم یک پیروزی در مسیر دادخواهی اتفاق افتاد. زمانی که این حرکت را شروع کردم، دو هدف داشتم. یکی این که به دولت کانادا بگویم از مماشاتی که با جمهوری اسلامی می‌کنید، آگاه هستیم و باید دست از این کار بردارید و خودتان را در مسیر درستی قرار دهید. از آن طرف می‌خواستیم صدای مردمی باشم که به هر شکلی چه مذهبی و چه از لحاظ اینکه عزیزانشان به قتل رسیده‌اند، چه از لحاظ فعالیت محیط زیستی و... مثل خودم رجز کشیده‌اند و به دنبال دادخواهی هستند. سپاه پاسداران و جمهوری اسلامی دشمن همه ما هستند که دنبال دادخواهی هستیم. بسیار خوب شد که توانستیم با هم در یک مسیر اعلام همبستگی کنیم و به همه این عزیزان بگوییم که ما

ده نفر آدم بی‌نام‌ونشان را به‌عنوان مقصر معرفی کردند که یکی مسئول فلان چیز بوده و دیگری مسئول بهمان چیز! یک بچه ده‌ساله هم متوجه می‌شود که اینها درست نیست. من با شش خلبان صحبت کرده‌ام. آن‌ها می‌گویند چیزی که اینها اعلام کردند با عقل جور در نمی‌آید که مثلاً بالای تهران یک هواپیمای مسافربری را به‌اشتباه بزنند. اصلاً محال است! منتهی الان در حال ماله‌کشی هستند و متأسفانه دولت کانادا هم مدافع جمهوری اسلامی شده است.



آقای Greg Fergus، معاون پارلمانی نخست وزیر کانادا بعد از ملاقات با مهرزاد زارعی و حامد اسماعیلیون در توئیتر خود نوشت: دیروز با مهرزاد زارعی و حامد اسماعیلیون ملاقات کردم که عزیزانشان به خاطر شلیک ایران به هواپیمای پرواز PS۷۵۲ کشته شدند. تا زمانی که شفافیت و مسئولیت‌پذیری از سوی ایران نشان داده نشود کانادا تلاش خود را متوقف نخواهد کرد. هیچ کاندادی هرگز نباید چنین رنجی را متحمل شود.

یعنی آقای ترودو به طور مشخص قول داد به این درخواست‌هایتان رسیدگی خواهد کرد؟

بله. باید رسیدگی کند. من این صحبت‌ها را مطرح کرده‌ام و ایشان هم قول دادند. هرکسی که قول می‌دهد باید پای قولش بماند. فرقی نمی‌کند شما نخست‌وزیر باشی یا یک آدم معمولی. شما قول دادی آقای ترودو! شما قول دادی در این مسیر حرکت کنی. الان نهصد و شصت روز از این جنایت می‌گذرد اما هنوز هیچی به هیچی. ده نفر آدم بی‌نام‌ونشان را به‌عنوان مقصر معرفی کردند که یکی مسئول فلان چیز بوده و دیگری مسئول بهمان چیز! یک بچه ده‌ساله هم متوجه می‌شود که اینها درست نیست. من با شش خلبان صحبت کرده‌ام. آن‌ها می‌گویند چیزی که اینها اعلام کردند با عقل جور در نمی‌آید که مثلاً بالای تهران یک هواپیمای مسافربری را به‌اشتباه بزنند. اصلاً محال است! منتهی الان در حال ماله‌کشی هستند و متأسفانه دولت کانادا هم مدافع جمهوری اسلامی شده است. شما ببینید من یک حکم علیه جمهوری اسلامی دارم که صد و هفت میلیون دلار آن را محکوم کرده. رفته و می‌خواهم سفارت جمهوری اسلامی را بگیرم اما دولت کانادا به‌عنوان نماینده جمهوری اسلامی سد راه من شده و نزدیک به پنج شش ماه روند کار من را به عقب انداخته است. حالا در چند روز آینده دوباره به دادگاه خواهم رفت. حرف من این است شهروند در این کشور حقوقی دارد. ما به‌عنوان شهروند کار می‌کنیم و به شما (دولت) مالیات می‌دهیم تا زمانی که ظلم این چنین اتفاق می‌افتد، کنار و پشت شهروند باشی؛ نه اینکه به‌خاطر منافعی که پشت پرده دارید با پرونده‌های مداخلات کنید؛ نه اینکه یک سری گروه مدافع جمهوری اسلامی مثل نایاک و کنگره ایرانیان بیایند و به شما یک سری آمار و حرف‌های دروغ تحویل دهند و بعد شما آن‌ها را مستندات کنید و از آن‌ها حمایت کنید. تا موقعی که ما باشیم نه سفارت اینجا باز خواهد شد و نه روابط با جمهوری اسلامی عادی خواهد شد و نه کانادا جایی خواهد بود برای این دزدان که اینجا راحت بیایند و بروند. ما باید کاری کنیم که این بهشت (کانادا) برای آن‌ها به جهنم تبدیل شود.

خامنه‌ای است. من در آن جلسه گفتم که باید تاریخ چهارم اکتبر که زمان راهپیمایی ما است با جناب نخست‌وزیر دیدار کنیم تا خواسته‌های ما پیگیری شود وگرنه در آن روز جلوی پارلمان کانادا تحصن می‌کنم. در آن جلسه گفتم آدم قانون‌شکنی نیستیم اما به دنبال خواسته خودم هستیم یعنی دادخواهی و قولی که به پسر دم دادم. به‌هر حال بابت دادخواهی وزنه‌ای را بر روی دوش خودم احساس می‌کنم و از پیگیری عقب‌نشینی نخواهم کرد؛ حالا هرطوری هم شود اصلاً ترسی ندارم. به‌هر حال به معاون نخست‌وزیر از مشکلات و همچنین چیزهایی که اطلاع نداشتند، گفتیم و خواستیم که حتماً آن‌ها را به جناب نخست‌وزیر اعلام کنند و در آن نشستی هم که با نخست‌وزیر خواهیم داشت حتماً آن‌ها را اعلام می‌کنیم. همانجا از آقای حامد اسماعیلیون عزیز درخواست کردم برای جلسه با نخست‌وزیر هم تشریف بیاورند. با توجه به روندی که کار ما پیش می‌رود، اتحاد بهترین حالت است و ما با اتحاد و همبستگی می‌توانیم خیلی کارها را انجام دهیم.

پس قرار شما این است که اگر تا چهارم اکتبر به خواسته‌هایتان رسیدگی نشد و ملاقاتی با آقای ترودو نداشتید، مقابل پارلمان بست بنشینید؟

بله. اگر که شما نگاه کنید امروز بیست و هفتم اگوست است و من پارسال در چنین روزی من با خود آقای ترودو در ریچموند هیل ملاقات داشتم که خیلی قول‌ها را به من دادند ولی متأسفانه به هیچ‌کدام عمل نکردند. دوبار دیگر به‌جز آن دیدار هم، آقای ترودو به من رودرو قول‌هایی دادند که باز هم به هیچ‌کدام عمل نکردند.

نخست‌وزیر به به‌طور مشخص چه قول‌هایی به شما دادند؟

قولی که ما از ایشان گرفتیم، حرکت در روند دادخواهی بود و اینکه محاکمین رو ما باید پای میز محاکمه بیاوریم. حالا که محاکمین رو نمی‌توانیم بیاوریم، باید تحریم‌ها را اعمال کنیم و سپاه را در لیست گروه‌های تروریستی قرار دهیم.

من در آن جلسه گفتم که باید تاریخ چهارم اکتبر که زمان راهپیمایی ما است با جناب نخست‌وزیر دیدار کنیم تا خواسته‌های ما پیگیری شود وگرنه در آن روز جلوی پارلمان کانادا تحصن می‌کنم.

البته به این خواسته که سپاه پاسداران باید در لیست گروه‌های تروریستی قرار گیرد و مقام‌های جمهوری اسلامی باید تحریم شوند، هنوز نرسیده‌ام ولی به پنجاه درصد از خواسته‌هایم رسیدم که منعکس کردن صدایمان بود.



آقای Greg Fergus، معاون پارلمانی نخست‌وزیر کانادا در دیدار با مهرزاد زارعی و حامد اسماعیلیون

آن‌ها توضیح دادیم، چهل دلار به من دادند و گفتند می‌خواهیم به این حرکت کمک کنیم و در آن به این شکل سهمی داشته باشیم. آن چیزی که آن‌ها انجام دادند نه به لحاظ مادی که از نظر معنوی ارزشمندترین چیز برای من بود که یک انسان چقدر می‌تواند به لحاظ همدردی غنی باشد. در مونترال هم که بودم و در روز آخری که در حال راه رفتن بودم، متوجه شدم زن‌وشوهری پشت سرم می‌دوند. برگشتم و دیدم در حال گریه کردن هستند. آن‌ها از من به خاطر کاری که انجام دادم، تشکر کردند و عذرخواهی کردند که نتوانستند به لحاظ سلامتی من را همراهی کنند. این دو اتفاق را تا زمانی که زنده‌ام فراموش نخواهم کرد.

در این راهپیمایی اعتراضی که داشتید چهره‌های مختلفی از شما حمایت کردند از جمله آقای رضا پهلوی. نظر شما درباره این حمایت ایشان چیست و اساساً چه تفسیری از این حمایت دارید؟

زمانی که با جناب شاهزاده صحبت کردیم، ایشان بی‌نهایت لطف داشتند و این حرکت را گرمی داشتند. برای من مهم بود کسانی که برای دادخواهی یا برای آزادی ایران قلبشان می‌تپد و دوست داشتند در این مسیر ابراز همدردی کنند، ابراز همراهی کردند. آن پیامی هم که عزیزان از ایران فرستادند و می‌فرستند، یک دنیا ارزش دارد و باتوجه به اینکه امکان حضور ندارند، همدلی آن‌ها را می‌رساند. شاهزاده هم همدلی خودشان را با دادخواهی به ما رساندند. به‌رحال ما در این شانزده روز توانستیم صدای خیلی‌ها باشیم؛ صدای مادر پویا؛ صدای مادر پژمان و صدای آن مادر بهائی که خانه‌اش را خراب کردند. من دست تک‌تک عزیزانی که ما را در این مسیر همراهی کردند، می‌فشارم.

ممنون از وقتی که به ما دادید. صحبت پایانی چیست؟
پرچم دادخواهی بالاست. ما پا پس نمی‌کشیم.

حرف دولت کانادا فقط این است که مثلاً اگر سپاه را در لیست تحریم‌ها یا تروریستی قرار دهد، ممکن است یک سری از مردم عادی هم آسیب ببینند.

آن‌ها می‌گویند یکی از مشکلاتی که به وجود می‌آید، همین است و البته به مشکلات دیگر هم اشاره می‌کنند. ما به آن‌ها راه‌حل را اعلام کردیم و گفتیم خود ما زخم خورده‌ایم و دوست نداریم برای هیچ‌کسی کوچک‌ترین مشکلی در این مسیر به وجود بیاید.

به‌طور مشخص چه راهکاری به دولت دادید که برای مردم عادی مشکلی پیش نیاید؟

پیشنهاد دادیم زمانی که فردی به کانادا می‌آید به کارت پایان خدمت آن آقا نگاه کنید. اگر این آقا دو سال خدمت کرده و خیلی راحت معلوم می‌شود که اگر در سپاه هم بوده از سر خدمت اجباری بوده و می‌تواند از تحریم‌های سپاه مستثنی شود. ما می‌خواهیم این تحریم‌ها برای کسانی اعمال شود که مدافع سازمانی مانند سپاه هستند و در این زنجیره قدرت که عزیزان ما را می‌کشد و برای زنان و دختران به ما به بهانه حجاب و امر به معروف مشکل درست می‌کند، در حال خدمت هستند. ما می‌خواهیم اینها تحریم کنیم یعنی تمام زیرمجموعه‌های سپاه تا بالا که می‌رسد به خود رهبری ما با افرادی که سرباز هستند مشکلی نداریم. همه می‌دانند در ایران سربازی اجباری است و با پیشنهاد ما مشکلی برای آن‌ها پیش نخواهد آمد و جای نگرانی نیست. از آن طرف به نظر ما با طرح این قبیل مسائل دنبال بهانه‌تراشی هستند.

واکنش مردم کانادا و جامعه ایرانیان نسبت به حرکت شما چه بود و چه لحظات و خاطراتی ماندگاری برای شما از واکنش آن‌ها باقی مانده است؟

واکنش و خاطره زیاد بود اما دو تا از آن‌ها را فراموش نخواهم کرد. در مسیرم به سمت اتاوا از منطقه‌ای در خارج از شهر رد می‌شدم که یک آقا و خانم کانادایی با سن بالا آمدند و از من پرسیدند که چه کاری انجام می‌دهی و زمانی که به

راهپیمایی اعتراضی در کانادا برای دادخواهی قتل فرزند درخواست مهرزاد زارعی: سپاه پاسداران و مقامات جمهوری اسلامی را تحریم کنید



در کانادا و هزاران کیلومتر دورتر از ایران دریافت کرده بود: «این قدر تلفن می شد که شما بیشتر از دهانتان صحبت می کنید. خفه شوید. بالاخره شماها هم تقاص خواهید داد و از این صحبت های این جوری. ما یک مقدار نسبت به بقیه تندتر عمل می کنیم، مخصوصاً زمانی که عکس های این جنایتکاران را من به آتش کشیدم. آن زمان بود که خیلی حملاتشان و تهدیداتشان زیاد شد و مجبور شدم با کمپانی تلفنم صحبت کنم. شماره های ناشناس را بلاک کردیم که نتواند کسی با شماره ناشناس به من تلفن بزند یا با من ارتباط برقرار کنند. در اینستاگرام هم همیشه پیغام های خیلی بد می آید.»

درخواست مهرزاد زارعی در پایان راهپیمایی: تحریم سپاه پاسداران و مقام های حکومت در ایران

مهرزاد بعد از حدود ۴۰۰ کیلومتر پیاده روی اعتراضی، در نهایت به دفتر نخست وزیر کانادا رسید تا پیام دادخواهی اش را به دست جاستین ترودو برساند، اما در نهایت موفق به این دیدار نشد، زیرا ترودو در خارج از اتاوا به دیدار دبیر کل ناتو رفته بود. به همین دلیل از زارعی درخواست شد تا با معاون پارلمانی نخست وزیر صحبت کند که این درخواست ابتدا با مخالفت زارعی روبرو شد، اما در نهایت ضمن مشورت با برخی از اعضای خانواده های قربانیان این پرواز، این دیدار را پذیرفت. مهرزاد زارعی در پایان راهپیمایی اعتراضی اش گفت که مقامات جمهوری اسلامی و سپاه پاسداران باید تحریم شوند.

مهرزاد به روند رسیدگی دولت کانادا به پرونده ساقط شدن هواپیمای

مهرزاد زارعی، پدر آراد زارعی از کشته شدگان هواپیمای اوکراینی، در ژوئیه امسال اعلام کرد که در مخالفت با مداخلات دولت کانادا با جمهوری اسلامی و به نشانه اعتراض، در پیاده روی چندروزه از آرامگاه فرزندش به سمت پارلمان کانادا می رود. آراد زارعی ۱۷ ساله، دانش آموز سال دوم دبیرستان، یکی از ۲۹ کودک و نوجوانی بود که در پرواز هواپیمای اوکراینی، کشته شد. مهرزاد از آرامگاه پسر ۱۷ ساله اش در ریچموند هیل انتاریو، پیاده روی اعتراضی اش را آغاز کرد و طی ۱۶ روز به دفتر نخست وزیر در اتاوا رسید.

مهرزاد زارعی در توضیح حرکت اعتراضی اش گفته بود: «پسرم را سپاه پاسداران در هواپیمای اوکراینی، عاقدانه در یک عمل تروریستی به قتل رساند. از همان موقع به آرادم قول دادم که تا جان در بدن دارم، لحظه ای از تلاش برای دادخواهی دست برندارم. به همراه برخی از خانواده های این پرواز به دادگاه عالی انتاریو از جنایتکاران شکایت کردیم. دادگاه نیز رأی به محکومیت جمهوری اسلامی داد. با وجود آنکه اکنون ۳۰ ماه از این جنایت می گذرد، اما جاستین ترودو مشغول مداخلات با رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی است.»

او تأکید کرده بود: «به همین منظور تصمیم گرفتم به نشانه اعتراض به سیاست های جاستین ترودو، در روز چهارشنبه، ۱۰ اوت، پیاده از آرامگاه ابدی پسرم به سمت پارلمان کانادا حرکت کنم. پنجشنبه ۲۵ اوت، به پارلمان اتاوا خواهیم رسید. به همین منظور از خانواده های این پرواز، از دادخواهان و از زخم خورندگان جمهوری اسلامی دعوت می کنم که در این مسیر، مرا یاری کنند. به امید اجرای عدالت در سرتاسر جهان.»

پیش تر هم مهرزاد زارعی در گفت و گو با رادیو فردا از تهدیداتی گفته بود که



در راهپیمایی اعتراضی مهرزاد زارعی، برخی از اعضای خانواده‌های کشته‌شدگان هوایمای اوکراینی، فعالان مدنی، خبرنگاران و... هم با او همراه شدند.

همچنین حامد اسماعیلیون، سخنگوی انجمن خانواده‌های قربانیان پرواز PS752 هم در روز شروع این حرکت اعتراضی و در کنار آرامگاه آراد، با بیان اینکه ۳۱ ماه از این «جنایت» گذشته و کسی از جمهوری اسلامی با سابقه ۴۴ سال شرارت؛ گردنکشی و قتل و سرکوب؛ انتظار بازگویی حقیقت را ندارد، گفت: «ما مسئول هستیم. ما نسبت به خنده‌های به خون نشسته و زندگی‌های از دست‌رفته مسئول هستیم. ما نسبت به خانواده‌های پرواز، خانواده‌های آبان، نسبت به هنرمندان و فعالان زندانی، نسبت به دادخواهان ۴۴ سال گذشته، نسبت به قربانیان اعترافات اجباری، نسبت به عدالت و حقیقت مسئول هستیم.»

چندی قبل هم اسماعیلیون، با حضور در نشست کارگروه حقوق بشر کمیته روابط خارجی پارلمان کانادا از عملکرد دولت فدرال کانادا درباره پرونده هوایمای اوکراینی انتقاد کرد و اذعان داشت که دولت کانادا در زمینه تحقیق و پیگیری این پرونده، رویکردی «محافظه‌کارانه» توأم با «تلافی وقت» داشته است.

اسماعیلیون که در جریان شلیک موشک به هوایمای اوکراینی، دختر و همسرش را از دست داده است، در سخنرانی اخیر خودش در پارلمان گفت که با وجود گذشت ۳۰ ماه از سرنگونی هوایما، هنوز دلایل این شلیک‌های مرگبار روشن نشده است. او در ادامه، عملکرد دولت کانادا در ۳۰ ماه گذشته را مایه «ناامیدی خانواده‌های جان‌باختگان» دانست. همچنین او از دولت کانادا بابت اینکه حاضر نشده است مثل دولت آمریکا، سپاه پاسداران جمهوری اسلامی را به‌عنوان سازمانی تروریستی اعلام کند، انتقاد کرده است.

سابقه دیدار مهرزاد زارعی با جاستین ترودو

مهرزاد زارعی در اوت سال گذشته هم به‌سرعت در میان جمعیتی که منتظر دیدار جاستین ترودو در جشنواره غذا بودند، خود را به نزدیک رهبر لیبرال‌ها رساند و چندین بار فریاد زد: «آقای ترودو! آقای ترودو! تو قول دادی.» چند روز بعد از سرنگونی هوایمای اوکراینی، زارعی و دیگر خانواده‌های

اوکراینی، معترض است و به گفته خودش، «جاستین ترودو مشغول مامشات با رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی است.» مهرزاد همچنین در پایان راهپیمایی اعتراضی، دوباره خواهان تحریم سپاه پاسداران جمهوری اسلامی از سوی کانادا شد. مهرزاد در پایان راهپیمایی دادخواهی، اعلام کرد که «هر روز خواستار آزادی یکی از عزیزان دربند جمهوری اسلامی می‌شویم.»

در این راهپیمایی اعتراضی، مهرزاد تأکید کرد: «ما می‌خواهیم حضور آن آقازاده‌ها و خانم‌زاده‌ها که در این کشور (کانادا) هستند، کسانی که فکر می‌کنند بی‌دردسر می‌توانند پا به این کشور بگذارند و بر روی تردمیل نرمش کنند، را ناممکن کنیم.»

او در ادامه خواسته راهپیمایی‌کنندگان را «سرنگونی» جمهوری اسلامی خواند و گفت: «تا ما در این کشور هستیم و نفس می‌کشیم و تا جمهوری اسلامی وجود دارد، در این سفارتخانه (سفارت سابق جمهوری اسلامی در کانادا) بسته خواهد ماند.»

همچنین او عنوان کرد: «این حکومت و سپاه پاسدارانش عزیزان ما را به قتل رساندند و در همین کشور عواملی دارند تا جلوی دادخواهی خانواده‌ها را بگیرند.» در جریان این راهپیمایی اعتراضی، مهرزاد به محل سفارت تعطیل شده جمهوری اسلامی هم رفت تا با دادخواهان هوایمای اوکراینی دیدار کند. سپس به سمت پارلمان کانادا و دفتر نخست‌وزیری کانادا حرکت کرد. مهرزاد می‌خواهد بعد از گذشت حدود ۳۱ ماه از کشته‌شدن ۱۷۶ مسافر و خدمه هوایمای اوکراینی، صدای اعتراضش را رودررو به گوش جاستین ترودو برساند.

مهرزاد در مسیر راهپیمایی از ۱۷۶ مسافر کشته شده این هوایما و همچنین از نوید افکاری، جوان اعدام شده بعد از اعتراضات مرداد ۱۳۹۷ در ایران یاد کرد. او در اولین روز این راهپیمایی گفت: «کشتن آراد من، کشتن بچه‌های بی‌گناه، کشتن مسافران بی‌پناه، بی‌پاسخ نخواهد ماند. دادخواهی راهیست برای جلوگیری از تکرار جنایات‌های مشابه، دادخواهی راهیست برای سرنگون کردن حکومت جور و جهل، دادخواهی راهیست برای مردم تا عاقبت روزی در شادی زندگی کنند.»

همچنین او در ششمین روز از این راهپیمایی اعتراضی با اقلیت‌های مذهبی در ایران، اعلام همبستگی کرد. در روز نهم نیز از دانشجویان پرواز اوکراینی سخن گفت و در روز سیزدهم هم از وضعیت معلمان، کارگران و بازنشستگان در ایران، یاد کرد.



زمان و راهپیمایی اعتراضی نشان داد که زارعی نسبت به وعده‌های ترودو، بی‌اعتماد شده است.

بلافاصله بعد از سرنگونی هواپیمای اوکراینی، ابتدا جمهوری اسلامی حمله به هواپیما را رد کرد، اما سه روز بعد اعتراف کرد که نیروی شبه‌نظامی (سپاه پاسداران جمهوری اسلامی) به‌اشتباه با دو موشک زمین‌به‌هوا، هواپیمای مسافربری اوکراینی را مورد اصابت قرار داده است. همه ۱۷۶ سرنشین هواپیما جان باختند؛ از جمله ۵۵ شهروند کانادایی و ۳۰ شهروند دارای اقامت دائم کانادا.

گزارش‌های اولیه منتشر شده از سوی مقامات جمهوری اسلامی، به خطای اپراتور نیروی هوایی سپاه اشاره کرد که هواپیمای بوئینگ را با موشک کروز آمریکایی اشتباه گرفته بود، اما گزارش نهایی از سوی جمهوری اسلامی، «خطای انسانی» را مقصر سرنگونی هواپیما دانست. با این وجود، تاکنون هیچ مقام بلند پایه‌ای در جمهوری اسلامی، مسئول سرنگونی هواپیما اعلام نشده است.

منابع: صدای آمریکا، انجمن جان‌باختگان پرواز PS752، رادیو فردا، صفحه یوتیوب تلویزیون ایران اینترنشنال و شبکه‌های اجتماعی

قربانی در مورد مسیرهای پیشرو برای مجازات عاملان سرنگونی هواپیما با ترودو ملاقات کردند. زارعی یادآور شد که ترودو در آن دیدارها به خانواده‌ها قول داد که دولتش پاسخگو باشد و عدالت را در این پرونده اجرا کند. زارعی یکی از چهار شاکی علیه جمهوری اسلامی در دادگاه انتاریو بود؛ دادگاهی که در آن قاضی انتاریو، سرنگونی هواپیما را یک اقدام تروریستی قلمداد کرد.

زارعی از ترودو پرسیده بود که چرا کانادا علیرغم شواهدی که علیه جمهوری اسلامی وجود دارد، رژیم ایران را تحت تعقیب کیفری قرار نمی‌دهد و چرا دولت ترودو این حادثه را یک اقدام تروریستی اعلام نکرده است.

زارعی پس از ملاقات ترودو گفت: «ترودو به من قول داد که برای خانواده‌های قربانیان، عدالت را رعایت خواهد کرد. البته این همان چیزی است که او قبلاً هم به من قول داد.»

سرانجام ترودو دستش را دراز کرد و زارعی را در آغوش گرفت، در گوشش صحبت کرد و دوباره قول داد که هر کار ممکن برای اجرای عدالت در این ماجرا را انجام خواهد داد.

در آن زمان، زارعی گفته بود: «ترودو از اعماق قلبش صحبت کرد و من معتقدم که او، عدالت را در پرونده هواپیمای اوکراینی رعایت خواهد کرد.» اما گذر



استخدام

موسسه خدمات خانگی، یک شرکت کانادایی-کره‌ای با ۱۰ سال سابقه، استخدام می‌کند: ما به تعدادی نیروی کار متعهد نیاز داریم و پرداخت ما عالی است.

- نوع کار: تمیزکاری منازل، نگهداری از کودکان و سالمندان و...
 - شکل کار: فردی، تیمی یا خانوایی
 - مشتریان: ۹۰ درصد کانادایی و ۱۰ درصد آسیایی متمول
 - ساعات کاری: روز یا شب، کاملاً منعطف
- با حقوق عالی** (به صورت نقدی یا چک)

Hiring by: Family Care Services
Please contact Ms. Anna Lee
514-690-7005
Resumes to:
4familycareservices@gmail.com

EXPERTFX

Bureau de Change
Currency Exchange



ارائه خدمات ارزی:

- سریعترین و مطمئن ترین روش انتقال ارز
- با استفاده از کارت‌های شبکه بانکی ایران (شتاب)
- خرید و فروش انواع ارز با بهترین نرخ روز و بدون کارمزد

1405 Boul DE Maisonneuve O, Montréal H3G 1M6
info@expertfx.ca www.expertfx.ca

(514) 844 - 4492

Residential Real Estate Broker

شهره شهریان

مشاور املاک در کلان شهر مونتreal



- خرید، فروش و اجاره املاک مسکونی
- مشاوره تخصصی جهت سرمایه گذاری
- ارزیابی رایگان ملک و آنالیز مناطق مختلف مونتreal جهت خرید
- هزینه محضر هدیه من به خریداران

514 - 290 - 2210

shahrianrealtor@gmail.com

Service Canada

مهاجرت
مقاله
مصاحبه



مهاجرین تنها گزینه مطلوب رشد اقتصاد و جمعیت تا سال ۲۰۶۸

چالش‌های دولت افزایش نیروی جوان در کانادا بود. نسبت رشد طبیعی جمعیت (تولد - مرگومیر) انتظار می‌رود کاهش یابد این پیش‌بینی به‌واسطه سابقه تاریخی رشد پایین جمعیت در کانادا است. رشد پایین تولد در میان زوجین کانادایی در سال ۲۰۲۰ تنها ۱.۴ فرزند برای هر زن شهروند بوده است. بر اساس آخرین گزارش‌های تحقیقاتی اداره آمار، جوانانی که با ویزاهای موقت کاری و تحصیلی به کانادا در سال ۲۰۲۱ وارد شده‌اند دارای میانگین سنی ۱۸ تا ۳۴ سال هستند. بدین دلیل اداره مهاجرت کانادا تلاش بر جذب این گروه از ساکنین موقت دارد. بدین دلیل برنامه‌های جذاب مهاجرتی برای این دسته از ساکنین موقت کانادا که دارای تحصیلات و تجربه کانادایی با تسلط کامل به یکی از زبان‌های رسمی کانادا، مطلوب‌ترین گزینه نه‌تنها برای تأمین نیروی کار موردنیاز این کشور بلکه برای ازدیاد جمعیت محسوب می‌گردند.

نیروی کار در کانادا بسیاری از شهروندان علاقه‌مند هستند دولت سهمیه سالانه گزینش مهاجرین را افزایش دهد. در مقابل بسیاری بر این اعتقاد هستند که دولت باید با برنامه‌ریزی دقیق‌تری برای اسکان و ارائه سرویس‌های اجتماعی برنامه‌ریزی کند تا بتواند قبل از افزایش سهمیه گزینش، امکان ارائه سرویس‌ها و خدمات لازم برای استقرارپذیری مهاجرین تازه‌وارد را مهیا کند.

میانگین سن جمعیت کانادا ۴۱ سال است و تا سال ۲۰۶۸ این میانگین به ۴۵ سال افزایش خواهد یافت. این در حالی است که شهروندان بالای ۸۵ سال در همین دوره سه برابر خواهد شد. هم اکنون تعداد شهروندان بالغ بر ۸۵ سال، ۸۷۱۰۰۰ نفر است که تا سال ۲۰۶۸ به تعداد ۳ میلیون و ۲۰۰ هزار نفر خواهد رسید.

هم اکنون تعداد شهروندان بازنشسته‌ای که بالغ بر ۶۵ سال هستند ۲۶٪ کل جمعیت کانادا را تشکیل می‌دهند. بر اساس گزارش اداره آمار کانادا، حتی با ازدیاد سهمیه گزینش مهاجرین، پیر شدن جمعیت کانادا در طی ۵۰ سال آینده غیرقابل انکار است.

از طرف دیگر با افزایش مرگومیر بر اساس گزارش صادره حتی با رشد متوسط تولد در بین سال‌های ۲۰۴۹ تا ۲۰۵۸ رشد کلی جمعیت کانادا منفی خواهد شد. تعداد مرگومیر شهروندان کانادا از تعداد تولد نوزادان، در طول این دوره ۹ساله پیشی خواهد گرفت.

در سال ۲۰۲۰ حتی با تلاش برای افزایش در گزینش مهاجرین جدید یکی از بزرگ‌ترین

بر اساس بررسی‌های اداره آمار کانادا تا سال ۲۰۶۸ جمعیت این کشور به ۵۷ میلیون نفر خواهد رسید که مهاجرین بالاترین سهم در این رشد جمعیتی را خواهند شد.

در بین سال‌های ۲۰۱۶ تا ۲۰۲۱ رشد جمعیت کانادا تقریباً دوبرابر دیگر کشورهای G7 بوده است. در سه‌ماهه نخست سال ۲۰۲۲ کانادا بالاترین میزان ورود مهاجرین را از سال ۱۹۹۰ تجربه کرده است.

جهت ادامه روند رشد جمعیت دولت می‌بایست سهمیه گزینش سالانه بالغ بر ۴۵۰ هزار مهاجر را همواره، حداقل حفظ کند.

رشد اقتصادی کانادا به میزان قابل‌توجهی وابسته به مهاجرین تازه‌وارد به این کشور است. تا سال ۲۰۳۰ انتظار می‌رود بالغ بر ۹ میلیون شهروند کانادایی بازنشسته خواهند شد. این نشانگر این است که تا آن زمان حتی اگر همچنان با سهمیه سالانه بالغ بر ۴۵۰ هزار مهاجر را مورد گزینش قرار دهد تنها نیمی از موقعیت‌های شغلی را تا سال ۲۰۳۰ تأمین خواهد کرد.

بر اساس بررسی‌های اداره آمار کانادا استان‌های کبک، نوآسکوشیا، نیوبرانزویک و جزیره پرنس ادوارد و بریتیش کلمبیا بالاترین تعداد مهاجران جدید را جذب خواهند کرد و با رشد جمعیت روبرو خواهند شد ولی در مقابل استان‌های نیوفاندلند و لابرادور با تنزل جمعیت در سال‌های آینده روبرو خواهند بود.

در حال حاضر بر اساس این گزارش با تنها ۴.۹ درصد بیکاری میلیون‌ها موقعیت شغلی خالی وجود دارند به‌منظور مقابله با کمبود قابل‌توجه



تماس با نویسنده: معصومه علی‌محمدی، مشاور رسمی مهاجرت. با او می‌توانید از طریق ایمیل info@icpimmigration.com و وبسایت www.icpimmigration.com در تماس باشید.

این صفحه توسط مؤسسه مهاجرتی آی.سی.پی. ICP Immigration حمایت شده است.



کمک یک ایرانی به تازه واردان آرورا

یک پروژه‌ی آزمایشی جدید برای تازه واردان به کانادا موفقیت بزرگی برای کتابخانه‌ی عمومی آرورا و خدمات جامعه کاتولیک منطقه‌ی یورک به ارمغان آورده است.

از ماه گذشته، برنامه‌ی اسکان در کتابخانه‌ی عمومی آرورا مشاوره‌ی از خدمات جامعه‌ی کاتولیک منطقه‌ی یورک را در فضای اتاق نشیمن کتابخانه مهمان می‌کند تا ماهی یک‌بار به سؤالاتی در مورد مشاغل، اشتغال، مسکن، مراقبت‌های بهداشتی، آموزش، حمل‌ونقل و موارد دیگر به چندین زبان پاسخ داده شود.

در جامعه‌ای مانند آرورا که مرکز استقبال رسمی ندارد، تازه واردان قبلاً این امکان را داشتند که به مراکزی مانند نیومارکت و ریچموند هیل بروند - اما کتابخانه‌هایی مانند کتابخانه‌ی عمومی آرورا اغلب اولین نقطه شروع برای کانادایی‌های جدیدند که به دنبال یافتن پاسخ پرسش‌های خود هستند.

برنامه‌ی اسکان در کتابخانه‌ی عمومی آرورا برای کمک به ساکنان جدید برای دریافت پاسخ‌ها طراحی شده است و پس از استقبال قابل توجه از آن در ژوئیه، قرار است تا پاییز ادامه یابد.

سارا مقدادپور، کارمند ایرانی‌تبار اسکان در خدمات جامعه‌ی کاتولیک منطقه‌ی یورک، می‌گوید: «گاهی اوقات مردم به این دلیل به کتابخانه مراجعه می‌کنند که نمی‌دانند برای دریافت اطلاعات به کجا مراجعه کنند. از آنجایی که ما در حال ارائه خدمات برای تازه واردان هستیم، بسیاری در مورد سیستم اطلاعات زیادی ندارند و بزرگ‌ترین مانع هم زبان است. وقتی تبلیغ می‌کنیم که زبان‌های مختلف در دسترس است، راحت‌تر می‌روند و با فردی که به زبان خودشان صحبت می‌کند هم صحبت می‌شوند.»

سارا می‌گوید: «من خود به انگلیسی و فارسی صحبت می‌کنم و جامعه‌ی آرورا هم در حال رشد است. این برنامه به تازه واردان کمک کرد تا به جامعه وارد شوند. آنها می‌خواهند بدانند چگونه می‌توانند شغل پیدا کنند، چگونه می‌توانند خانه اجاره کنند، نقش مستأجر و صاحبخانه بودن و ... چگونه می‌توانند کلاس‌های انگلیسی پیدا کنند و سطح زبان خود را ارزیابی کنند. خیلی چیزهای دیگر آنها را جذب برنامه می‌کند. آنها حتی نمی‌دانند چگونه حساب بانکی باز کنند، به کدام بانک‌ها می‌توانند مراجعه کنند. بسیاری از آنها حتی با جست‌وجوی آنلاین آشنا نیستند و برای یافتن راه کمک می‌خواهند.»

مشاهده‌ی این اتفاق برای کلودیا اولگوین، مدیر ابتکارات جامعه در کتابخانه‌ی عمومی آرورا، این برنامه را بسیار ارزشمند می‌داند.

او می‌گوید: «برای این نوع برنامه‌ها، فرقی نمی‌کند که به یک فرد کمک می‌کنید یا به ۵۰ نفر، تا زمانی که به یک نفر کمک می‌کنید در کانادا مستقر شود، شغل جدیدی پیدا کند، خانه‌ای پیدا کند یا هر نیازی که دارد، این کافی است. این به ما انرژی می‌دهد که به این کار ادامه دهیم. حتی اگر فقط به یک نفر کمک کنیم، در یک خانواده تفاوت ایجاد می‌کنید و گاهی اوقات، با این خانواده‌ها، تفاوت بزرگی در جامعه ایجاد می‌کنید.»

او می‌افزاید: «وقتی ماه‌ها بعد آنها را می‌بینید که انگلیسی‌شان بهتر شده است، یا شغلی پیدا کرده‌اند، بسیار لذت‌بخش است، زیرا بسیاری از آنها که به اینجا می‌آیند و مدارکشان به کار اینجا نمی‌آید، باید به آموزشگاه برگردند، اما وقتی شما دوباره آنها را می‌بینید و می‌بینید که موفق

شده‌اند، این بهترین پاداشی است که می‌توانید دریافت کنید.»

باتوجه به موفقیت برنامه از آغاز، کتابخانه عمومی آرورا به دنبال ادامه و گسترش این برنامه در آینده است.

جلسه بعدی در روز پنجشنبه، ۱۵ سپتامبر، از ساعت ۱۳:۳۰، شروع می‌شود. نشست بعدی نیز، روز سه‌شنبه، ۱۸ اکتبر، از ساعت ۱ تا ۴:۳۰ بعدازظهر خواهد بود. تمام جلسات هم در اتاق نشیمن کتابخانه برگزار می‌شود.

سارا می‌گوید: «برای کمک به مردم همیشه مشتاقم و همیشه هم سعی می‌کنم خود را با اطلاعات جدید به‌روز کنم و وقتی بتوانم تغییری ایجاد کنم احساس خوشحالی می‌کنم و در این میان اعتماد بسیار مهم است. وقتی خدماتی ارائه می‌دهید می‌توانید این اعتماد را ایجاد کنید و این اولین قدم بسیار مهمی است که می‌توانیم در برخورد با مردم برداریم. نمی‌توانم بگویم که چقدر خوشحالم که در این زمینه کار می‌کنم.»

اولگوین هم می‌گوید: «وجود این برنامه به معنای برقراری ارتباط با تازه واردان و هدایت آنها به اطلاعات اسکان و منابعی است که برای ادغام موفقیت‌آمیز در جوامع جدید خود بدان‌ها نیاز دارند. آغوش برنامه به روی تازه واردان باز است. امیدواریم آنها را در اینجا ببینیم و اگر سؤالی داشتند، می‌توانم به آنها کمک کنم تا درباره کتابخانه و نحوه عملکرد سیستم‌های مختلف اطلاعات بیشتری کسب کنند.»

برای اطلاعات بیشتر در مورد برنامه و ابتکارات آینده، می‌توانید با کلودیا اولگوین به نشانی تماس بگیرید.

منبع: وبسایت شبکه خبری نیومارکت تودی



فارسی یکی از پرگویش‌ترین زبان‌های ونکوور شده است

اما سرشماری سال ۲۰۲۱ همچنین نشان داد که ۴.۶ میلیون کانادایی عمدتاً به زبانی غیر از انگلیسی یا فرانسوی در خانه صحبت می‌کنند که این ۱۲.۷ درصد از جمعیت کانادا را تشکیل می‌دهد، نسبتی که در این ۳۰ سال افزایش یافته است.

علاوه بر این، از هر چهار کانادایی در سال ۲۰۲۱، یک نفر یا نه میلیون نفر، زبان مادری غیر از انگلیسی یا فرانسوی داشتند. این یک رکورد از سرشماری سال ۱۹۰۱ است که برای اولین بار سؤالی در مورد زبان مادری اضافه شد.

انگلیسی اولین زبان رسمی است که از هر چهار کانادایی سه کانادایی به آن صحبت می‌کند.

نسبت کانادایی‌های انگلیسی-فرانسوی دوزبانه (۱۸ درصد) تقریباً نسبت به سال ۲۰۱۶ بدون

تغییر باقی مانده است.

بر اساس آمار کانادا، از هر ۱۰ نفر چهار نفر می‌توانند به بیش از یک زبان گفت‌وگو کنند. این نسبت از ۳۹ درصد در سال ۲۰۱۶ به ۴۱.۲ درصد در سال ۲۰۲۱ افزایش یافته است. علاوه بر این، از هر ۱۱ نفر ۱ نفر می‌تواند به سه زبان یا بیشتر صحبت کند.

تعداد کانادایی‌هایی که عمدتاً به یک زبان آسیای جنوبی مانند پنجابی در خانه صحبت می‌کردند، از سال ۲۰۱۶ تا ۲۰۲۱ به طور قابل توجهی افزایش یافته، افزایشی که ناشی از مهاجرت بوده است.

همچنین، در سال ۲۰۲۱، ۱۸۹ هزار نفر گزارش دادند که حداقل به یکی از زبان‌های بومیان کانادا صحبت می‌کنند و ۱۸۳ هزار نفر گزارش دادند که حداقل به طور منظم به یک زبان بومی در خانه صحبت می‌کنند.

منبع: وبسایت نورث شور نیوز

زبان تاگالوگ، زبان فیلیپینی‌ها، صحبت می‌کنند. در ناحیه نورث ونکوور، کمی بیش از ۲۶ درصد از ساکنان زبان مادری غیر از فرانسوی یا انگلیسی دارند که اکثر آنها - ۸.۳ درصد - زبان فارسی زبان مادری‌شان هست. سایر زبان‌های مادری ساکنان منطقه عبارتند از: زبان‌های چینی (۴.۶ درصد)، زبان‌های اسلاوی (۲.۱ درصد)، اسپانیایی و کره‌ای (هر دو ۱.۷ درصد).

در میان ساکنان این منطقه، ۱۵ درصد اغلب به زبانی غیر از انگلیسی یا فرانسوی در خانه صحبت می‌کنند. پارسی زبانی است که شش درصد ساکنان اغلب به آن صحبت می‌کنند، درحالی‌که سه درصد از ساکنان در خانه به زبان‌های چینی صحبت می‌کنند و حدود ۱.۵ درصد هم به زبان کره‌ای.

یان می‌گوید: «آمار آخرین سرشماری تفاوت قابل توجهی با آمار سرشماری گذشته ندارد، اما این تعجب‌آور نیست.»

او گفت که الگوهای زبان عمدتاً ناشی از مهاجرت است و این آمارها در دوره‌های زمانی طولانی‌تری - مانند یک نسل - بهتر اندازه‌گیری می‌شوند.

یان گفت، برای مثال، در وست ونکوور، تعداد ساکنانی که اغلب در خانه به زبان‌های چینی صحبت می‌کنند، نتیجه مهاجرت از سرزمین اصلی چین در ۱۰ یا ۱۵ سال گذشته است.

یان گفت از نظر سیاست عمومی، مهم‌ترین مسئله این است که به‌عنوان مثال، کانادا برای پرکردن شکاف‌های نیروی کار به طور فزاینده‌ای به مهاجرت متکی خواهد بود و «بسیاری از مهاجران غیرانگلیسی‌زبان یا فرانسوی‌زبان‌اند.»

بر اساس آمار کانادا، در سراسر کشور، انگلیسی و فرانسوی تا حد زیادی رایج‌ترین زبان‌های رایج در کانادا هستند.

با افزایش شمار ایرانیان مهاجر به استان بریتیش کلمبیا در غرب کانادا، زبان فارسی یکی از پرگویش‌ترین زبان‌ها در این استان، به‌ویژه شهر ونکوور، شده است.

آمارهای سال ۲۰۲۱ کانادا از آخرین سرشماری، پنج سال پیش، نسبتاً ثابت مانده است. آمارها بازتاب یک روند کلی در سراسر کانادا هستند. اندی یان، مدیر برنامه شهری دانشگاه سیمون فریزر، می‌گوید: «هرگز کانادا به اندازه امروز از نظر زبانی متنوع نبوده است.»

طبق آخرین داده‌های آمار کانادا، وست ونکوور همچنان متنوع‌ترین جامعه‌ی زبانی در نورث شور است. تقریباً ۴۰ درصد ساکنان وست ونکوور دارای زبان مادری غیرانگلیسی یا فرانسوی‌اند و تقریباً ۲۵ درصد هم اغلب در خانه به زبانی غیر از انگلیسی یا فرانسوی صحبت می‌کنند.

در وست ونکوور، زبان‌های چینی رایج‌ترین زبان‌های غیررسمی هستند که حدود ۱۲ درصد از ساکنان اغلب در خانه به یکی از این زبان‌ها - معمولاً ماندارین - صحبت می‌کنند. در این میان، تقریباً هشت درصد از ساکنان وست ونکوور اغلب در خانه به فارسی و دیگر زبان‌های ایرانی صحبت می‌کردند.

در نورث ونکوور، زبان مادری ۳۲ درصد از ساکنان زبانی غیر از انگلیسی یا فرانسوی است. زبان مادری بیش از ۱۰ درصد از ساکنان، زبان پارسی یا دیگر زبان‌های ایرانی است که رایج‌ترین زبان‌ها غیر از انگلیسی است. حدود ۱۹ درصد از ساکنان عمدتاً

به یک زبان غیررسمی (غیرانگلیسی یا فرانسوی) در خانه صحبت می‌کنند و ۷.۷ درصد از ساکنان عمدتاً به زبان پارسی یا دیگر زبان‌های ایرانی در خانه صحبت می‌کنند. کمتر از دو درصد هم در خانه به زبان‌های چینی حرف می‌زنند، درحالی‌که تقریباً همین درصد از ساکنان شهر در خانه به



فرایند گام به گام تقاضا تا صدور پاسپورت کانادا

کانادایی برای پاسپورت تقاضا می‌دهد، چه اطلاعاتی با این سازمان‌ها ردوبدل می‌شود. در صورت وجود هرگونه نگرانی امنیتی یا کشف تقلب، تقاضای بررسی پاسپورت فرد به اداره مهاجرت، شهروندی و پناهندگی کانادا (IRCC) ارسال می‌شود. زمان بررسی تقاضای پاسپورت و صدور گذرنامه در این وضعیت به پیچیدگی پرونده و نوع نقص اطلاعاتی برای رفع نگرانی‌های امنیتی بستگی دارد.

مراحل ساخت پاسپورت کانادا جالب است بدانید که دولت فدرال، پاسپورت کانادا را نمی‌سازد، بلکه این کار به شرکت Canadian Bank Note برون‌سپاری می‌شود که این شرکت، اسکناس‌های کانادا را هم چاپ می‌کند. این شرکت مستقر در اتاوا، پاسپورت‌های خالی را در مکانی نامعلوم چاپ می‌کند.

«برنامه پاسپورت دولت» مسئولیت چاپ صفحه عکس را برعهده دارد که شامل اطلاعات بیوگرافی افراد است. کدگذاری عکس و اطلاعات شخصی افراد روی یک تراشه تعبیه شده در گذرنامه قرار می‌گیرد. سایر ویژگی‌های امنیتی پاسپورت از جمله تصاویر هولوگرافیک در صفحه عکس و جوهر مخفی فقط تحت نور UV مشخص می‌شود.

دولت اعلام نکرده است که ساخت هر پاسپورت چقدر طول می‌کشد، یا چه مقدار از هزینه صدور گذرنامه صرف هزینه‌های ساخت می‌شود.

پس از چاپ هر پاسپورت، بررسی برای تضمین کیفیت صورت می‌گیرد تا این اطمینان حاصل شود که اطلاعات پاسپورت دقیق باشد و تراشه امنیتی کار کند. بعد از این مرحله، پاسپورت آماده ارسال می‌شود.

منبع: وب‌سایت شبکه‌های خبری سی‌بی‌سی و اداره مهاجرت کانادا

بدهد، از دریافت هزینه نقل و انتقال پستی (۲۰ دلار) چشم‌پوشی خواهد کرد.

پس از دریافت درخواست پاسپورت، واجد شرایط بودن متقاضی برای دریافت گذرنامه از سوی افسر واجدالشرایط تجزیه و تحلیل می‌شود تا از کامل بودن اطلاعات شخصی مطمئن شود. افسر مربوطه، عکس متقاضی را بررسی می‌کند و از صحت مدارک ارائه شده مطمئن می‌شود. در صورت نقص مدارک، احتمال دارد با متقاضی تماس گرفته شود تا آن مدارک را ارائه دهد.

طبق اعلام دولت کانادا، هزینه صدور پاسپورت کانادا با اعتبار ۱۰ ساله برای افراد بزرگسال (افراد ۱۶ سال و بالاتر)، ۱۶۰ دلار کانادا و برای کودکان (افراد زیر ۱۶ سال) ۵۷ دلار کانادا خواهد بود.

رایج‌ترین خطاها در زمان درخواست پاسپورت کانادا سرویس کانادا اعلام کرده است که صدها کارمند در طول سال گذشته برای تسریع روند صدور پاسپورت استخدام شده‌اند. همچنین سرویس کانادا به رایج‌ترین خطاها در زمان درخواست گذرنامه نیز اشاره کرده است. طبق اعلام سرویس کانادا، رایج‌ترین خطاها مربوط به ارائه اطلاعاتی مثل آدرس‌های گذشته متقاضی، مشاغل سابق او، اطلاعات افراد ضامن و همچنین مدارک هویتی متقاضی برمی‌گردد. بعد از این مرحله، بررسی‌های امنیتی متقاضی آغاز می‌شود که بسیاری از این فرایندها پنهانی است.

اطلاعات ارائه شده از سوی متقاضی پاسپورت در پایگاه‌های اطلاعاتی مختلفی بررسی می‌شود. یکی از این پایگاه‌ها، System Lookout است تا احتمالات آدم‌ربایی را بررسی کند. همچنین اطلاعات متقاضی پاسپورت با سازمان‌های اطلاعاتی، پلیس، دادگستری فدرال، سازمان‌های مرزی و همچنین اینترپل نیز بررسی می‌شود. البته معلم نیست که وقتی یک

بسیاری از افرادی که امسال برای گذرنامه کانادا درخواست داده‌اند، تجربه ماندن در صف‌های چندساعته را داشته‌اند. دولت فدرال کانادا گفته است که افزایش ناگهانی درخواست‌های گذرنامه، عامل این وضعیت است. جدای از صف‌های طولانی، فرایند درخواست گذرنامه نیز جزئیات و ریزه‌کاری‌های متعددی دارد که دانستنش برای متقاضیان پاسپورت کانادا واجب است. در گزارش سی‌بی‌سی به شکل مفصل به این جزئیات اشاره شده است.

به گزارش هفته و به نقل از سی‌بی‌سی، اولین مرحله درخواست پاسپورت شامل پرکردن یک فرم برای درخواست گذرنامه جدید کودک یا بزرگسال یا یک فرم تمدید گذرنامه است. بعد از پرکردن فرم، کانادایی‌ها می‌توانند درخواست تکمیل شده خود را از طریق پست ارسال کنند. همچنین متقاضیان می‌توانند به شکل حضوری، در یک دفتر پاسپورت (passport office) یا مرکز خدمات کانادا (Service Canada centre)، درخواست پاسپورت خود را ارائه دهند.

هرکسی که قصد دارد ظرف ۴۵ روز کاری پس از درخواست گذرنامه سفر کند، باید به یکی از ۳۵ دفتر پاسپورت در سراسر کانادا مراجعه کند و مدارک سفرش را ارائه دهد. اگر از این مسیر درخواست پاسپورت بدهید، دریافت پاسپورت جدید تا دو هفته (به‌اضافه زمان پست پاسپورت) طول خواهد کشید.

کسانی که عجله کمتری دارند و تاریخ سفرشان بیش از ۴۵ روز دیگر است، می‌بایست به یکی از مراکز خدمات کانادا مراجعه کنند یا می‌توانند درخواست خود را پست کنند. در صورت درخواست پاسپورت در مرکز خدمات کانادا یا از طریق پستی، دریافت پاسپورت تا ۱۳ هفته (به‌اضافه زمان ارسال پستی) طول خواهد کشید. اگر سرویس کانادا نتواند پاسپورت شما را در بازه زمانی وعده‌داده‌شده تحویل



فریبا علیزاده

مشاور ارشد امنیت مالی و بیمه
Financial Security Advisor

سالها تجربه موفق در زمینه مالی و بیمه
فارغ التحصیل ارشد مدیریت از
John Molson Concordia

Sun Life Financial

ارائه خدمات مالی و بیمه برای:

- اشخاص، شرکت ها، مشاغل آزاد و حرفه ها
- بیمه عمر، از کار افتادگی و بیماریهای خاص
- بیمه دانشجویان، بیمه سفر و بیمه سلامت
- بیمه وام مسکن
- انواع سرمایه گذاری

KRSP, RESP, TFSA, RRIF, LIF, GIA

همکاری با بیش از ۲۵ موسسه مالی و بانکیها به منظور ارائه بهترین خدمات

438-345-5066

<http://www.sunlife.ca/beribaalizadeh>

beribaalizadeh@sunlife.com

معصومه علیمحمدی مشاور رسمی مهاجرت

به همراه گروه مجرب خود ارائه کننده کلیه خدمات مربوط به اخذ مجوزهای اقامت دائم و یا سوخت کانادا برای کلیه برنامه های مهاجرتی قدرتی و استانی از طریق سرمایه گذاری، استارت آپ، تخصصی، کار آفرینی، خوشاوندی، دانشجویی... و همچنین مشاوره و تایید رسمی مدارک، تهیه سوگند نامه و دعوتنامه رسمی می باشد.

info@icpimmigration.com
icpimmigrationtocanada
icpimmigrationtocanada
@ICPimmigrationTOCANADA
WWW.ICPIMMIGRATION.COM

Canadian Association of Professional Immigration Consultants
L'Association Canadienne des Conseillers Professionnels en Immigration
عضو انجمن مشاوران متخصصین مهاجرت و شهروندی کانادا

CICC CCIC
Canadian Immigration Consultants and Consulting Corporation
L'Association Canadienne des Consultants en Immigration et en Citoyenneté
عضو رسمی انجمن مشاوران رسمی مهاجرت و شهروندی کانادا

Tehran
Office: 021-2288-1684
Mobile: 0937-489-6676

جهت مشاوره و تعیین وقت
فبلی با دفتر ما در مونترال
تماس حاصل فرمایید.

Montreal
Office: 514-289-9011 / 514-289-9044
WhatsApp: 514-778-9011
Address: 1117 Ste. Catherine West,
511# , Montreal, Qc. H3B 1H9



محمد تائبی

مشاور بیمه

• Mohammad Taebi
Personal-lines Damage Insurance Broker, MBA

- بیمه منزل
- بیمه موتور
- بیمه اتومبیل
- بیمه مالکان خانه در برابر کلاهبرداری

بهترین بیمه نامه را از
بین شرکتهای مختلف بیمه می خواهید؟
با من تماس بگیرید!

514-866-BIME 800-361-1321 Ext:321
Mohammad.Taebi@jgfortin.com

AVIVA leclerc echelon insurance L'Unique economic IMPCO Intact

استودیو عکاسی روز

STUDIO PHOTO ROSE

انواع خدمات عکاسی حرفه ای

PASSPORT
PORTRAIT
NEWBORN
BUSINESS

ما را در اینستاگرام و فیسبوک دنبال کنید.

studiophotorose

(514) 488 7121
5301 Queen Mary
(Corner of Décarie),
H3X1T9, Montréal, QC.



ادبيات
فرهنگ
هنر سينما





فرهاد مهاد، صدایی که شاملو، نیما و کسرائی را ترانه کرد

به بهانه سالگرد درگذشت خواننده‌ای منحصر به فرد

کنسرت فرهاد در کلن آلمان اجرا شد. در آغاز سال ۱۳۷۶ کاست وحدت با آهنگ‌های خاطره‌انگیز دهه پنجاه، وارد بازار شد. در سال ۱۳۷۷ کاست «برف» با ترانه‌های «برف»، «شب تیره»، «کتیبه»، «گل یخ»، «مرغ سحر»، «گاندی»، «رباعیات» و «وقتی که بچه بودم» را که خودش می‌نواخت، خواند. در سال ۱۳۷۷ کنسرتی در هتل شرق تهران برگزار کرد و پس از آن به کانادا رفت و کنسرتی برگزار کرد. صدای فرهاد شعرهایی از شاملو، اخوان ثالث، نیما یوشیج، سیاوش کسرای، اسماعیل خوبی و... را ترانه کرد و به اعتبار ترانه مهاد با آن همه گوناگونی شعر از قصیده اخوان تا شعر مشکل «زرها بی خود قرمز نشدند» از نیما یوشیج و ترجمه «خواب در بیداری» از خوان رامون خمینز و «شب تیره» آهنگ‌های قدیمی روسی با ترجمه اشعار روسی گوناگونی از موسیقی خوب هر یک همخوان با شعرها و همه شنیدنی هستند. فرهاد نشان می‌دهد که حتی می‌توان روی ترجمه شعر روسی بدون وزن، آهنگی به آن زیبایی نوشت. در همین آلبوم، در شعر شفییی کدکنی نیز تغییراتی برای هماهنگ کردن با موسیقی داده است: که شروع این ترانه، بوی روزهای آخر اسفند و رنگ بنفشه‌ها را با خود دارد و اما در پایان که کلام رو به وطن دارد، کوبیدن ضربدار روی کلیدهای پیانو و تکرار، ضربان قلب وطن را تداعی می‌کند:

در روزهای آخر اسفند
در نیم روز روشن
وقتی بنفشه‌ها را
با ریشه و پیوند و خاک
در جعبه‌های کوچک چوبین می‌آورند
هزار زمزمه در من می‌جوشد
ای کاش آدمی وطنش را
همچون بنفشه‌ها
می‌شد با خود ببرد هر کجا که خواست...
فرهاد مهاد در روز نه شهریور ۱۳۸۱ در بیمارستانی در پاریس درگذشت.

فرهاد با خواندن ترانه کودکانه، سروده شهیار قنبری به‌خوبی و صلابت توانست حال و هوای عید نوروز را با سبکی ساده و روان ترسیم کند و سنت دیرپای ایرانی در نکوداشت نوروز را یادآور شود. تا پیش از انقلاب فرهاد ترانه‌های «آینه‌ها»، «هفته خاکستری»، «گنجشک»، «شبان»، «اسیر شب» و «آوار» را نیز خواند. هم‌زمان با انقلاب و روزهای پس از آن، فرهاد ترانه «وحدت» را با شعر از سیاوش کسرای و آهنگ منفرد زاده خواند. فرهاد در سال ۱۳۶۹ کاست «خواب در بیداری» را که شامل ترانه‌های «تو را ای کهن بوم‌وبر دوست دارم»، «خواب در بیداری»، «خیال خوشی»، «تجوا»، «کوچ بنفشه‌ها» و چند ترانه انگلیسی است، اجرا کرد. فرهاد در این کاست ضمن آهنگ‌سازی و خواندن ترانه‌ها، تک‌نوازی پیانو را به عهده داشت. در ایران ما این گذشته را با آثار گوسان‌ها، عاشیق‌ها و یا بخشی‌ها و... داشته‌ایم اما فرهاد کاری را در ترانه انجام داد که دیگران متوجه یادبدها شدند. او به ابوسعید ابوالخیر و نیما یوشیج برای تصنیف توجه کرد. او شعر اخوان ثالث «تو را ای کهن بوم‌وبر دوست دارم» را با خواندنش به یک سرود ملی تبدیل کرده است. جایگاه او به‌عنوان اجراکننده ترانه‌های معترض به ناهنجاری‌های جامعه، نقش مثبتی بود و ادامه‌دهندگان راه او بعد از چند سال داریوش و دیگران بودند. در سال ۱۳۷۴

فرهاد مهاد در سال ۱۳۲۶ در تهران به دنیا آمد. نوجوانی او با آغاز یادگیری جدی موسیقی همراه بود. پس از دوره دبیرستان، حدود دو سال را در انگلستان گذراند و در آن جا با موسیقی پاپ آن روزهای انگلستان آشنا شد. پس از آن که به تهران آمد، نخستین برنامه خود را در هتل ریمبو در خیابان ایرانشهر اجرا کرد و پس از آن به رستوران کوچینی رفت. در سال ۱۳۴۶ فرهاد که ترانه‌های بیتلز و الویس پرسلی را با گیتار می‌نواخت با پیشنهاد خواندن یکی از ترانه‌های فیلم «بانوی زیبای من» روبرو شد و چند ترانه دیگر فیلم را هم خواند. در سال ۱۳۴۸ با مسعود کیمیایی، اسفندیار منفرد زاده و شهیار قنبری برای خواندن ترانه فیلم رضا موتوری همکاری کرد. در سال ۱۳۵۰ ترانه «جمعه» را برای فیلم خداحافظ رفیق از امیر نادری با ترانه شهیار قنبری و آهنگ منفرد زاده خواند. در سال ۱۳۵۱ ترانه «خسته» را برای فیلم زنجیری ساخته خسرو یحیایی با ترانه تورج نگهبان و آهنگ محمد اوشال اجرا کرد. در سال ۱۳۵۶ ترانه «سقف» را که جنتی عطایی سروده و آهنگش را نیز منفرد زاده ساخته بود، برای فیلم ماهی‌ها در خاک می‌میرند، ساخته امیر مجاهد و فرزاد دلجو خواند. در بین سال‌های ۱۳۵۳ تا ۱۳۵۸ چندین بار ترانه‌های «کودکانه» و... از تلویزیون پخش شد و کنسرت‌های او نیز با استقبال فراوان مردم روبرو شد.



مروری بر کارنامه تئاتری سهیل پارسا، هنرمند سرشناس ایرانی-کانادایی

سهیل پارسا از جمله هنرمندان سرشناس ایرانی-کانادایی است که در حوزه تئاتر، سوابق کاری طولانی دارد. او به‌عنوان کارگردان، نویسنده، نمایش‌نامه‌نویس، دراماتورژ (نمایش‌پردازی)، مدرس، طراح حرکت تئاتر و بازیگر ایرانی کانادایی شناخته می‌شود.

به گزارش هفته، سهیل پارسا با بیش از ۳۰ سال فعالیت مستمر در حوزه تئاتر، نمایشنامه‌های زیادی را روی پرده برده است. اجرای نمایشنامه‌هایی از شکسپیر، آنتوان چخوف، ساموئل بکت، اوژن یونسکو، برتولت برشت، ژان ژنه، فدریکو گارسیا لورکا، بهرام بیضایی، غلامحسین ساعدی، عباس نعلبندیان و محمد رحمانیان از جمله سوابق هنری این فعال تئاتری است.

سهیل پارسا در سال ۱۳۳۳ در سنندج به دنیا آمده است. او دانشجوی رشته هنرهای نمایشی در دانشگاه تهران بود که با وقوع انقلاب فرهنگی در اوایل انقلاب اسلامی، به‌عنوان یک دانشجوی بهایی از دانشگاه اخراج شد. پارسا و خانواده‌اش مخفیانه کشور را ترک کردند و مدتی در پاکستان بودند. پارسا سپس در سال ۱۹۸۴ به کانادا مهاجرت کرد و دوباره در رشته تئاتر، این بار در دانشگاه یورک در تورنتو ادامه تحصیل داد. او پس از پایان تحصیلاتش، شرکت «Modern Times Stage Company» را با همراهی همکارش در سال ۱۹۸۹ راه‌اندازی کرد تا به تولید آثار هنری و نمایشی بپردازد. او حالا علاوه بر نمایشنامه‌نویسی و اجرای نمایش، در حوزه تدریس هم فعالیت دارد. آن‌طور که ایران‌وایر گزارش داده، پارسا چهار بار به‌عنوان کارگردان برتر و دو بار برای نمایش برتر، برنده جایزه «دورا» شده است. جایزه دورا به‌عنوان مهم‌ترین جایزه هنرهای نمایشی در

تورنتو شناخته می‌شود که هر ساله به برترین‌های عرصه رقص، تئاتر و اپرا اهدا می‌شود. همچنین پارسا در سال‌های ۲۰۰۷ و ۲۰۱۰ هم در بین نامزدهای نهایی جایزه معتبر «سیمینویچ» قرار گرفت. پارسا از معدود کارگردان کانادایی است که دو بار موفق به راه‌یابی در فهرست نهایی جایزه سیمینویچ شده است.

در سال ۲۰۱۳، پارسا مدال سلطنتی ملکه «لیزابت دوم» را به دلیل «مشارکتش به‌عنوان یک هنرمند تئاتر در کانادا» دریافت کرد. در سال ۲۰۱۵، جایزه بهترین کارگردانی از جوایز منتقدان تئاتر تورنتو به سهیل پارسا برای کارگردانی «عروسی خون»، اثر «لورکا» به او اهدا شد. نشریه NOW این تئاتر را به‌عنوان یکی از برترین تئاترهای دهه انتخاب کرد. در سال ۲۰۲۱ جایزه «باربارا همیلتون» به سهیل پارسا اهدا شد. این جایزه به برترین هنرمند تئاتر کانادا داده می‌شود که به‌عنوان سفیر هنر کانادا شناخته می‌شوند. همچنین سهیل پارسا جایزه عضو افتخاری انجمن تحقیقات تئاتر کانادا را دریافت کرد. این جایزه به دلیل کمک منحصره‌فرد او به تئاتر کانادا در ۳۲ سال گذشته اعطا شد.

همچنین کمپانی «مدرن تایمز» که پارسا بنیان نهاده است، در ۳۰ سال گذشته ۶۰ بار در بخش‌های مختلف نامزد جایزه معتبر دورا شده که از این تعداد، موفق به کسب ۱۶ جایزه شده است. سهیل پارسا فقط ۹ سال بعد از مهاجرت جایزه «پیشتازی هنر به‌عنوان یک مهاجر جدید» در کشور کانادا را برنده شد. عضویت در هیئت‌مدیره کنسول فرهنگ و هنر شهر تورنتو و همچنین ریاست کمیته تئاتر کنسول فرهنگ و هنر این شهر هم بخش دیگری از سوابق کاری او در حوزه

تئاتر است.

پارسا درباره نوع نگاهش به تئاتر هم به بی‌بی‌سی فارسی می‌گوید: «کار به زبان انگلیسی برای من بسیار لذت‌بخش است، مخصوصاً ترجمه و کار بر روی متون فارسی از نمایشنامه‌نویسان قدر ایرانی. وقتی با قلب خود کار می‌کنم، از تمام بالا و پایین شدن‌های بازیگر به هر زبانی که باشد سر درمی‌آورم و این چالش بسیار شیرین و جذابی است. اگر بازیگر خلاق باشد از لهجه متفاوتش هم بهترین استفاده را می‌برد. نمونه بارز آن بازیگر سرشناس ایرانی ساکن سوئد، سوسن تسلیمی است که در تئاتر سوئد توانسته است جایگاه خاصی برای خود کسب کند.»

پارسا درباره معیارهایش برای انتخاب نمایشنامه هم می‌گوید: «در انتخاب نمایشنامه روح اسطوره‌ای برایم بیشترین اهمیت را دارد. اسطوره در یک فرهنگ و کشور زاده می‌شود، ولی بعد از آن حیاتش در هر فرهنگ و ملتی می‌تواند ادامه یابد. من برای ایفای نقش حلاج در سال ۲۰۰۹ یک بازیگر سفیدپوست کانادایی را انتخاب کردم، چون به عقیده من عرفان حلاج، جنسیت، رنگ و نژاد نمی‌شناسد. با آنکه از هنرمندان بزرگ جهان تأثیر گرفته‌ام، اما توانسته‌ام به سبک و زبان شخصی خودم برسم، ولی در این میان بیشترین تأثیرپذیری خود را از بهرام بیضایی می‌دانم.»

پارسا معتقد است که هیچ سیستم حمایتی در ایران برای اجرای گروه‌های نمایشی وجود ندارد که همین مسئله به اعتقاد او، بزرگ‌ترین نقصان برای پویایی این هنر در ایران است.

منبع: وبسایت شبکه‌های خبری ویکی‌پدیایی انگلیسی، لینکدین، بی‌بی‌سی و ایران‌وایر

سروده‌های از حسن زرهی

دوباره سهراب
بیارای لانه
سیمرغ سرنوشت در خفت گیسوانت ایمن نیست

نوزین پریشان زلف تهمینه
چموش لحظه‌ها

شاهین فرصت
آرام و رام و عاشقانه
بیتوته بر لب گردن

دستی به تیر
دستی کمان
دستی به نی
دستی به گفت‌وگو

آرایش شبانه واژگان
جاری در کلام

هر واژه
نوزادی است پا براه

گهواره بی‌بار
ساز نمی‌آورد
بر چهار راه
شمع وشيون وعود

از بیم
دف آشفته زمین
پوزار جا نهاده آسمان

از غفلت پدر
هم دهان و یک نفس

سیمرغ آسمان
زال زمین

بر پهلوی دریده می‌گیرند

حیات فرخ



آقای حسن زرهی از روزنامه‌نگاران قدیمی و خوشنام جامعه ایرانیان کانادا و سردبیر مجله قدیمی شهروند است. زرهی در حوزه ادبیات هم پرکار بوده است و در ایران نمایشنامه‌های «زار»، «باد سرخ»، «سودای سودابه» و «جاشوان» از او به روی صحنه رفته است. «سپیدجامه»، «جهان پهلوان»، «دیدار در استانبول» و «خطر جدی» از

دیگر نمایشنامه‌های حسن زرهی است. مجموعه شعرش با نام «دختران دهل‌ها و آوازه‌ها» و مجموعه داستان کوتاه با نام «کاش ماهی‌ها و شیرماهی‌ها» در ۱۹۹۸ توسط نشر افرا و نشر پگاه در کانادا منتشر شده است. همچنین از زرهی کتاب‌های «ماهی در بیابان»، مجموعه قصه‌ی کوتاه و «عروس نخل‌ها» و چند آثار دیگر هم به انتشار رسیده است.

پرواز از استانبول از اوین تا مونترال (بخش پایانی)

اما نتوانستند... من در استانبول بودم، و دوستان یکدل همچنان حی و حاضر... همین‌جا بود که گوشی آیفون جدیدی خریدم و تمامی حساب‌هایم را با موفقیت برگرداندم. همین‌جا بود که بالاخره نشستم و متن بلند «بیست و هشتمین شب» را نوشتم و در فیس‌بوکم منتشر کردم.

آنچه در سه ماه آینده رخ داد می‌تواند موضوع یادداشت‌های بیشتری باشد. اما من سخن کوتاه می‌کنم: دوستی که حدود شش سال پیش، چند باری در منزلم در تهران میهمان شده بود، سال‌ها بود که در ترکیه زندگی می‌کرد. او ترکی را با هوش زبانی فوق‌العاده‌اش به خوبی آموخته و به چند و چون فرهنگ ترک‌ها واقف شده بود. شرح فداکاری این دوست برای کمک به من، احتیاج به مجال مستقل دیگری دارد. او خود را در استانبول به من رساند. از یک گوشه‌ی دیگر این کلانشهر خودش را به من رساند تا بگوید تنها نیستم و هر کمکی که از دستش برمی‌آید برایم انجام خواهد داد! همین‌طور هم بود. با کمک ایشان و دوست دیگری، تصمیم گرفتیم برای معرفی و عرضه‌ی شرح حال، به شهر دنزلی برویم. دوستان معتقد

از دست قاچاق‌برهای طمع‌کار هم رهایی پیدا کردم. به استانبول، منزل دوستی خواهم رسید و برای اولین بار از زمانی که تصمیم گرفتم چنین کاری کنم، از زمانی که تصمیم گرفتم فرار کنم، احساس آرامش خواهم کرد.

در منزل دوست، در استانبول، همان‌طور که انتظار داشتیم، دوستی و مهربانی در انتظارمان بود. خاطریم هست که از صاحبخانه پرسیدم در استانبول چطور می‌توان ماری‌جوانا پیدا کرد؟ او با کمک دوست‌دخترش، ماری‌جوانایی تهیه کردند و یک مهمانی کوچک، به‌صرف آجو و ماری‌جوانا داشتیم. دو سه شب اول در سلول انفرادی، وقتی می‌خواهیدم خواب حضور در چنین جمع‌های دوستانه‌ای را می‌دیدم. انگاری ضمیر ناهشیارم به من یادآوری می‌کرد که فلانی! این از دست رفت! حضور در جمع یاران یکدل، و جلوه‌فروشی برای دوست و رفیق، این را از تو گرفتند. دوست است که پای حرفت می‌نشیند، افادهات را می‌بیند و اطوارت را خریدار است. آن‌ها می‌خواستند دوستانم را از من بگیرند. آن‌ها می‌خواستند که وطنم برای من تداعی‌گر زندان و هواخوری و سیگارهای پیاپی مایوسانه و افکار منفی باشد.

بلیط هواپیما از ایغدیر به استانبول تهیه شده بود. گواهی سلامت هم در اختیار بود. در فرودگاه کوچک ایغدیر این نگرانی وجود داشت که افسر مستقر در فرودگاه، متوجه نبود مهر ورود به ترکیه روی گذرنامه‌ی من بشود. رابط هیچ ایده‌ی مشخصی برای رد شدن از این مرحله نداشت. یعنی همان‌طور که در پاسگاه بین‌راهی میان دوبایزید و ایغدیر، ممکن بود مهر ورود در دسر شود، طبیعتاً در فرودگاه هم این خطر وجود داشت. اگر می‌پرسیدند که چرا مهر ورود ندارید، من ابراز بی‌اطلاعی می‌کردم و می‌گفتم که همکار شما در مرز مهر نرده است. اما کار به اینجا نکشید. چون وقتی داخل صف، نزدیک شدیم به باجه‌ای که می‌بایست افسر در آن مستقر باشد، هیچ‌کس آنجا نبود. باجه تعطیل بود. پرواز داخلی ترکیه محسوب می‌شد و شاید افسر غیر همان گواهی سلامت و بلیط هواپیما، چیز دیگری را چک نمی‌کرد اگر در جایگاه خودش مستقر می‌بود.

ما سوار هواپیما شدیم و همان لحظه با خودم گفتم که تمام شد! این دیگر مسلم است که نه فقط از دست دستگاه به‌اصطلاح قضایی حکومت شیعه، نه فقط از دست اطلاعات سپاه، بلکه حتی

بود که من قبل این حتی اسمش را نشنیده بودم. در اداره‌ی مهاجرت دنیزلی، مرد جوان فارسی‌بلدی به من گفت که شما ایرانی‌ها اغلب دروغ می‌گویید. اگر تو واقعاً محکومیت داری، چه چیزی داری تا ثابت کنی؟ من تصویر حکم دادگاه را به او نشان دادم. خاطر من هست که حتی پرسید که آن ترازویی که بالای چنین حکم‌هاییست چرا دیده نمی‌شود؟! گفتم این تصویر را وکیلیم از متن حکم با گوشی همراهش گرفته و تصویر بهتری ندارم.

گران‌قیمت شهر اما واحدی بود در زیرزمین ساختمان. تر و تمیز بود و امکانات خوبی داشت. دنیزلی که تحت‌اللفظی یعنی «دریایی»، شهر فوق‌العاده زیبایی بود. با تأسف به دوستان گفتم این شهر موقعیتی شبیه رامسر ما دارد. آب و هوایش همان است و به صورت طبیعی زیباست. رامسر ما حتی از دنیزلی زیباتر است چون ساحل دارد و از سمتی به کوهستان محدود شده است. دنیزلی بخشی کوهستانی بود اما ساحل نداشت. با این حال، یک شهر ترک بسیار زیبا و منظم

بودند اداره‌های مهاجرت (یا به قول ترک‌ها اداره‌ی کوچ) در استانبول، اشباع شده و بهتر است شانس‌مان را در جای دیگری امتحان کنیم. من باید خودم را به پلیس و اداره‌ی مهاجرت ترکیه معرفی می‌کردم تا امکان خروج از ترکیه از من سلب نشود. چون بدون داشتن تأیید دولت ترکیه، خروج از ترکیه ممکن نبود حتی اگر ویزایی از یک کشور سوم، مثلاً کانادا می‌گرفتم. این دوست عزیز، کار و زندگی خودش را رها کرد و با من به دنیزلی آمد. طبیعتاً بعد شش سال زندگی در ترکیه، هم ایرانی‌های بسیاری در شهرهای مختلف می‌شناخت و هم با خود ترک‌ها بُر خورده بود. در دنیزلی، منزلی کرایه کردیم در منطقه‌ی



اما کافیست که فقط نامم را جستجو کنید تا بازتاب‌های خبری بازداشت، آزادی به قید وثیقه، و حتی خبر خروجم از کشور را ببینید! خبر خروجم از ایران هم رسانه‌ای شده بود. داخل اداره همین طور شد: مأموری که احتمالاً افغان تبار بود با گوشی خودش نام من را گوگل کرد. وقتی به تصویری رسید که من داخل گوشی خودم به او نشان داده بودم، فهمید که با موردی واقعی طرف است. او ابتدائاً برای دو ماه دیگر به من وقت داد که به اداره رجوع کنم. وقتی با دوستان سوار تاکسی شدیم که برگردیم به اقامتگاهمان، همان آقا زنگ زد و گفت برگردید! وقتی برگشتیم، وقت را به یک هفته بعد تغییر داد! من رفتار بدی در اداره‌ی کوچ دنیزلی ندیدم.

پس از بیشتر از یک ماه اقامت در این شهر زیبا، از انکارا اعلام کردند که باید به شهر کوچکی به نام چروم بروم. دوستان اغلب ناراحت و متأسف شدند. چون حتی اسم چنین شهری را هم نشنیده بودند. من یک تحقیق اینترنتی کردم و فهمیدم که چروم شهری تقریباً در مرکز ترکیه است و از منظر تاریخ باستانی بسیار مهم: در گذشته پایتخت تمدن هیتی‌ها بوده و نزدیک به شهر کهن آماسیاست. دوستان اغلب برای آینده‌ی من نگران بودند چون می‌شد فهمید که در این شهر، ایرانی هم اگر باشد، خیلی کم است. بنابراین من در یک شهر دورافتاده، عملاً گم می‌شدم و مهجور می‌ماندم.

همان دوست عزیز که از استانبول تا دنیزلی آمد تا برای من منزلی تهیه کند و در کارهای اداری همراهم باشد، مجدداً از استانبول حرکت کرد و با من به چروم آمد تا این بار هم تنها نباشم. او هم نگران بود اما من در ایامی که در دنیزلی بودم، از اداره‌ی مهاجرت کانادا جواب مثبت گرفتم. اداره‌ی مهاجرت کانادا چند هفته پس از ثبت درخواست من، پاسخ مثبت داده بود. گذرنامه را با کمک دوستان و با پست فرستادم برای کنسولگری کانادا در آنکارا. مهر خورد و برگشت؛ بنابراین احساس عمومی من این نبود که در چروم، و یا در ترکیه اسیر شده‌ام. اغلب ایرانیانی که در ترکیه هستند، هدفشان اروپا یا آمریکای شمالی است. آن‌ها وقتی احساس می‌کنند که در ترکیه گیر افتاده‌اند، طبیعتاً احساس مثبتی از این کشور نخواهند داشت. اما ترکیه، مانند ایران زمان شاه است: کشوری ثروتمند، شاد، با سنت‌های غذایی و موسیقیایی خودش و مردمی آزاد. اگرچه بعضی از آن‌ها استعداد اسارت و پذیرش استبداد همه‌گیر مذهبی را دارند، اما سنت آتاتورک آنجا به خوبی

عمل می‌کند. دست کم می‌توان گفت که «هنوز» عمل می‌کند...

چروم به مراتب سردتر از دنیزلی بود. در مدتی که من در چروم اقامت کردم، حداقل سه برف سنگین آمد و کوچه‌ها و خیابان‌ها پیش از آنکه از برف یخ‌زده‌ی قبلی خلاص شوند، زیر لایه‌ی تازه‌تری از برف رفتند. تصویری که از چروم در ذهن من مانده است، تصویر شهری کوچک و سرد، اما منظم است. دولت الکترونیک آنجا خوب عمل می‌کند و بانک‌ها و اداره‌های دولتی خود را با فن‌آوری جدید به‌روز کرده‌اند. در چروم، پیش از آنکه این دوست عزیز من را به مقصد استانبول ترک کند، بارها به سبک ترک‌ها «کله‌پاچه» خوردیم! کله‌پاچه‌ی ترک‌ها فقط شکل تمیزتر و به‌روزشده‌تر همین است که ما در ایران داریم. پیداست که تفاوت ترکیه را با جامعه‌ی ایران، تا حد زیادی از این راه می‌توان توضیح داد که ترکیه، جهانگرد اروپایی گرفته و خودش را با استانداردهای اروپایی - از همه لحاظ حتی سرو غذا - هماهنگ کرده است. آن منظره‌ی وحشتناکی که کله‌پزی‌های ما دارند، هرگز در ترکیه دیده نمی‌شود. کله‌ی حیوان را هیچ‌گاه نشان نمی‌دهند. خاطریم هست که رستوران خیلی تمیزی پیدا کردیم که صاحبخانه‌ی من معرفی کرد. آنجا «پاچه» سفارش می‌دادم! مرد پیر بسیار شیک و کراوات‌زده‌ای که سرپرست سالن بالای رستوران بود، وقتی علاقه‌ی من به سرو پاچه به این شکل را دید، چند باری شمرده تکرار کرد «استانا پاچا»... یعنی این پاچه به سبک آستانایی است. (اگرچه در منوی خود رستوران نام دیگری داشت).

برای هشتم مارچ، بلیطی گرفتم به مقصد کانادا. حساب کردم و دیدم که طی دو هفته‌ی باقی‌مانده، قطعاً کارهای اداری‌ام در چروم تمام شده است. در واقع کار زمان‌بری هم وجود نداشت. وقتی به اداره کوچ چروم رجوع کردم و ویزای کانادا را نشان دادم و گفتم که می‌خواهم از ترکیه خارج شوم، کار خیلی سریع پیش رفت. یک کاغذی دست من دادند که باید به پلیس مستقر در مرز در فرودگاه نشان می‌دادم. پیش از آنکه به چروم بیایم، آرزو کرده بودم که مدت اقامتم این قدر طولانی بشود که فرصت سفر به آماسیا از دست نرود. آماسیا، این شهر که هنوز نام یونانی دارد، و زادگاه فیلسوف و مورخ یونانی - ایرانی، استرابو است محل آرامگاه چند شاه ایرانی‌ست که مقبرشان با آرامگاه‌های شاهان هخامنشی در نقش رستم شیراز، به لحاظ

معماری مقایسه شده است.

آنلاین، اتوبوسی کرایه کردم به مقصد آماسیا. یک شب در این شهر کوچک، اما فوق‌العاده زیبا ماندم. عکس‌ها و ویدئوهای زیادی از این شهر در صفحه‌ی اینستاگرام خودم منتشر کردم. زیارت آرامگاه‌های شاهانی با نام‌های فارسی، مانند مهرداد و آریوبرزن و فرنه‌که، در ساحل شمالی ترکیه، برایم خیلی جالب بود. با کمک شاعر و نویسنده‌ی معاصر، آقای حسین طوافی، به دو اثر پژوهشی نسبتاً تازه درباره‌ی آرامگاه‌های این شاهان دست یافتیم که درباره‌ی این خاندان شاهی، یعنی خاندان پونتوس بودند. مهم‌ترین چهره‌ی این خاندان، به نام مهرداد زهنوش، پس از شکست از سردار رومی، پومپئوس، به اوکراین متواری شده بود. در اوکراین کوهی به نام «میتراوات» هست. (یعنی مهرداد) هشتم مارچ، آخرین روز اقامت من در ترکیه بود. سفر هوایی از استانبول به ونکوور کانادا، یک سفر پانزده‌ساعته و طاقت‌فرسا بود. اما برای من سفر آزادی بود. از ترکیه، اگرچه قبلاً هم بارها به آن سفر کرده بودم، تصویر خوبی در ذهنم ماند. اگر این اتفاق نمی‌افتاد، ترکیه برای من همان استانبول و نهایتاً آنکارا می‌بود. اما دو شهر ترکیه به نام‌های دنیزلی و چروم هم مدتی محل اقامت من شدند. در ونکوور، مدتی میهمان برادرم بودم تا اینکه برای زندگی درازمدت و ثبت درخواست پناهندگی، به استان کبک، و شهر مونترئال آمدم.

ساعت‌هایی که در سلول انفرادی بودم، هنوز برای من کاملاً زنده است. همان پنج‌روز در بند قرنطینه‌ی اوین هم برایم هنوز زنده است. الان که این آخرین سطرها را می‌نویسم، برایم باورکردنی نیست که چنین مسیر درازی را با همه‌ی فراز و نشیب‌هایش طی کرده و به اینجا رسیده‌ام. در هر مرحله، امکان شکست وجود داشت. امکان سرگردانی و گرفتاری وجود داشت. خیلی متأسفم که ارزشمندترین چهره‌های این کشور در زندان‌اند. بعضی از آن‌ها استقامت در زندان را انتخاب کرده‌اند و بعضی دیگر، ای بسا امکان چنین فراری را نداشته‌اند. در دنیزلی دیده بودم که دوستان ایرانی گریخته از بند، پس از اقامت سال‌ها در ترکیه، همان کشور را برای زندگی انتخاب کرده‌اند اگرچه ابتدائاً چنین تصمیمی نداشته‌اند. آرزو می‌کنم که کشورم روزی به یک کشور عادی تبدیل شود و این داستان پر آب چشم مهاجرت‌ها از هر نوع و به هر شکل، تمام شود. / پایان

پدیدارشناسی مهاجرت (۵)

سازو کارهای پذیرش مهاجر در جامعه میزبان

مقدمه

در چهار قسمت گذشته مهاجرت به عنوان یک پدیده مربوط به دوران معاصر و روند روبه رشد آن با اضافه شدن عوامل جدیدی چون جنگ‌های پراکنده در نقاط گوناگون جهان و نیز جهانی شدن اقتصاد بررسی شد. به مهاجرت ایرانیان که به واقع از آن می‌توان به پدیده ترک وطن نام برد پرداخته شد. علل و عوامل برانگیزاننده و آثار و پیامدهای مهاجرت بر هر دو جامعه مبدأ و مقصد بر اساس رویکردهای متفاوت جامعه‌شناسی و همچنین آثار ترک وطن بر فرد مهاجر و فرایند ادغام در جامعه جدید بررسی شد. در این شماره به سازوکار جوامع میزبان در پذیرش و یا دفع مهاجران و اثرات آن‌ها بر مهاجران و بر خود جامعه پرداخته می‌شود

ورای آن، آنچه تعیین کننده است و به کوشش‌های مهاجران پاسخ مثبت و یا منفی می‌دهد، ساز و کارهای تعبیه شده و وجود نهادهای رویکردهای ویژه برای چگونگی جذب مهاجران است تا آنجا که می‌توان گفت واکنش‌های مهاجران تا حد زیادی برساخته همین ساز و کارها است، رویکردهای نهادی در اولی بر مبنای جدایی‌سازی و تبعیض separation، در دومی بر مبنای ادغام integration فرهنگی با دید مردم‌شناسی و درسومی بر مبنای inclusion دید جامعه‌شناسی و راهیابی به مناسبات قدرت و دگرگونی طبقاتی قرار دارد. (درویش پور، مهرداد). در جامعه با سازوکار جدایی‌سازی (discrimination)، از مهاجران گروه‌های -در خود- ساخته می‌شود که از سوی جامعه، بیگانه تلقی می‌گردند، نه تنها از زندگی بهنجار (norm) شهروندی، مشارکت و تحرک اجتماعی برخوردار نیستند بلکه همواره احساس می‌کنند خرده فرهنگ آن‌ها مورد تهدید است. در نتیجه واکنش آن‌ها فاصله‌گیری بیشتر، حفاظت تعصب‌وار از خرده فرهنگ خودی است و گاه رفتاری خشن دارند. در مناسبات قدرت جایگاهی فرودست دارند. حتی امکان دستیابی به سمت‌های مدیریتی سطوح میانی را هم ندارند. حاصل این فرایند بازتولید علت و معلول حلقه‌های تمایز و تفکیک است. آن‌ها از نگاه منفی و گاه حقارت‌بار جامعه نسبت به خودآگاه و از آن رنج می‌برند و به تدریج همانی می‌گردند که تصور می‌شوند. پیوستن جوانان این گروه به (ISIS) نمودی رادیکال از این نوع رفتار است. در این کشورها

در بسیاری از کشورهای مهاجرپذیر، مهاجران پس از سال‌ها در جامعه ادغام می‌شوند، به قولی گلیم خود را از آب می‌کشند، شغل و درآمدی دارند، اما در متن جامعه قرار ندارند به‌ویژه در نظام و مناسبات قدرت جای ندارند، بیشتر با کشور مبدأ خود در تماسند تا پیرامون خود. دایره روابط اجتماعی آن‌ها بین‌فردی از نوع آشنایان و دوستان هم‌ولایتی تشکیل می‌دهند و دیگران هنوز برایشان خارجی هستند، معمولاً به فرهنگ، تاریخ و سن کشور میزبان چندان آشنایی ندارند، طالب آشنا شدن هم نیستند، نقش اجتماعی آن‌ها تک وجهی و محدود به بعد اقتصادی است، کما این که چرخ زندگی‌شان به خوبی می‌چرخد. در محیط کار دارای منزلت اجتماعی هستند، اما در جامعه جایگاهی معمولی و متوسط دارند.

در برخی کشورها، برای ترقی و ارتقا از هر نظر راه باز است، مهاجران می‌توانند بدون آن را هویت اصلی خود را از دست بدهند کشور مقصد را هم وطن خود بدانند، با فرهنگ، ارزش‌ها و هنجارهای آن آشنا و به گذشته و آینده آن علاقه‌مند باشند، در گروه‌ها و نهادهای مدنی، سیاسی و اجتماعی عضویت داشته باشند و در تصمیم‌گیری‌ها و جهت‌گیری‌ها در سطح کلان (نهادهای حکومتی - پارلمان و...)، میانی (نهادهای شهری چون شهرداری، شورای شهر و...) و سطح خرد (نهادهای محله‌ای، انجمن‌های خانه و مدرسه، و نهادهای همسایگی و...) مشارکت کنند. در هر سه نوع کشورهای مذکور ویژگی‌ها، توانمندی و تلاش‌های فردی نقش مهمی دارد، اما

جای‌گیر شدن مهاجران مفهومی فراتر از ادغام و داشتن کارت شهروندی دارد. شهروندی شدن یعنی برخورداری قانونی از تمام حقوق و فرصت‌های موجود برای مهاجر به همان میزان که برای ساکنان اصلی موجود است. اما دسترسی به فرصت‌ها فقط در قالب قانون امکان‌پذیر نیست، باورها، ارزش‌ها و فرهنگی که شهروندان را به گروه‌های متفاوت خودی، غیرخودی و ضد خودی تعریف می‌کند نیز دخیل هستند و چه‌بسا در جوامعی با چنین فرهنگ تمایز، برای سازگار شدن مهاجران کاری از دست قانون بر نیاید. در جوامع آزاد برخلاف جوامع دیکتاتوری، مرزهای خودی و ناخودی بسیار ظریف، غیرشفاف و گاه نامشهود است. همه مهاجران با رفتارهای دافعه و گاه تحقیرآمیز افراد روبرو شده، محرومیت کشیده و رنج برده‌اند، اما چرا در برخی جوامع تحمل این وضعیت آسان‌تر از جوامع دیگر است؟ چرا در جوامعی مهاجران در حاشیه‌ها قرار می‌گیرند، از نظر کالبدی در بخش‌هایی جدا زندگی می‌کند و از نظر اجتماعی و سیاسی در فضای عمومی جایی ندارند، نقش‌آفرین نیستند، و روزبه‌روز بیشتر به حاشیه رانده می‌شوند؟ شغل مناسبی ندارند، به‌سختی امورشان می‌گذرد، شاید دارای تخصص و مهارت و تحصیلات هم باشند اما برای یافتن شغل و جایگاهی مناسب با محدودیت‌های جدی روبرو هستند، حتی بعد از چندین نسل هنوز خود، فرزندان و نوه‌ها شهروندی درجه دوم بشمار می‌آیند، جامعه باز تلقی می‌شود، اما در درون آن جامعه مهاجران بسته است.

مهاجرستیزی الگوی رفتاری گروه‌های دست راستی و بهانه‌ای می‌شود برای وجود همه مشکلاتی که در کشور وجود دارد.

در کشورهای مهاجرپذیر دارای سازوکار ادغام سیاست (non-discrimination) پیش می‌گیرند و از مهاجران گروه‌های «با خود» ساخته می‌شود. در این‌گونه کشورها، امکانات و تسهیلات از یک سو و علایق، سلیق و ایده‌آل‌های بخش زیادی از مهاجران به‌گونه‌ای است که از آن‌ها گروه‌های متفرق دارای پایگاه اقتصادی مناسب می‌سازد. مهاجران تا حدودی از حقوق قانونی شهروندی برخوردارند، اما برای برخورداری از فرصت‌های برابر و فرار از شهروند درجه دوم شدن باید تلاش مضاعف کنند. آن‌ها با کوشش زیاد سرانجام موفق می‌شوند شغل مناسبی پیدا کنند، به سمت‌های بالای شغلی برسند، از نظر اقتصادی موفق ارزیابی می‌شوند، اما رابطه اجتماعی آن‌ها در دایره‌ای کوچک در حد همسایگی و هم‌ولایتی‌های هم‌طراز خود شکل می‌گیرد. گروهی از آن‌ها به فرهنگ و باورهای کشور مبدأ وابسته هستند و در حد تعصب از آن‌ها محافظت می‌کنند، به فرهنگ و آیین‌های کشور مقصد هم‌اعتنایی ندارند، اما برای گروهی دیگر توجه به فرهنگ کشور مبدأ، کارکرد تفریحی و در مواردی یادآوری هویتی به فرزندان دارد و مراسم و آیین‌هایی کشوری که در آن ساکنند را با هدف ادغام خود و فرزندان خود بجا می‌آورند، عمده هدف این‌ها برخورداری از مزایای مادی جامعه باز است و به طور کلی این‌ها گروه‌های ادغام شده پراکنده در دل جامعه میزبان را تشکیل می‌دهند. این نوع مهاجران به‌سختی عضو نهادهای هم‌میهنان خود می‌شوند و یا حداکثر جزو، اعضای غیرفعال این گروه‌ها بشمار می‌آیند. به عبارتی این‌ها همان خرده‌فرهنگ‌های پراکنده چهل تکیه‌ای را تشکیل می‌دهند که این کشورها به‌عنوان تکثر فرهنگی بدان افتخار می‌کنند.

در کشورهای دارای سازوکار دربرگیرندگی با سیاست‌های (discrimination)، از مهاجران گروه‌های - با هم و با همه - ساخته می‌شود، در این کشورها با ایجاد نهادهای مناسب، راه برای مهاجران نه تنها برای نیل به زندگی مناسب اقتصادی فراهم است، بلکه راه را برای مشارکت آن‌ها را در فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی و ارتقاء منزلت اجتماعی هم گشوده است. مهاجران متناسب با علایق خود در انواع نهادهای مدنی (اجتماعی - سیاسی) فعالیت دارند، در تصمیم‌گیری‌ها و مناسبات سیاسی قدرت مشارکت می‌کنند، جزو نمایندگان پارلمان

یا اعضای وزرا یا شوراهای شهری می‌شوند، در سطوح بالای نهادهای دادگستری فعالیت دارند. به عبارتی جامعه آن‌ها را به طور کامل در بر می‌گیرد، این مهاجران از تمام امکانات و مزایای اقتصادی و اجتماعی استفاده می‌کنند، و مشارکت آن‌ها به رأی دادن خلاصه نمی‌شود، بلکه از آزادی بیان، احزاب و نهادهای داوطلبانه و دموکراتیک این کشورها بهره‌مند می‌شوند و با آن‌ها همکاری می‌کنند.

با توجه به شرایط مختلف مهاجران و سیاست‌های گوناگون، مرز مشخصی در این رویکردها وجود ندارد و چه‌بسا به طور هم‌زمان و یا در زمان‌های مختلف سیاست‌ها متفاوت و گاه حتی متضاد باشند، به همین علت نمی‌توان آن‌ها را تعمیم داد (generalize)، اما با کمی اغماض می‌توان از فرانسه به‌عنوان کشوری با سازوکار جدایی‌سازی مهاجران، از بسیاری از استان‌های کانادا و ایالات آمریکا به‌عنوان کشورهای با سازوکار ادغام و از سوئد و سایر کشورهای اسکاندیناوی و بریتانیا به‌عنوان کشوری با سازوکار دربرگیرندگی نام برد، یکی از شاخص‌های بیان‌کننده در این ارتباط حضور قابل‌توجه مهاجران در سطوح بالای حکومتی، دولتی، و نهادهای مدنی تأثیرگذار است. البته باید توجه داشت که مکانیسم‌های نهادی پذیرش مهاجران در این کشورها ثابت نیستند و به‌ویژه در سال‌های اخیر تحت‌تأثیر بحران‌های اقتصادی و سیاسی و قدرت‌گیری احزاب راست این سیاست‌ها دستخوش تغییرات زیادی شده است.

نکته قابل‌توجه در مورد روش‌های برگرفته شده برای ادغام مهاجران بسیار مهم و به‌نوعی نشانگر نگاه و رویکرد به مهاجران در مقایسه با مردم غیر مهاجر است. ادغام فرایندی است که در آن باورها، هنجارها و ارزش‌های مهاجران تغییر می‌یابد و

ناظر بر فرهنگ‌پذیری است. فرهنگ‌پذیری از گذر قانون به دست نمی‌آید. قانون حامل اجبار است نه پذیرش. تجربه ناموفق فرانسه در برقراری قانون لائیسیتیه، نمونه بارز گزینش روش اجبار هویت‌یابی جدید است، راهی که دولت کبک بدون توجه به نتایج این سیاست‌گذاری در فرانسه در پیش گرفته. این بحث نیازمند تحلیل موشکافانه‌ای است که در گنجایش این مقال نیست، اما جامعه‌شناسان پیش‌بینی می‌کنند که به‌احتمال زیاد قانون ۹۶ به اهداف خود مبنی بر ماندگاری و پایداری فرهنگ و زبان فرانسه نخواهد رسید و فراتر از آن پیش‌بینی می‌شود که بدون تردید، این قانون در ادغام و فرهنگ‌پذیری مهاجران موفق نخواهد بود. جدا افتادن مهاجران از متن جامعه به حاشیه رانده‌شدن آن‌ها، گسست فرهنگی، خروج بخش زیادی از سرآمدان مهاجران از استان کبک و اقامت بخشی دیگر از آن‌ها در کبک از سر ناچاری و نه از سر رضایت و تعلق به مکان و نیز افزایش مهاجران از کشورهای فرانسه‌زبان آفریقایی و عربی و در نتیجه یک‌دست‌تر شدن و کاهش تنوع مهاجران از پیامدهای قطعی اجرای قانون ۹۶ خواهد بود و نکته مهم اختلال وظیفه دولت در فرایند در گرفتن و ادغام مهاجران در کبک است.

منابع و مآخذ

- ۱- درویش پور، مهرداد. مهاجرت و قومیت، نگاهی به چندگانگی در سوئد.
- ۲- ۲۰۲۱ قانون ۹۶ کبک CTV NEWS ۲۲ اگوست ۲۰۲۲
- ۳- دگرگونی لائیسیتیه در فرانسه. ژان بوبرو. ترجمه تقی تام و بهروز عارفی. رادیو زمانه ۲۲ اگوست ۲۰۲۲
- ۴- مجله هفته مونترال شماره ۶۹۱، مصاحبه با مریم مخملباف جامعه‌شناس در مورد مشکلات اجرای قانون ۹۶ در کبک



درباره نویسنده

قمر فلاح دانش‌آموخته جامعه‌شناسی در مقطع کارشناسی ارشد از دانشگاه تهران است.

او نزدیک به سی سال در آمارهای اجتماعی، کارشناس اجتماعی در برنامه‌ریزی شهری، بافت‌های فرسوده و برنامه‌ریزی‌های منطقه‌ای فعالیت کرده است. خانم فلاح در عین حال پژوهش‌هایی در زمینه زنان عشایری، زنان روستایی، آسیب‌های اجتماعی و مشارکت اجتماعی انجام داده است.

قمر فلاح در دهه ۱۳۷۰ در دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی و دانشگاه شهید بهشتی در زمینه جامعه‌شناسی تدریس کرده است.



فروشگاه دانیکا افتتاح شد

انواع آجیل و محصولات ایرانی، برنج، کنسرو، سبزیجات خشک
انواع چای و دمنوش ایرانی



با قهوه و شیرینی
مهمان ما باشید

5571 Boul. de la Verendrye Montreal, QC H4E 3R6



A Plus Quality Nuts

وارد کننده خشکبار

توزیع کننده مواد غذایی ایرانی به صورت عمده و خرده فروشی



تلفن : 514-691-0002

اینستاگرام : @aplusqualitynuts



شنبه تا سه شنبه: ۹:۰۰ تا ۱۸:۰۰
چهارشنبه تا جمعه: ۹:۰۰ تا ۲۱:۰۰

1605 Louvain O, Montreal, H4N 1G6 دارای پارکینگ VISA Mastercard

بهروز باباخانی

Behrooz Babakhani

مشاور رسمی وام مسکن،
بیمه و برنامه‌های بازنشستگی

با بیش از ۱۴ سال سابقه موفق
در زمینه تهیه وام مسکن
در استان کبک

Mortgage Broker &
Financial Security Advisor

Behrooz@Babakhani.ca

514-606-5626



دارالترجمه رسمی فرهنگ

BUREAU DE TRADUCTION FARHANG

FARHANG TRANSLATION OFFICE



001 514 691 4383

N.DAVOUDI@FARHANG.CA

2000, MCGILL COLLEGE
6TH FLOOR, MONTRÉAL
QUÉBEC, CANADA, H3A 3H3

شعبه
کانادا

+98 21 6642 1511

6694 8154

N.DAVOUDI@FARHANG.CA

تصویر: دکتر شمسی، ناهید
بلوار کشاورز نبش کوچه گلری
پلاک ۵۷۳، طبقه ۲، واحد ۷

شعبه
ایران

مزگان رجبی

مشاور و مدرس بیمه
طرف قرارداد با بزرگترین کمپانی های کانادا



Mojgan Rajabi

Senior financial
security adviser

bimeh.ca

bimeh.ca

514-296-7306

bimeh.ca@gmail.com

- بیمه عمر Life insurance
- بیمه وام مسکن Mortgage insurance
- انواع بیمه های مسافرتی Travel insurance (دانشجویی-ویزیتوری-سوپرویزا)
- حساب پس انداز بازنشستگی - RRSP
- حساب تحصیلی فرزندان RESP
- حساب معاف از مالیات TFSA
- بیمه از کار افتادگی Disability insurance
- بیمه بیماریهای خاص Critical illnesses
- تدریس و آماده سازی برای لایسنس بیمه

بیمه همیشه ضامن آرامش است.



www.ravadiid.ca

info@ravadiid.ca

موسسه مهاجرتی روادید:

استارت آپ ویزای کانادا با شرایط بسیار مناسب
اخذ پذیرش و خدمات ویزای دانشجویی در کلیه مقاطع تحصیلی
سرمایه گذاری و کار آفرینی
خرید بیزینس و دریافت مجوز کار
اکسپرس انتری
ویزای توریستی
تمدید مجوز تحصیل و مجوز کار در کانادا
اسپانسرشیپ همسر والدین
خدمات اسکان اولیه
و...

تماس رایگان در آمریکای شمالی:

Free Tell & fax:

1-833-RAVADID (728-2343)

تماس در واتس آپ با هماهنگی قبلی

+1(514) 797-6850 (Ottawa head office)

+1(514) 638-8258 (Montreal office)

ALIREZA MANSOURI

RCIC, R533715



وکیل رسمی دادگستری کبک

Niousha Riahi LL.B., J.D., LL.M



Riahi Legal

نیوشا ریاحی

WWW.RIAHILEGAL.COM



- ✓ حقوق تجاری
- ✓ حقوق خانواده در کبک
- ✓ طرح دعاوی و دفاع در دادگاه‌های کبک
- ✓ مهاجرت به کانادا

مشاوره آن لاین و یا حضوری در دفتر ما
در مرکز شهر مونتreal

514-953-3570

RIAHI@RIAHILEGAL.COM

2001 Blvd. Robert Bourassa #1700 Montréal, Quebec H3A 2A6

+989912535922 تماس از تهران

آنچه رویای شماست، تلاش من خواهد بود

مشاور املاک مسکونی و تجاری

خریده، فروش، پیش فروش و اجاره کلیه املاک
مسکونی، تجاری و صنعتی
خرید و فروش بیزنس ها
کمک به اخذ وام مسکن با کمترین نرخ بهره
همراهی در کلیه امور مربوط به محضر



هلیا حارثی دوست

(514) 996-1065

helia_realtor_intl

helia@londonogroup.com

GRUPE IMMOBILIER
LONDONO
REALTY GROUP INC

Proxim

داروخانه پروکسیم شادی کبک



بیست سال تمام در خدمت جامعه ایرانی

در خیابان سن لوران

PROXIM PHARMACIE CHADI KABAK



دلیوری رایگان به منزل شما
در سراسر منطقه مونتreal بزرگ، لاول و ساوت شور

دسترسی شما به دارو همه روزه
و شبانه روزی توسط صندوق های هوشمند ما

Tel: (514) 288-4864

Fax: (514) 288-4682

4084 Saint-Laurent Blv, Montreal, Qc H2W 1Y8

kabakc@groupeproxim.org

داستان حمایت ۴۰ میلیون دلاری رکاب‌زنان در اتاوا

در گفت‌وگوی «هفته»

با یاشار فرج‌پور، فعال و حامی

کودکان سرطانی کانادا

آیا می‌دانستید که در کشور کانادا به طور متوسط از هر چهار نفر، یک نفر به دلیل بیماری سرطان جان خود را از دست می‌دهد؟ این را یاشار فرج‌پور می‌گوید که با دوچرخه‌سواری در پی حمایت از کودکان سرطانی در کانادا است. یاشار با اشاره به آمار تکان‌دهنده ابتلا به سرطان در کانادا از انگیزه خود برای پیوستن به چالش (Great Cycle Challenge) GCC و دوچرخه‌سواری به نفع کودکان سرطانی - در شهر اتاوا می‌گوید. در ادامه گفت‌وگوی مفصل ما را با این جوان ایرانی که با پیوستن به این چالش و برگزاری برنامه‌های گروهی دوچرخه‌سواری در ماه آگوست ۲۰۲۲ تاکنون بیش از ۲۵۰ کیلومتر رکاب زده و بیش از ۶۰۰ دلار کمک مالی به نفع کودکان سرطانی برای سازمان خیریه کودکان بیمار (Sick Kids Foundation) کانادا جمع‌آوری کرده است، بخوانید.



گفت‌وگو
ویژه



مادرش در شکل‌گیری حس نوع‌دوستی در او اشاره می‌کند: «مادرم تمام دوران خدمتشان برای کودکان و بیماران سرطانی کار کردند و به‌خاطر حمایت بیشتر از آن‌ها همیشه فراتر از اختیارات خود و حتی فراتر از قانون پا گذاشته‌اند. او همیشه با مسئولین بالاتر از خودش در چالش بوده تا امکانات بیشتری را برای این بیماران فراهم کند. درواقع خدمت به جامعه میراث مادرم است که امیدوارم همیشه سلامت باشند و من سعی می‌کنم همان روند را ادامه بدهم. من خودم هم معتقدم تا زمانی که کسی شما را به‌خاطر می‌آورد شما زنده هستید و اگر بتوانید در زندگی کسی اثر مثبتی بگذارید خیلی کار بزرگی کرده‌اید.»

دوچرخه‌هایی که ۴۰ میلیون دلار، کمک جمع کردند

یاشار فرج‌پور که از سه سال پیش به چالش GCC پیوسته است، درباره این چالش می‌گوید: «در قالب این چلنج دوچرخه‌سواری، در هفت سال گذشته حدود ۴۰ میلیون دلار کمک مالی جمع‌آوری شده است، بعلاوه اینکه این چلنج می‌تواند حمایت معنوی خوبی برای کودکان بیمار و خانواده‌های آن‌ها باشد. اینکه می‌بینند در کل کشور بیشتر از پانزده هزار نفر هر سال در حمایت

تاسیس کرده است که جزو روش‌های درمانی پیشرفته سرطان محسوب می‌شود و تقریباً ۸۳ درصد بیماران که تحت این روش درمان تخصصی قرار می‌گیرند، از سرطان نجات پیدا می‌کنند.»

مادر دومم را سرطان از من گرفت

یاشار که کمک به هم‌نوع را به‌نوعی از مادر که مددکار اجتماعی است به ارث برده است، درباره چگونگی تبدیل‌شدن بیماری سرطان به دغدغه مهم ذهنی او چنین می‌گوید: «در دوران کودکی دکتر خانواده ما - متخصص کودکان - دکتر عرشناز حشمت بودند که مثل مادر دوم من بودند و بسیار هم دکتر حاذقی بودند. سال‌ها بعد ایشان به دلیل ابتلا به بیماری سرطان متأسفانه فوت شدند. این اتفاق برای من خیلی ضربه سنگینی بود. بعلاوه اینکه آمار بسیار بالای سرطان برای هرکسی بسیار تکان‌دهنده و شوکه‌کننده است. طبق آمار رسمی سرطان (Canadian Cancer Statistics ۲۰۲۱) که توسط سایت رسمی دولت کانادا در سال ۲۰۲۱ منتشر شده است، به‌طور متوسط از هر ۴ نفر یک نفر ممکن است در اثر سرطان جان خودش را از دست بدهد. وقتی به اطرافیان خودتان فکر می‌کنید، این آمار خیلی جای نگرانی دارد.» او در ادامه به نقش مهم

همه چیز از روی نوشته‌های یک تی‌شرت شروع شد

یاشار فرج‌پور که از سه سال پیش ساکن کانادا و شهر اتاوا است درباره نحوه آشنایی با «چالش بزرگ دوچرخه‌سواری» می‌گوید: «من در حال دوچرخه‌سواری در شهر اتاوا افرادی را می‌دیدم که تی‌شرتهایی با نوشته‌ی Great Cycle Challenge را پوشیده بودند. وقتی بیشتر بررسی کردم متوجه شدم که چنین چالشی وجود دارد و هرساله به‌طور خاص در ماه اوت از طرف بنیاد کودکان بیمار (Sick Kids Foundation) برگزار می‌شود و هدفش حمایت مالی و معنوی از کودکان سرطانی و خانواده‌های آن‌هاست.» او ادامه می‌دهد: «من معمولاً خیلی به خیریه‌ها خوش‌بین نیستم اما تا جایی که شخصاً بررسی کردم این مجموعه در سراسر کانادا بیمارستان‌های مجهزی دارد که حدود یک‌چهارم از کودکانی که هرساله در کانادا به سرطان مبتلا می‌شوند، در بیمارستان‌های Sick Kids مداوا می‌شوند. تا جایی که من اطلاع دارم این سازمان خیریه وابستگی سیاسی ندارد و واقعا با مراکز درمانی و مراکز علمی در جهت مبارزه با بیماری سرطان همکاری می‌کند. برای مثال این سازمان دومین مرکز paediatric MIBG در کانادا و سیزدهمین در آمریکای شمالی را در سال ۲۰۱۳

درباره یاشار فرج‌پور

یاشار فرج‌پور متولد سال ۱۹۹۰ در شهر ارومیه است. او سه سال است که ساکن کانادا و دانشجوی مقطع دکتری دانشگاه Carleton است. تمرکز یاشار روی بحث انرژی و خودروهای الکتریکی بوده است. او در سال ۲۰۲۱ جایزه ۱۵ هزاردلاری دولت اونتاریو OGS Ontario Graduate Scholarship را به‌خاطر پروژه دکتری‌اش برنده شد که معمولاً کمتر این جایزه شامل حال دانشجویهای International می‌شود. یاشار حدود یک سال برای NRC National Research Council روی پروژه اتوبوس‌های برقی تورنتو کار کرده و برای آن‌ها چند مدل با AI برای پیش‌بینی مصرف انرژی طراحی کرده است. چالش بزرگ دوچرخه‌سواری Great Cycle Challenge برنامه‌ای است که همه ساله در اتاوا برگزار می‌شود و هدف آن جلب توجه به بیماری سرطان و حمایت برای این گروه است.

امسال (۲۰۲۲) سومین سالی است که یاشار در Great Cycle Challenge شرکت می‌کند.



صحبت می‌کنند و کمک مالی (Donation) جمع‌آوری می‌کنند. ولی ما چون گروه ایرانی هستیم، بچه‌ها زیاد مایل به این کار نیستند ولی گاهی پیش می‌آید که جایی توقف می‌کنیم و خود مردم سمت ما می‌آیند. بخصوص من و همسر چون لباس‌های این چلنج را می‌پوشیم که روی آن نوشته شده Riding to Fight Kids's Cancer. گاهی برای مردم جالب می‌شود و درباره‌اش می‌پرسند. آن موقع من راجع به این چلنج اطلاع‌رسانی می‌کنم و لینک GCC را در اختیارشان قرار می‌دهم و آن‌ها می‌توانند خودشان در چلنج شرکت کنند.»

یاشار درباره اینکه کمک‌های مالی جمع‌آوری شده کجا و چگونه هزینه می‌شود، می‌گوید: «تا جایی که من اطلاع دارم تمام کمک‌های جمع‌آوری شده

بزرگ اطلاع‌رسانی تشکیل می‌شود. در این بین یک سری افراد به‌خاطر این هدف خیر donation انجام می‌دهند و عده دیگری به طور غیرمستقیم در اطلاع‌رسانی مشارکت داشتند. کسانی هم که صرفاً در برنامه دوچرخه‌سواری شرکت کردند برای سلامتی خودشان قدم برداشتند.»

تیم‌های دوچرخه‌سواری مختلف چالش GCC در اتاوا

یاشار درباره اینکه در میان راه آیا با آدم‌های دیگر هم درباره این موضوع هم کلام می‌شوند یا نه می‌گوید: «یک گروه GCC در اتاوا هست که در واقع تیم اتاواست و خیلی حرفه‌ای دوچرخه‌سواری می‌کنند. آن‌ها اغلب در طول مسیر، توقف‌هایی می‌گذارند و خودشان می‌روند مستقیماً با مردم

از آن‌ها دوچرخه‌سواری می‌کنند و نشان می‌دهند که آن‌ها تنها نیستند، به نظر من خیلی مهم است.» یاشار درباره نحوه جمع‌آوری این کمک‌ها می‌گوید: «در واقع افراد با جمع کردن گروهی از آشنایان و حتی غریبه‌ها به بهانه دوچرخه‌سواری دور هم جمع می‌شوند و در رابطه با این بیماری صحبت می‌کنند و اطلاع‌رسانی می‌کنند و با صحبت کردن و اطلاع‌رسانی در مورد خود بیماری سرطان و وجود چنین برنامه‌های Fundraising می‌توانند به این چلنج کمک کنند. در وهله اول شما با به‌اشتراک‌گذاری هدفتان از برنامه‌های دوچرخه‌سواری می‌توانید افراد بیشتری را در مورد این چلنج مطلع کنید. هرکدام از افرادی که با شما همراه می‌شوند، به نوبه خود به افراد دیگری اطلاع‌رسانی می‌کنند و به این شکل یک زنجیره



پرویز صانعی کاشانی، تدوین کننده طومار علی‌ه افزایش نرخ بهره: افزایش نرخ بهره و فشار به قشر متوسط متوقف شود

آقای پرویز صانعی کاشانی گرامی شما یک طومار در اعتراض به افزایش نرخ بهره وام مسکن تنظیم کرده‌اید و دعوت کرده‌اید که کانادایی‌ها آن را امضا کنند. چرا الان در این مقطع زمانی این تصمیم به انجام این کار گرفتید؟ دلیل تنظیم این پتیشن و اینکه من به صرافت این موضوع افتادم درخواست‌های زیادی بود که از طریق تلفن و ایمیل از من می‌شد. موضوع این است که در چهار پنج ماه گذشته، دولت چندین بار نرخ بهره پایه Overnight rate را افزایش داده با این هدف که بتواند تورم را مهار کند. ولی متأسفانه نه تنها تورم مهار نشد بلکه از ۵.۱ درصد به بالای ۸٪ رسید. به باور من افزایش دوباره نرخ بهره می‌تواند تورم را باز هم بالاتر ببرد. ما گفتیم شاید از این راه بتوانیم مجدداً به دولت‌مردان کانادا تاکید کنیم که مردم واقعاً از این بابت رنج می‌برند و شرایط مالی و اقتصادی‌شان بسیار سخت شده و در تأمین هزینه‌های جاری خود به شدت در مضیقه هستند. این بود که پتیشن را راه انداختم. واقعیت این است که در همان روزهای اول این پتیشن با استقبال

در چند ماه گذشته بازارهای مالی کانادا شاهد چند سری افزایش نرخ بهره بوده‌اند. این امر روی جوانب مختلف زندگی اقتصادی، مالی و حتی زندگی اجتماعی تاثیر گذاشته است. افزایش بهره که باید روی کاهش نرخ تورم تاثیر مثبت بگذارد، بویژه در بازار مسکن تاثیرات مناقشه‌آمیزی داشته است.

وضعیت حاضر تحلیل‌گران را به ابراز نظریات مختلف و گاه متضادی واداشته است. در این میان آقای پرویز صانعی کاشانی، تحلیل‌گر و نویسنده در زمینه مسکن طوماری را روی سایت change.org منتشر کرده که توسط صدها نفر امضا شده است. انتشار این طومار توسط آقای کاشانی بهانه‌ای شد تا با او به گفت‌وگو بپردازیم.

برای لینک طومار در سایت change.org به همین مطلب روی سایت «هفته» مراجعه کنید.

پرویز صانعی کاشانی بروکر عضو رسمی انجمن مشاوران املاک انتاریو در حوزه املاک تجاری و مسکونی است. او یکی از موسسان «انجمن حرفه‌ای مشاوران املاک ایرانی-کانادایی PICRA» و تحلیل‌گر و نویسنده مقالات مربوط به مسکن در نشریات فارسی زبان است که مدرک مهندسی را از پلی تکنیک تهران گرفته است.

در خلال Great Cycle Challenge برای تحقیقات علمی و پیدا کردن روش‌های جدید برای مبارزه با سرطان هزینه می‌شود. در وبسایتشان هم دقیقاً با این جمله اعلام کردند: (in support of research to develop treatments and find a cure for childhood cancer) در حمایت از تحقیقات برای توسعه معالجه و یافتن درمانی برای سرطان دوران کودکی. هر ساله یک Progress Report دارند که روی وبسایتشان به اشتراک می‌گذارند و پروژه‌هایی که در حال حاضر از طریق GCC فاند می‌شود را اعلام می‌کنند.»

مهم کمک‌کردن به دیگری است، از هر ملیتی که می‌خواهد باشد

یاشار با اشاره به اینکه بعضی هم‌وطنان از آنجاکه این چلنج برای کودکان بیمار در کانادا است، چندان راغب به مشارکت در آن نیستند، افزود: «باید توجه کنیم که ما در هر جامعه‌ای که هستیم، باید برای فراهم کردن شرایط بهتر در آن جامعه تلاش کنیم. بعلاوه اینکه این بیماری ممکن است برای هر کدام از ما در داخل همین خاک کانادا اتفاق بیفتد، پس تصور نکنیم که این کمک‌ها جای دوری می‌رود. مطلب مهم‌تر اینکه، هر واکسنی، هر دارویی و هر درمانی برای سرطان در گوشه‌ای از دنیا پیدا شود و هر روش جدیدی که کشف شود، به تمام بیماران در سراسر دنیا کمک می‌کند. بالاتر از همه اینها، چه تفاوتی هست بین انسان‌ها؟ این بیمار کانادایی باشد یا ایرانی یا ترک و یا عرب. اگر شما از کمک کردن به دیگران لذت می‌برید و احساس خوبی به خودتان دست می‌دهد، مطمئناً نژاد آدم‌ها دیگر اهمیتی ندارد.»

در پایان گفت‌وگو او با اشاره به افرادی که در این مسیر همراه او بودند، اضافه کرد: «در این جا می‌خواهم اولاً از همسر عزیزم، آیناز تشکر کنم که مهم‌ترین نقش را در جذب من به سمت ورزش و فعالیت‌های گروهی داشته است. همین‌طور از تک‌تک افرادی که با من پدال زدند و مسیر را برای خود من زیباتر کردند، از ادمین گروه‌های مختلف تلگرامی که از برنامه‌ها حمایت کردند و همین‌طور از تک‌تک افرادی که برای این هدف خیر و پسندیده Donate کردند تشکر می‌کنم و تشکر ویژه از رسانه هفته کانادا و بخصوص خانم فهیمه که همه‌جانبه حمایت کردند و برنامه‌ها را برای افراد خارج از اتاوا هم به اشتراک گذاشتند تا پیام این چلنج به افراد بیشتری برسد.»

خوبی از جانب مردم، سوشال مدیا و رسانه‌ها روبرو شد.

مخاطب این طومار کدام فرد، اداره یا سازمان است؟

مخاطب ما دقیقاً دولت است. از دولت خواستیم که این روند افزایش نرخ بهره را متوقف کند. نکته اینجاست که علاوه بر نرخ بهره وام مسکن، بهره‌ی کردیت کارت، لاین اف کردیت و هر نوع اعتباری که مردم به شکل کوتاه‌مدت یا بلندمدت از بانک‌ها گرفته‌اند افزایش پیدا کرده. این برای مردم یک فشار مضاعف بر فشاری است که مردم بر اثر تورم موجود بر دیگر اقلام تحمل می‌کنند. ما می‌خواهیم دولت این روند را متوقف کند و یک بازنگری و ارزیابی مجددی از وضعیت داشته باشد. شاید همین میزانی که افزایش داده‌اند برای اصلاح تورم یا توقف آن برای مدتی کافی باشد.

آن زمانی که شما پتیشن را تنظیم کردید نرخ بهره Overnight rate چقدر بود؟

آن زمان که شروع به تنظیم پتیشن کردیم که البته زمان طولانی هم نیست (کمتر از دو هفته قبل) رقم نرخ بهره بانک مرکزی ۲.۵ درصد که به طبع آن نرخ بهره پرایم به رقم ۴.۷ درصد رسیده که تأثیر مستقیم روی وام‌های مسکن گذاشته است.

اگر بخواهیم نرخ بهره را در حال حاضر با یک سال پیش و همچنین با سه سال پیش (یعنی قبل از پاندمی کووید ۱۹) مقایسه کنیم، اوضاع چطور است؟

اگر منظورتان نرخ بهره وام مسکن است، نسبت به یک سال پیش خیلی بالاتر هستیم چراکه یک سال پیش می‌توانستید با نرخ بهره‌ی حدوداً دودرصدی وام مسکن بگیرید. خیلی از خریداران توانستند حتی با نرخ بهره ۱.۵ درصد هم وام بگیرند. الان نزدیک به سه برابر شده یعنی این نرخ نزدیک به ۳۰۰ درصد افزایش داشته. ولی نسبت به سال ۲۰۱۹ میزان نرخ پرایم Prime rate تقریباً ۰.۷ درصد افزایش دارد، سه سال پیش نرخ بهره پرایم Prime rate حدود ۳.۹۵ درصد بود.

پس نسبت به قبل از پاندمی کووید ۱۹ هم شاهد افزایش هستیم. اینطور نیست؟

بله دقیقاً از نظر تعدادی که می‌خواهید طومار را

امضا کنند چه هدف‌گذاری دارید؟

برای تعداد نفرات هدف مشخصی نداریم، ولی اگر در مدت یک ماه یا زودتر، یعنی تا قبل از ۶ سپتامبر، به چند هزار نفر برسیم شاید بتوانیم از حامیان طومار دعوت کنیم مثلاً مقابل پارلمان یک حضور فیزیکی داشته باشند، آنجا بیایند و اعتراض خودشان را به گوش دولت برسانند و از دولت بخواهند تا این جریان افزایش را متوقف کند یا حداقل برای بازنگری مجدد به پارلمان بفرستد و تصمیم جدیدی بگیرد. البته نه ساعت و روز مشخصی را هدف قرار دادیم و نه تعداد مشخصی را.

آیا از استقبالی که تا کنون شده راضی هستید؟

به نظر من تا الان استقبال خوبی از پتیشن شده است. البته بعضی از اقشار جامعه هستند که خیلی درگیر این مسائل نمی‌شوند. همان‌طور که گفتم بیشتر طبقه متوسط جامعه درگیر این مسائل‌اند. ضمن اینکه حتی کسانی که صاحب‌خانه هم نیستند خیلی از شرایط فعلی خوشحال نیستند. درست است که قیمت ملک پایین آمده ولی همزمان هم بهره‌ها به شدت بالا رفته و هم روند تأیید درخواست وام و اعتبارات خیلی سخت‌تر شده. در نتیجه با وجود ارزان‌تر شدن املاک خریدار نمی‌تواند خانه را بخرد و در شرایط فعلی ناچار است با ۳۰٪ افزایش اجاره مستاجر بماند.

یعنی افزایش بهره وام مسکن فقط روی خریدار و فروشنده تأثیر نگذاشته، بلکه برای مستاجر هم مشکل آفرین شده است؟

بله، بی‌شک اینطور است. شاخص اجاره‌خانه بین ۲۵ تا ۳۰٪ افزایش نشان می‌دهد که خود این هم باعث بالا رفتن تورم شده است. دولت انتاریو به تازگی با پایین آوردن مالیات بنزین قیمت این کالای مهم را از دو دلار به حدود یک و نیم دلار رسانیده که در نتیجه شاخص تورم را پایین نشان دهد، ولی کرایه‌خانه رشد وحشتناکی داشته است.

از طرف دیگر در شرایط تورم بالا و نرخ بهره‌ای که شدیداً افزایش پیدا کرده هزینه‌ی داشتن خانه به شدت افزایش پیدا می‌کند و صاحب‌خانه باید خانه را با هزینه و نرخ بهره وام بالاتری نگه دارد. نتیجه این هم چیزی جز افزایش کرایه‌خانه نیست.

نکته مهم دیگری که در این زمینه نقش بازی می‌کند قانون عرضه و تقاضا است. زمانی که به دلیل نرخ بالای بهره وام مسکن ۵۰-۶۰ درصد خریداران

تبدیل به مستأجر می‌شوند نرخ تقاضا در بازار اجاره افزایش پیدا می‌کند. یعنی بالانس عرضه و تقاضا در قسمت اجاره به هم خورده و تقاضا نسبت به عرضه به شدت افزایش یافته است. الان وضع طوری شده که شما خانه را با قیمت ۲۴۰۰ دلار وارد مارکت اجاره می‌کنید، ولی احتمال اینکه طبق سیستم مزایده بالای ۲۴۰۰ دلار اجاره دهید بسیار زیاد است. شما اگر لیست اجاره‌ها را نگاه کنید تقریباً ۸۰٪ خانه‌هایی که درون مارکت هستند بیش از قیمت آن لیست اجاره می‌روند؛ یعنی تعداد مستأجر آن قدر زیاد است که برای گرفتن یک یونیت به رقابت می‌افتند و قیمت را بالا می‌برند.

فرض کنید این پتیشن به آن تعدادی که شما نیاز دارید امضا جمع کند؛ شما در نهایت می‌خواهید با آن چه کار کنید؟

مرحله بعد این است که حامیان پتیشن باید یک تجمعی داشته باشند تا دولت ببیند که مردم به خاطر این مشکل دور هم جمع شده‌اند. به‌نوعی باید به دولت اطلاع داد یا به شکلی هشدار داد که این تورم یا افزایش قیمت‌ها مردم را به شدت ناراضی و اعتماد مردم را به دولت کاهش می‌دهد.

آیا این هدف مشخص شده که مثلاً این پتیشن را به دست رئیس مجلس، نخست‌وزیر یا غیره بدهید؟

من یکی دو بار ایمیلی به وزیر مسکن زدم و از ایشان خواستم که فرصتی به من بدهند تا در مورد این قضیه صحبتی با او داشته باشیم اما تا به این لحظه جوابی به من نداده‌اند. الان می‌خوام تعداد حامیان پتیشن به رقم مناسبی برسد تا دوباره پیگیری کنم.

ایده آل شما چه تعداد امضا است؟

اگر ظرف یکی دو هفته آینده به رقم بالای سه، چهار هزار نفر برسد به نظر من بسیار عالی است. حتماً می‌دانید که نگاه خیلی‌ها به این جور کارها با شک و تردید است و متأسفانه بعضی نگاه سیاسی به موضوع دارند، در صورتی که این موضوع اصلاً سیاسی نیست و جنبه اجتماعی دارد. ولی در مجموع اگر در سوشال مدیا و جاهایی که ما این پتیشن را نشان می‌دهیم ظرف مدت دو سه هفته آینده سه چهار هزار حامی جذب کند، به گمان من، برای شروع مذاکره کافی است.

آقای پرویز صانعی کاشانی از شما سپاسگزاریم.

BMO  **Bank of Montreal**

مهرداد مرادخانی
مشاور وام مسکن

با مناسب ترین نرخ بهره
و
در سریع ترین زمان ممکن
در سرتاسر کانادا

**Top Performer
of years
2020 & 2021**

514-834-8053
mehrdad.moradkhani@bmo.com



ELAN ACCOUNTING SERVICES INC.

**انجام امور مالیاتی به صورت Online یا حضوری
با توجه به انتخاب شما**

(514) 225 3500

کلیه خدمات حسابداری و مالیاتی جهت بیزینس و اشخاص
توسط تیم مجرب و کار آزموده

- خدمات حسابداری و دفینداری
- تهیه، تکمیل و ارسال اظهارنامه مالیاتی (اشخاص و شرکتهای)
- تهیه، تکمیل و ارسال مالیات بر فروش و خدمات GST / QST
- خدمات مربوط به حقوق و دستمزد - Payroll
- ارزیابی و مشاوره مالی جهت خرید و فروش بیزینس

Mojdeh Miri
(514-562-3493)
CPA Candidate

Iraj Mohammadi
(514-625-6292)
CPA Candidate

360-3285 Cavendish Blvd. Montreal, QC H4B 2L9
<http://elanaccounting.ca>
info@elanaccounting.ca




دفتر ترجمه فیروزه ماسیحا

عضو رسمی انجمن مترجمان کبک (OTTIAQ)
عضو رسمی انجمن مترجمان اونتاریو (ATIO)
ترجمه و تایید اسناد بدون نیاز به مراجعه حضوری



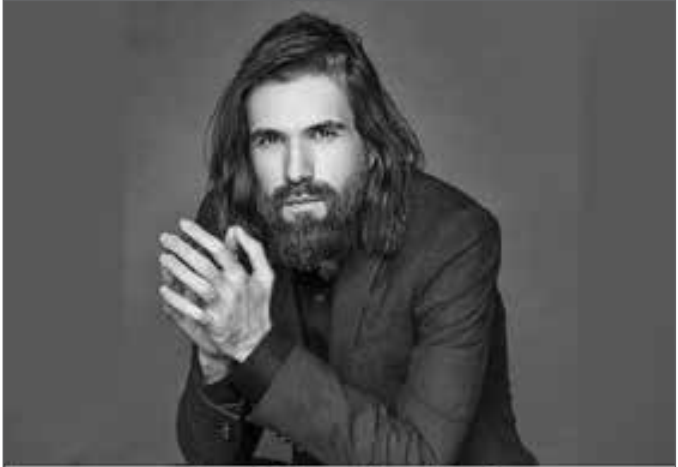
10% promotion for new Year

+1 438-920-9305
Firoozehmasiha@yahoo.com



ارسلان براهنی فیلمساز

Minima Films





سیاست
اقتصاد
جامعه



هشدار دانشجوی ایرانی در واترلو: مراقب کلاهبرداری در اجاره باشید!

قرار گرفته است.»
این دانشگاه وام‌های اضطراری و کمک‌هزینه‌های تحصیلی را برای دانشجویانی که با مشکلات روبرو هستند ارائه می‌دهد. آرمینا تأیید کرد که کمک‌هزینه ۲۰۰۰ دلاری گرفته است.
آرمینا درخواست جایی در پردیس دانشگاه کرده، اما در فهرست انتظار است. مینینگ می‌گوید که فهرست انتظار به علت درخواست‌های بالاست.

هدف قرارداد دانشجویان مستأصل

آرمینا می‌گوید که او معتقد است کلاهبرداران تمام تلاش خود را می‌کنند تا دانشجویان بین‌المللی یا کسانی را که هفته‌ها قبل از آغاز کلاس برای یافتن اقامتگاه تلاش می‌کنند، هدف قرار دهند. او گفت: «در این مدت، دانشجویان مستأصل‌اند و فقط می‌خواهند جایی پیدا کنند. من نیز متوجه نشانه‌های هشداردهنده شدم، اما برای یافتن جا تحت فشار بودم. وقتی اولویت شما محافظت از خود در برابر بی‌خانمانی است، نمی‌توانید روی چیزهای دیگر تمرکز کنید.»

او با اشاره به مانع زبانی افزود که با این مانع این فرایند چالش‌برانگیزتر هم می‌شود: «دانشجویان بین‌المللی زیادی وجود دارند... که به دنبال جایی برای ماندن هستند. ما چاره‌ای جز اعتماد به مردم نداریم و می‌دانم برای بسیاری از دانشجویان دیگر که از خارج از کشور آمده‌اند، چاره‌ای هم جز استفاده از برنامه‌های کاربردی آنلاین نیست.»

آرمینا گفته است که این وضعیت بر سلامت روان او تأثیر گذاشته و او را از تمرکز بر مطالعات و تحقیقاتش بازداشته است. او امیدوار است که داستان او باعث افزایش آگاهی و کمک به دیگران شود.

او می‌گوید: «فقط می‌خواهم به دانشجویان دیگر هشدار بدهم. نمی‌خواهم کسی چنین وضعیتی را تجربه کند که من کردم.»

منبع: وبسایت شبکه خبری رادیو کانادا

امنیتی دارد بیاید تا در آن جا به او پول بدهم.» او می‌گوید که زن کلید واحد را به او داد و همچنین از طریق فیس‌بوک با او در تماس بود، تا این که چند روز بعد این زن برگه‌ی فیس‌بوکش را حذف کرد.

آرمینا سپس برای بازدید واحد رفت و با یکی از مدیران ساختمان برخورد کرد که به او گفت مورد کلاهبرداری این زن قرار گرفته و قربانیان دیگری نیز وجود دارند.

تحقیقات پلیس

آرمینا گفت که بلافاصله با پلیس محلی و مدیریت پردیس تماس گرفت.

سرویس پلیس منطقه‌ای واترلو می‌گوید که نمی‌تواند در مورد موارد خاص اظهار نظر کند، اما تأیید کرد که در حال بررسی گزارشی مبنی بر کلاهبرداری در اجاره در منطقه دانشگاه است که در ۶ و ۷ اوت رخ داده است.

پلیس گفته است که سه نفر با آنها تماس گرفته‌اند و گفته‌اند که قربانی این کلاهبرداری شده‌اند.

پلیس در بیانیه‌ای اعلام کرد: «قربانیان شخصاً با مظنون ملاقات کردند و بعداً متوجه شدند که ملک اجاره‌ای کلاهبرداری بوده است و هنگامی هم که تلاش کردند دوباره با مظنون تماس بگیرند، پاسخی نگرفتند.»

پلیس اکنون به دنبال یک مظنون زن با موهای بلند قهوه‌ای است. از هر کسی که اطلاعاتی دارد خواسته شده است که با پلیس در میان نهد. دانشگاه واترلو می‌گوید که از وضعیت آرمینا آگاه است و هر چه در توان دارد برای کمک انجام می‌دهد.

نیک مینینگ، معاون ارتباطات، اعلام داشته است: «خوشبختانه او قبلاً بسیاری از کارهای درست را انجام داده است، اما بسیار متأسفیم که متوجه شدیم علی‌رغم تمام تلاش‌ها و اقدامات احتیاطی برای محافظت از خود، در چنین شرایط دشواری

آرمینا سلیمانی، دانشجوی ایرانی دانشگاه واترلو در انتاریو، می‌گوید که بسیار مشتاق بود که تا قبل از ترم پاییز در خانه‌ی جدیدش مستقر شود، اما پس از اینکه قربانی کلاهبرداری در اجاره شد، پس‌اندازش را از دست داد و دچار مشکلات روحی گشت.

آرمینا که سه سال پیش برای ادامه تحصیل در مقطع دکترا در رشته‌ی مهندسی طراحی سیستم از ایران به انتاریو نقل مکان کرده است، می‌گوید: «قبلاً یک مشکل داشتم: پیدا کردن جایی برای زندگی. اما اکنون، دو مشکل دارم: پیدا کردن جا و پس‌گرفتن پول ... نمی‌توانم روی درس‌هایم تمرکز کنم.»

پلیس واترلو نیز تأیید کرده که در حال بررسی گزارش‌های متعددی از کلاهبرداری در اجاره در منطقه‌ی دانشگاه در این ماه است.

آرمینا می‌گوید که او از حدود دو ماه پیش جستجو برای یک واحد اجاره‌ای جدید در نزدیکی دانشگاه را آغاز کرد تا بتواند قبل از پایان اجاره‌نامه فعلی‌اش در ۳۱ اوت جایی برای جابه‌جایی داشته باشد.

چگونه اتفاق افتاد؟

اوایل این ماه، او از طریق گروهی فیس‌بوکی که در بین دانشجویان محبوب است، زنی را یافت که می‌خواست واحدی را در ساختمانی در خیابان کلمبیا غربی در واترلو اجاره دهد. آرمینا قرار حضوری برای ملاقات با این زن در ۶ اوت گذاشت. آرمینا می‌گوید که این زن که ادعا می‌کرد دانشجویست به او امکان بازدید داد و سپس هم قرارداد اجاره را امضا کردند.

این زن از آرمینا خواست ۲۰۰۰ دلار به صورت نقدی برای پرداخت اجاره‌ی ماه اول و آخر و نیز بیعانه پرداخت کند.

آرمینا خاطر نشان می‌کند: «مشکوک شدم و از او کارت شناسایی خواستم. همچنین، از او خواستم جلوی در ورودی اصلی ساختمان که دو دوربین



آیا می‌توان پیشوا را به نقد کشید؟ به مناسبت سالگرد کودتای آمریکایی ۲۸ مرداد

برنامه‌های خود و در اولویت برنامه‌های دولت ملی قرار داد. از این رو به محض قبول پست نخست‌وزیری، مجلس را واداشت قانون ۹ ماده‌ای طرز اجرای اصل ملی شدن صنعت نفت را به تصویب برساند. با وجود حمایت‌ها و فداکاری‌های اکثریت مردم ایران از دولت ملی او شوربختانه نتوانست به اهداف خود برسد و از اجرای برنامه‌های مردمی خود ناتوان ماند! اقتصاد ورشکسته، بیکاری و فقر دامن ملت را گرفت.

عاقبت آمریکای قوی‌تر و مهیب‌تر با همدستی وطن‌فروشان داخلی مخصوصاً فئودال‌های مسلح شده توسط آمریکا در وقایع ۲۱ آذر آذربایجان، با یک کودتای کم‌هزینه به‌جای قدرت استعماری انگلیس بر سر نوشت ملت مسلط شد و بر کشور بیش از ربع قرن سایه افکند ارتش به دست ۳۰ هزار سرباز و مستشار آمریکایی و ژاندارمری کل کشور زیر فرمان سرهنگ شوارتسکف و اداره دارایی و شریان‌های مالی کشور در دست هیئت‌های مالی آمریکایی قرار گرفته بود و بالاخره امپریالیسم آمریکا با ۵۷ هزار مستشار آمریکایی دیگر بر پهنه ایران و خاورمیانه چنگ انداخت.

صنعت دولت دکتر مصدق

بزرگ‌ترین ضعف شخص دکتر مصدق در مبارزه برای بهبود حال تهیدستان که اکثریت جامعه را تشکیل می‌دادند جایگاه اشرافی و فرهنگ و تفکر طبقاتی او و اطرافیان او بود. او لقب مصدق السلطنه را قبل از همه از نوجوانی با خود یدک می‌کشید و قسم خورده و قرآن امضا کرده بود هرگز به علی‌حضرت محمدرضا شاه که تجسم خودکامگی، بی‌قانونی و ابطال مشروطه بود و به‌وسیله ژنرال ایرون ساید انگلیسی به ملت ایران تحمیل شده بود خیانت نکند! و این نشان می‌دهد به حفظ و تداوم نظام پادشاهی مبتنی بر نظام ارباب-

از این رو به فرانسه و سپس سویس رفت و دکترای حقوق را در این کشور به پایان رساند. او با طبعی دموکرات و آزادمنش بود و با دیکتاتورها خاصه با رضاخان میرپنج سر ناسازگاری داشت و در این راه از تبعید و زندان هراسی به خود راه نداد و تا پایان در مقابله با خودکامه‌ها پای فشرد. در تاریخ معاصر ایران دکتر مصدق تنها شخصیت از طبقه حاکم هزار فامیل با لقب اشرافی بود که حرف دل مردم می‌زد و در این راه پای می‌فشرد و تبعیدگاه و زندان را به جان می‌خرید. درست به همین دلیل محبوب مردم شد و در قلوب آنها جای گرفت. بالاخره بعد از سقوط دیکتاتوری رضاخان، در دوره چهاردهم مجلس شورای ملی در مقام وکیل درجه اول طهران وارد مجلس شد

و در برابر خان‌های آنگلوفیل سرسختانه ایستاد. دکتر مصدق مشکلات و ناهنجاری‌های ملک و ملت را ناشی از دخالت‌های دولت استعماری انگلیس از طریق شرکت نفت انگلیسی بریتیش پترولیوم (B.P) مستقر در طهران و آبادان می‌دانست و این شرکت را به‌منزله لانه جاسوسی استعمار انگلیس می‌شناخت که در تمام امور کشوری دخالت می‌کرد و در عزل و نصب مقامات کشوری و دولتی اعمال نفوذ می‌نمود و خوانین ریزودرشت را همچون قوام شیرازی، شوکت‌الملک علم، فئودال‌های بختیاری و قشقایی و ممسنی و ... را زیر فرمان داشت. به‌این‌علت دکتر مصدق حل مسئله نفت و بیرون راندن شرکت نفت انگلیسی را در رأس

قطعاً اگر معایب را نشانسیم و به مقام تغییر و اصلاح برنیاییم درب برای ابد بر همان پاشنه خواهد چرخید! روز بیست و نهم اردیبهشت ۱۲۶۱ قطعاً برای ملت ایران روز فرخنده است؛ در آن روز با تولد نوزادی شخصیتی پای به عرصه وجود نهاد که مصدر خدمات و تحولات شاپان در جامعه مفلوک ایران آن زمان گردید. مردم ایران از دخالت‌های بیگانگان و دیکتاتوری‌های قرون‌وسطایی و تحمل آنها به جان آمده بودند.

نام نوزاد را محمد گذاردند، پدرش هدایت‌الله آشتیانی ملقب به وزیر دفتر از رجال عهد ناصری بود و فرزندش محمد ده‌ساله بود که فوت کرد. ناصرالدین شاه برای دلجویی به محمد لقب مصدق السلطنه اعطا فرمود. مادر محمد ملک تاج ملقب به نجم السلطنه نوه عباس میرزا نایب السلطنه ایران بود که بعد از فوت شوهرش وزیر دفتر با وکیل‌الملک سرمنشی ولیعهد ازدواج نمود. مصدق السلطنه ۱۲ ساله بود که به همراه مادر و ناپدری خود به شهر ولیعهد نشین تبریز کوچ کرد و تحصیلات مقدماتی را در آن شهر به انجام رساند و در سن ۱۷ سالگی به مستوفیگری یا به‌اصطلاح امروز رئیس دارایی خراسان منصوب گشت؛ اما بعد از پیروزی جنبش مشروطه از مستوفیگری استعفا داد و در اولین دوره انتخابات مجلس شورای ملی به نمایندگی اعیان و اشراف اصفهان به مجلس رفت و به‌علت صغر سن (زیر ۳۰ سال) اعتبارنامه‌اش رد شد.

جریمه برای مسافران حمل و نقل عمومی تورتو که بلیت نمی دهند

اذعان کرد که برخی از شهروندان درباره ماهیت پروتکل های ما و نحوه اجرای مقررات مربوط به کرایه ابراز نگرانی کرده و آن ها را تبعیض آمیز دانسته اند. به همین علت ما در حال بازنویسی پروتکل های مربوط به نحوه برخورد با مسافران، نحوه صدور اخطارهای کتبی و همچنین موارد دیگری هستیم که بازرسان ما با آن ها سروکار پیدا می کنند.

تلاش می کنیم این پروتکل ها را به نحوی اصلاح کنیم که وقتی یکی از مأموران یا بازرسان ما به شهروندان نزدیک شد، هیچ تنش ایجاد نشود و مردم اطمینان داشته باشند که اجرای مقررات به هیچ وجه تبعیض آمیز نیست و شامل حال همه می شود. مردم باید بدانند که دغدغه ها و نگرانی های آن ها برای ما اهمیت دارد و برای برطرف کردن آن ها تلاش خواهیم کرد.

باین حال هنوز هم برخی از مدافعان حقوق مصرف کنندگان حمل و نقل عمومی تورتو معتقدند که این تغییرات برای برطرف شدن تردیدها و بهبود اوضاع کافی نخواهد بود.

آگست پوراناوت از اعضای گروه TTC Riders می گوید تغییرات مدنظر کمیسیون حمل و نقل عمومی تورتو انتظارات شهروندان را برآورده نخواهد کرد باین حال بهتر است مدنظر باشیم و ببینیم روند جدید اجرای تعرفه های بخش حمل و نقل چه آثاری به همراه خواهد داشت.

آقای پوراناوت افزود می دانیم که در منطقه آمریکای شمالی شهرهای زیادی مقررات بخش حمل و نقل عمومی به ویژه مسائل مربوط به کرایه های این بخش را اصلاح کرده اند باین حال واقعیت این است که مأموران به شکلی ذاتی نسبت به اعضای اقلیت های نژادی، افراد رنگین پوست و کم درآمد سخت گیری بیشتری به خرج می دهند.

به گفته آقای گرین استفاده از حمل و نقل عمومی تورتو که در دوره پاندمی کرونا به شدت از رونق افتاده بود، به ۶۰ درصد ماقبل کرونا بازگشته است. در این میان نزدیک به ۳ درصد مشتریان حمل و نقل عمومی تورتو برای سوار شدن به مترو و اتوبوس پولی پرداخت نمی کنند و این رقم برای مسافران تراموا به ۵ درصد هم می رسد.

منبع: وبسایت شبکه خبری رادیو کانادا

طبق اعلام مسئولان حمل و نقل عمومی تورتو، سطح استفاده از خدمات این بخش به ۶۰ درصد دوره قبل از همه گیری کرونا رسیده است و حدود ۳ درصد مسافران هزینه بلیت خود را پرداخت نمی کنند. کمیسیون حمل و نقل عمومی تورتو سه شنبه شب اعلام کرد صدور برگه های جریمه برای مسافرانی را که هزینه بلیت مترو، اتوبوس یا تراموا خود را پرداخت نکنند، از سر گرفته می شود.

همه گیری کووید ۱۹ و مشکلات ناشی از آن که موجب کاهش شدید استفاده از حمل و نقل عمومی تورتو شده بود و همچنین طرح بازبینی پروتکل های اجرای قوانین موجب شده بود مأموران کمیسیون حمل و نقل عمومی تورتو صدور برگه های جریمه علیه مسافران متخلف را متوقف کنند.

استوارت گرین، سخنگوی کمیسیون حمل و نقل عمومی تورتو، سه شنبه شب اعلام کرد در دوره پاندمی بازرسان نظارت و صدور جریمه را متوقف کرده و نقش خود را اساساً به ارائه خدمات به مشتریان محدود کرده بودند. اما نظارت ها بار دیگر از سر گرفته شده است و هر کس بخواهد هزینه بلیت خود را در بخش حمل و نقل عمومی شهر پرداخت نکند، با جریمه ۴۲۵ دلاری روبرو خواهد شد.

آقای گرین همچنین خاطر نشان کرد کمیسیون حمل و نقل عمومی تورتو سیاست ها و نحوه عملکرد خود را مورد بازبینی قرار داده است چرا که در سال های گذشته بازرسان این نهاد در چندین مورد متهم شدند که نظارت ها و سخت گیری های خود را عمدتاً بر روی اقلیت های نژادی و افراد کم درآمد اعمال می کنند. در چند سال اخیر چند تن از شهروندان از رفتار بازرسان کمیسیون حمل و نقل عمومی تورتو به مراجع قضایی شکایت کرده اند. در تازه ترین مورد از این شکایات، مسئولان اداره حمل و نقل عمومی مونترال با فرد شاکی که یک جوان سیاه پوست بود، توافق کردند و به این ترتیب قضیه فیصله پیدا کرد.

مطالعه مستقلی هم که سال گذشته در این باره صورت گرفت، اتهامات وارده به بازرسان کمیسیون حمل و نقل عمومی تورتو را تأیید کرد.

آقای گرین تصریح کرد به منظور اطمینان از عادلانه بودن اجرای قوانین و مقررات، پروتکل های جدیدی به اجرا گذاشته خواهد شد.

سخنگوی کمیسیون حمل و نقل عمومی مونترال

رعیتی موجود متعهد است و از این رو مخالف تقسیم اراضی (و نه اصلاحات ارضی) بود به عبارت دیگر طرفدار سیستم خان-خانی و بهره «قانونی» مالکانه را الزامی می شمرد اما مالیات های ظالمانه اربابان را نفی می کرد.

بر همه روشن است جهت اصلاح حال کشور و مردم که اکثریت آن دهقانانند قبل از هر عمل و حرکتی لازم بود نظام قرون وسطایی و ظالمانه ارباب-رعیتی ملغی می شد و تقسیم اراضی صورت می گرفت و دهقانان یعنی اکثریت مردم ایران آزاد می شدند و بدین ترتیب پایگاه ارتجاع درباری وابسته وزیر فرمان بیگانه در سرتاسر ایران فرومی ریخت و زمینه برای قدم های بعدی اصلاحات آماده می گردید؛ به عبارت دیگر ضروری ترین کار و برنامه دولت باید فروپاشیدن نظام قرون وسطایی خان-خانی و پایان بخشیدن به ستم طبقاتی بود و این از مصدق و کابینه طبقاتی او بر نمی آمد.

شاید برای نسل جوان امروز حیرت آور و غیر قابل قبول باشد که زمانی نوکران نشان دار بیگانه همچون سرلشکر فضل الله زاهدی (کودتاگر بعدی)، امیر اسدالله علم (مأمور مارک دار انگلیس) و دکتر منوچهر اقبال (غلام خانه زاد شاه) در خدمت دکتر مصدق و عضو کابینه او بودند! چنان دیدگاه طبقاتی حکومت مصدق کار کشور را به بیراهه کشید که دزدان و فاسدان میدان عمل را گرفتند و به شخصیت های فرهیخته ترقی خواه با تحصیلات بالا اعتنا و اعتماد نکردند و به هشدار و اعلام خطر مکرر کودتا توسط آنها گوش شنوا ندادند تا عاقبت ملت را دست بسته اسیر بیگانه ساختند! اینجا در پشتوانه این نوشتار به یک خاطره شخصی به منزله سند اشاره می کنم: شادروان پدرم به عنوان نماینده معتمد بازاربان (طرفداران مصدق) زنجان دو بار با مصدق ملاقات داشته و نسبت به جریان انتخابات معترض بوده زیرا اکثر کرسی های مجلس در دولت ملی هم بمانند دولت های پیشین به اشغال خان ها درآمده و درب بر همان پاشنه سابق چرخیده بود، در یکی از ملاقات ها دکتر مصدق می پرسد بناء با چه کار می کند؟ جواب: با ابزار. مصدق می گوید: کاملاً درست است، نخست وزیر هم با ابزار کار می کند و من به هر ابزاری دست می زنم فاسد است! حال چه عاملی باعث می شود یک نخست وزیر با همه شناخت از فساد و فاسدان بر همان بیراهه بکوبد و به هشدار مکرر میهن پرستان، تحصیل کرده های بالای داخل و خارج آشنا به مسائل جهانی بی اعتنا بمانند. جز دیدگاه و فرهنگ طبقاتی و پیوندهای اشرافی و نگاه به گذشته می توانست او را از حرکت در جهت تغییر اساس و ریشه جامعه باز دارد؟



» دیو مک‌کای رئیس بانک RBC مشکلات متعددی از جمله جنگ، تورم و تغییرات اقلیمی را به عنوان دلایل کاهش درآمد این بانک بر شمرد.

کاهش درآمد بانک‌های بزرگ کانادایی در شرایط کنونی چه پیامی دارد؟

ضررهای احتمالی پیش‌بینی کرده است و این در حالی است که سال گذشته این میزان ۹۹ میلیون دلار بود. کل درآمد بانک CIBC در سال جاری نسبت به سال گذشته تا این تاریخ با رسیدن به ۵ میلیارد و ۵۷۰ میلیون دلار، حدود ۵۱۰ میلیون دلار افزایش یافته است. این بانک در بخش خدمات بانکی به مشتریان حقیقی و حقوقی، در کوارتر سوم با ۵۹۵ میلیون دلار درآمد حدود ۴۷ میلیون دلار کمتر از سال گذشته به دست آورده است. همچنین این بانک در معاملات و عملیات بانکی فرامرزی در آمریکا با ۷۴ میلیون دلار کاهش درآمد نسبت به سال گذشته مواجه شده است. در بخش بازار سرمایه نیز با کسب ۴۴۷ میلیون دلار، با ۴۴ میلیون دلار کاهش درآمد روبرو است.

این بانک در سیاست‌های اخیر بر تغییر برند و شهرت تجاری و همچنین کسب مشتریان بیشتر با خرید پورتفولیوی اعتباری فروشگاه‌های زنجیره‌ای Costco و کارت‌های اعتباری Capital One تمرکز کرده و به این وسیله بر گسترش بازار همت گماشته است. تیم مدیریت بانک CIBC در این راستا توانست حدود ۳۰۰ هزار مشتری جدید و همچنین حدود چهارهزار مشتری سرمایه‌دار کسب کنند که نتیجه قابل قبولی است.

گزارش بانک TD

بانک تورنتو دومینین باوجود اینکه در بخش مدیریت بحران وام و

بانک‌های کانادایی باوجود اینکه در مجموع عملکرد مثبتی داشته‌اند و سودده بوده‌اند ولی نسبت به سال گذشته در زمان مشابه عمدتاً با افت سود مواجه شده‌اند. پنج بانک بزرگ کانادا هرکدام به میزان مشخصی نسبت به تراز سال گذشته درآمد کمتری داشته‌اند یا اگر درآمدشان بیشتر بوده این تفاوت بسیار ناچیز است. همین موضوع نیز در سهام آن‌ها منعکس شده است و قیمتشان در بازارهای مالی کاهش معنی‌داری یافته است. دلیل یا پیامد این رخدادهای مالی را می‌توان در گزارش‌های مالی که بانک‌های بزرگ کانادایی در سه‌ماهه یا کوارتر سوم سال جاری ارائه داده‌اند پیدا کرد.

گزارش بانک CIBC

بانک تجارت امپریال کانادا یا CIBC مشابه سایر بانک‌ها با وجود افزایش درآمد در کوارتر سوم، سود کمتری از مجموع فعالیت‌های مالی و بانکی به دست آورد. این بانک که در سال گذشته در مدت مشابه یک میلیارد و هفتصد و سی میلیون دلار درآمد کسب کرده بود امسال حدود یک میلیارد و ششصد و هفتاد میلیون دلار به دست آورد. درآمد خالص بانک CIBC نسبت به هر سهم در بازار سهام حدود یک دلار و هفتاد و هشت سنت بود که ده سنت در هر سهم کمتر از سال گذشته است. این بانک در کوارتر سوم در بخش وام و اعتبارات حدود ۲۴۳ میلیون دلار برای



بانک Scotia نسبت به رقبای بزرگ خود عملکرد قابل قبولی ارائه داده است.

مشابه به ۱۲ میلیارد و ۱۰۰ میلیون دلار رسید. به دنبال این کاهش، سهام این بانک نیز در بازار تورنتو حدود دو و نیم درصد سقوط کرد. دیو مک‌کای دلایل متعددی را برای این کاهش درآمد برشمرد که از مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به نزاع و درگیری‌های نظامی، اختلال در زنجیره تأمین کالا، کمبود نیروی کار و همچنین خشکسالی در بخش کشاورزی به دلیل تغییرات اقلیمی اشاره کرد.

بانک سلطنتی کانادا نیز مانند سایر رقبای امسال بخش بزرگ‌تری از درآمدش را برای جبران ریسک و خسارت احتمالی ناشی از وضعیت وام مسکن و اعتبارات بانکی در نظر گرفت. این میزان با افزایش نسبت به سال گذشته به حدود ۵۴۰ میلیون دلار رسید. همچنین بانک RBC در بازار سرمایه حدود ۵۸ درصد کمتر از سال گذشته کسب درآمد کرد که میزان آن حدود ۴۷۹ دلار تخمین زده می‌شود. بخش خدمات بانکی نیز با ۹۰ میلیون دلار درآمد حدود ۴ درصد پایین‌تر از سال گذشته ایستاد.

جمع‌بندی

به‌طور کلی در مشاهدات و آمار مربوط به کوارتر سوم در مورد تمام بانک‌های ذکر شده، جدا از مسائل روزمره یک بانک بزرگ، مشکلی که امروزه بیشتر از سایر موارد به چشم می‌آید اثر مخرب افزایش بهره بانک مرکزی بر بخش کردیت، وام و اعتبارات است که باعث شده امسال بانک‌ها بودجه بیشتری را برای جبران خسارت احتمالی یا مدیریت ریسک پورتفولیوهای اعتباری خود ذخیره کنند. بودجه‌ای که در صورت عدم وجود این خطرها، می‌تواند به راحتی موجب گسترش تجارت بانک شود. با وجود اینکه از سوی مدیریت تمام بانک‌های بزرگ بر قدرت بانک و استحکام و ثبات پورتفولیوی وام و مسکن تأکید شده است اما بنا بر مطالعات، در شرایط کنونی احتمالاً در این بخش بانک‌ها بیشتر متحمل ضرر یا کاهش درآمد خواهند شد. به‌ویژه باتوجه به این نکته که بانک مرکزی به‌زودی قصد عقب‌نشینی از ماراتن افزایش نرخ بهره بانکی ندارد.

منابع: وب‌سایت شبکه‌های خبری رادیو کانادا، نشریه لودووار، فایننشال و گلوبال نیوز

اعتبارات مانند بانک CIBC خزانه بیشتری در نظر گرفته و هزینه‌های آن نیز نسبت به سال گذشته افزایش یافته، اما در مجموع از لحاظ درآمد فراتر از انتظار کارشناسان اقتصادی ظاهر شده است. درآمد بانک TD در کوارتر سوم با ۹ درصد کاهش نسبت به سال گذشته به ۳ میلیارد و ۲۱۰ میلیون دلار رسید. درآمد خالص این بانک در بخش retail به مرز ۲ میلیارد و ۲۵۰ میلیون دلار رسید. بانک TD همچنین در سایر بخش‌ها از جمله کارت اعتباری و بیمه رشد داشته است. اما از سوی دیگر با وجود بالا رفتن ریسک در بخش وام و کردیت، پیش‌بینی بانک برای خسارت ناشی از این بخش حدود ۳۵۱ میلیون دلار برآورد شده است که نسبت به سال گذشته ۷۰ میلیون دلار بیشتر است. این نکته را در مورد بانک TD نباید فراموش کرد که در سال جاری، تیم مدیریت بانک مشغول خرید بانک آمریکایی First Horizon بودند و برای الحاق این بانک آمریکایی باید حدود ۱۳ میلیارد دلار هزینه می‌شد که از خزانه‌ای مربوط به همین پروژه پرداخت شده است. همچنین حدود ۶۷۸ میلیون دلار نیز برای ضرر و زیان ناشی از بی‌ثباتی بازار مسکن بر بانک الحاقی در نظر گرفته شد ولی با این وجود بانک TD موفق شد درآمد خالص مثبت در تراز کوارتر سوم ارائه دهد. همچنین در ماه اوت، بانک TD در نظر دارد با ۱ میلیارد و ۳۰۰ میلیون دلار مؤسسه مالی و بروکر سهام با نام Cowen Inc. در نیویورک را نیز خریده و به خود الحاق کند.

گزارش بانک Scotia

این بانک بر خلاف سایر رقبای درآمدی بیشتر از مدت مشابه در سال گذشته کسب کرده ولی به همین نسبت خزانه مربوط به خسارات و ریسک ناشی از بازار مسکن نیز در این بانک نسبت به سال قبل افزایش یافته است. کل درآمد امسال بانک Scotia حدود ۷ میلیارد و ۸۰۰ میلیون دلار بوده که نسبت به سال پیش به میزان اندکی بیشتر شده است. طبق گزارش ارائه شده، سهام این بانک نیز به میزان ۱۰ سنت در هر سهم افزایش یافته است. در کوارتر سوم نیز بانک Scotia با ۵۰ میلیون دلار افزایش موفق به کسب درآمدی بالغ بر ۲ میلیارد و پانصد و نود میلیون دلار شد. مانند سایر رقبای، این بانک نیز با افزودن ۳۲ میلیون دلار بر ذخایر ضرر و زیان مربوط به وام و اعتبارات، مبلغ ۴۱۲ میلیون دلار برای این منظور کنار گذاشته است. بانک Scotia همچنین در بخش بانکداری تجاری و بین‌المللی نیز کارنامه خوبی از خود به جا گذاشته است و به ترتیب با کسب یک میلیارد و دویست میلیون دلار در بخش تجاری و ۶۲۵ میلیون دلار در بخش بین‌المللی، نتایج حاصل از تراز سال گذشته را با حدود ۱۳۰ میلیون دلار پیشرفت در هر یک از بخش‌های ذکر شده پشت سر گذاشته است. البته باید توجه داشت که با وجود عملکرد نسبی خوب در برخی از بخش‌ها، این بانک در بخش بازار سرمایه حدود ۱۳۵ میلیون دلار نسبت به سال گذشته درآمد کمتری به دست آورده است.

گزارش بانک RBC

با اینکه نرخ بالای بهره درآمدهای قابل توجهی در کوارتر سوم نصیب بزرگ‌ترین بانک کانادا کرد ولی به‌مرور افت شدید بازار سرمایه و همین‌طور ضررهای ناشی از نرخ بالای بهره بانک مرکزی موجب شد تا درآمد این بانک نسبت به مدت مشابه در سال گذشته حدود ۷۰۰ میلیون دلار کاهش یافته و به ۳ میلیارد و ۶۰۰ میلیون دلار برسد. میزان کل درآمد بانک نیز با کاهشی



افزایش نرخ انعام در کانادا

انعام ۳۰ درصدی!

شرکت‌های فناوری مالی مانند Square یا Moneris داده‌هایی را در مورد اینکه کانادایی‌ها چند وقت یک‌بار گزینه‌ی انعام ۳۰ درصدی را انتخاب می‌کنند در دسترس نمی‌گذارند.

با این حال، Square تأیید کرد که فعال کردن و سفارشی کردن تنظیمات انعام در پایانه‌های فروش به عهده‌ی فروشندگان و خرده‌فروشان است. برخی از رستوران‌داران گفته‌اند که افزایش گزینه‌های انعام برای مشتریانی که از طریق کارت اعتباری یا نقدی پرداخت می‌کنند می‌تواند نتیجه معکوس داشته باشد، از جمله ژاک تیتزینگتون، مدیر Blue Star Diner در کلگری.

تیتزینگتون که ۲۶ سال تجربه در رستوران‌داری دارد، می‌گوید: «این لزوماً به نفع کارمندان نیست، زیرا فکر می‌کنم وقتی مردم آن را می‌بینند، آن را بیش از اندازه می‌دانند.»

زوئی اسمیت که اخیراً شغل خود را در یک میخانه در ویکتوریا رها کرده تا به مسافرت برود، می‌گوید که انتظار انعام ۳۰ درصدی از مشتریان ندارد.

اسمیت می‌گوید: «وقتی یک کار خوب انجام می‌دهم، بیش از ۱۸ درصد انتظار ندارم. و اگر بیشتر از آن دریافت کنم، خوشحال و سپاسگزارم، اما... همه ما در اینجا برای گذران زندگی در حال مبارزه هستیم.»

بین ژوئیه ۲۰۲۰ و ژوئیه ۲۰۲۲، Square مبلغی را که کانادایی‌ها در تراکنش‌های حضوری انعام داده‌اند، ردیابی کرد. میانگین انعام در سراسر کشور حدود ۱۷ درصد بود که نسبت به دوران قبل از همه‌گیری ۱ درصد افزایش داشته است.

از نظر استانی، بریتیش کلمبیایی‌ها کمترین انعام را دادند - به طور متوسط ۱۶.۷ درصد، در مقایسه با نیوفاندلندی‌ها که بر اساس داده‌های Square، با میانگین انعام ۱۸.۶ درصد، برترین انعام‌دهنده‌های کانادا بودند.

برخلاف ایران که انعام دادن بیشتر امری اختیاری است و نشانه‌ای از گشاده‌دستی و سخاوتمندی انعام‌دهنده، در کانادا مسئله‌ی انعام دادن امری چندان اختیاری نیست و این روزها هم وقتی هنگام پرداخت انعام می‌رسد، از کانادایی‌ها خواسته می‌شود که انعام بیشتری نسبت به قبل پرداخت کنند.

بر پایه‌ی نظرسنجی رستوران‌های کانادا در آوریل ۲۰۲۲، ۴۴ درصد از ۱۵۰۰ کانادایی پاسخ‌دهنده گفته‌اند که انعامی که هنگام صرف ناهار از آنها خواسته شده نسبت به پیش از همه‌گیری کووید بالاتر رفته است.

به گفته‌ی الیزابت کارسون، بَرَس رستوران، میزان انعام درخواستی در حال افزایش است و اعلان‌های مربوط به دستگاه‌های کارت اعتباری که قبلاً اعلام می‌داشتند که ۱۰ تا ۲۰ درصد انعام می‌خواهند، اکنون اعلام می‌دارند که باید ۱۸، ۲۰ یا ۲۵ درصد انعام داد.

کارسون می‌گوید که انعام ۳۰ درصدی هم از او خواسته شده است. او می‌گوید که چون هزینه‌ی غذا و نیز دستمزدها بیشتر شده و صورتحساب‌ها اکنون ۱۰ درصد بیشتر از گذشته است، بنابراین میزان انعام‌ها هم بسیار بالاست، چراکه رقم صورتحساب بسیار بالا رفته است.

کارسون که معمولاً سه تا شش بار در هفته بیرون غذا می‌خورد، در اولین قرنطینه‌ی همه‌گیری متوجه این روند شد.

او می‌گوید: «رستوران‌ها نمی‌توانستند کاری بکنند جز بیرون‌بر. مردم نگران کارکنان رستوران‌ها بودند و بنابراین درصدهای بسیار بالاتری نسبت به سطوح پیشنهادی انعام می‌دادند.»

کارسون می‌گوید که در این میان رستوران‌ها متوجه شدند که مشتریان مایلند بیشتر انعام بدهند، بنابراین شروع به درخواست انعام بیشتر کردند.

چگونگی تقسیم انعام می‌تواند متفاوت باشد در کانادا، کارمند یا کارفرما می‌تواند تقسیم انعام‌ها را کنترل کنند.

در رستوران‌هایی که خدمه تمام انعام‌ها را از مشتریان جمع‌آوری می‌کنند، اغلب درصدی از این درآمد را به همکاران خود، مانند ظرف‌شورها و آشپزها، می‌دهند.

هنگامی که انعام توسط کارفرما کنترل می‌شود، می‌توان آنها را با هم جمع کرد و از طریق یک ترتیب تقسیم انعام که در یک قرارداد کاری تعیین شده است، بین کارکنان توزیع کرد.

در برخی موارد، صاحبان رستوران‌ها انعام‌ها را می‌گیرند. با این حال، این عمل در انتاریو، کبک و نیوبرانزویک و در بسیاری از حوزه‌های قضایی دیگر، از جمله آلبرتا، غیر قانونی است.

زمانی که شان گاندوسی در یک پیتزافروشی در کلگری کار می‌کرد، هرگز رنگی از انعام ندید. گاندوسی می‌گوید: «ما گزینه‌ی انعام در دستگاه فروش در آنجا داشتیم... و انعام زیادی که برخی شب‌ها به ۱۰۰۰ دلار هم می‌رسید داده می‌شد، اما هیچ‌یک از این پول اصلاً به دست ما نرسید.»

بدون توجه به درصد، بپرسید چه کسی انعام را می‌گیرد

گاندوسی می‌گوید که او معتقد است اکثر مشتریان از این که انعام آنها به صاحبان رستوران داده می‌شد و نه کارکنان، بی‌اطلاع بودند.

او می‌گوید: «مثل زمانی است که شما یک شیشه‌ی انعام دارید. شما فرض می‌کنید که اگر پولی را در شیشه انعام بگذارید، شخصی که می‌بینید، همان کسانی است که انعام را می‌گیرد.»

کارشناسانی می‌گویند اگر مشتری می‌خواهد بداند انعام او به کجا می‌رود، باید بپرسد.

منبع: وب‌سایت شبکه خبری رادیو کانادا

SHEMIRAN
Auto Services

اتوسرویس شمیران

تعمیر و خدمات انواع خودرو

- فروش انواع لاستیک تا ۸۰ دلار تخفیف
- جلوگیری از زنگ زدگی Rust Proofing
- تعمیرات ترمز و جلوبندی

سرویس و خدمات
در کوتاه‌ترین زمان
کیفیت مطلوب و قیمت مناسب



514-487-6262
5755 Maisonneuve W. Montréal, QC H4A 2A1
www.autoshemiran.com



Panneton & Panneton

Moving & Storage

تخفیف ویژه برای
هموطنان عزیز
در نظر گرفته
شده است.

خدمات انبارداری پنتون و الیمپیا

- ✓ بیش از ۵۰۰ فضای انبار در اندازه‌های مختلف
- ✓ تمیز و ایمن با دوربین‌های نظارتی
- ✓ سیستم‌های اعلام خطر و کنترل دما
- ✓ ۷ روز هفته قابل دسترسی

514 939 0099
8660 Jeanne Mance,
Montreal, QC H2P 2S6

info@pannetonpanneton.com

RE/MAX RE/MAX Platine
Agence Immobilière

رکسان صمیم

مشاور املاک مسکونی

Cell: 438-397-3212

با آشنایی کامل به مونترئال و حومه
خدمات کامل را برای خریداران
مسلط به زبان فرانسه و انگلیسی
همراهی در تمامی مراحل خرید و فروش



Roxanne Sameem
Residential Real Estate Broker
Remax Platine
1850 Av. Panama #110
Brossard, QC J4W 3C6
Rokhan.sameem@remax-quebec.com
www.rsameem.com

Pharmacie
Golnasim Riahi

داروخانه دکتر گل نسیم ریاحی

اولین داروخانه آنلاین فارسی زبان در کانادا

www.riahipharma.com
Tel: (514) 519-3060



- نوشتن نسخه
- واکسیناسیون
- تست‌های پزشکی
- مشاوره درمانی
- دریافت نسخه
- دسترسی آنلاین
- انستال پرونده

ارسال رایگان
در کبک و اونتاریو

1111 Boulevard Dr. Frederik-Philips, Suite 600
Montreal, Quebec H4M 2X6
514 519 3060 438 600 3691
www.riahipharma.com info@riahipharma.com



سینما
جامعه
دیدگاه



» فیلم جاده خاکی

بزن به جاده خاکی، فیلمی از پناه پناهی

و غرق خواب است پسر در کادر قرار می‌گیرد و به مادرش که در خواب است نگاهی می‌اندازد دور ماشین می‌چرخد و پسر در پشت ماشین به شیشه‌ی عقب استیشن می‌زند و پیداست دارد با حیوان خانگی چاق سلامتی می‌کند به سمت ماشین می‌آید از کنار پدرش بطری آبی برمی‌دارد و پشت به ماشین دستش را می‌شوید و آبی سر می‌کشد و عنوان «جاده خاکی» نمایان می‌شود. در تمام این مدت دوربین داخل ماشین است بعد از آن هم داخل ماشین برمی‌گردد. مادر چشمش را باز می‌کند و رو به دوربین انگار در آینه وسط نگاه می‌کند می‌پرسد: «کجاییم؟» و پسر سر بالا می‌آورد و با نگاه هراسان می‌گوید: «مردیم» و این جوهره‌ی مضمونی تمام فیلم است خانواده‌ای که انگار مرده‌اند و ما را پرت می‌کند به سکانسی از «مسافران» (به کارگردانی بهرام بیضایی) که «مهتاب» (هما روستا) رو به دوربین می‌گوید: «ما

همه می‌میریم» دلمان می‌لرزد. فیلم شروع می‌شود پسر رانندگی می‌کند. مادر صندلی جلو نشسته است و پدر با پای شکسته‌ی گچ گرفته شده در صندلی عقب است و پسرک کوچک و رجه رجه می‌کند و بامزه‌گی‌اش به جمعی که به نظر می‌رسد اندوهی پنهان در آن جریان دارد لبخند می‌نشانند و سگ پیر و بیماری به نام جسی، همان که در آغاز فیلم در پشت استیشن بود، در ماشین است. به نظر می‌رسد رازی در بین جمع است که می‌خواهند از چشم پسرک پنهان بماند نخست تصور می‌کنیم بیماری و مرگ زود هنگام جسی آن راز است اما بعد متوجه می‌شویم نه موضوع چیز دیگری است خانواده دارد به مرز می‌رود تا پسر بزرگ‌تر را پنهانی از مرز خارج

که جواز بین‌المللی بسیاری برای ایران به ارمغان آورد و اکنون در زندان جمهوری اسلامی به سر می‌برد چه ساخته است و دیدند پسر فیلم متفاوتی ساخته است. می‌توان سبک و سیاق سینمای پناهی پدر را دوست نداشت اما «جاده خاکی» پناهی پسر را دوست داشت.

«جاده خاکی» در بزرگ‌راه‌های جهانی به پیش تاخت و در بخش اصلی پنجاه و نهمین دوره جشنواره‌ی فیلم نیویورک پخش شد در بخش اصلی شصت و پنجمین دوره جشنواره بین‌المللی فیلم لندن برنده جایزه‌ی بهترین فیلم شد و همین‌گونه دارد با شتابی روزافزون به راه خود ادامه می‌دهد اما در کشور خودش در جاده‌ای خاکی پُر سنگلاخ می‌لغزد و بکسواد، در زبان مردمی بوکس‌وباد، می‌کند و به تازه‌گی سر از بسترهای نمایشی خانگی درآورده است حالا دسترسی عمومی دارد و می‌شود آن را دید و درباره‌اش نوشت.

«جاده خاکی» فیلمی در ژانر و گونه‌ی جاده‌ای محسوب می‌شود و سفر خانواده‌ای را به تصویر می‌کشد که دارند به سمت مرز حرکت می‌کنند. در نخستین پلان سکانس افتتاحیه فیلم، دوربین که سردست است، نمای بسته‌ی دست پسرکی (رایان سرلک) را نشان می‌دهد که روی پای گچ‌گرفته‌ی پدرش خسرو (حسن معجونی) دکمه‌های پیانوی کشیده شده‌ای را می‌نوازد و پدرش به سر او دست می‌زند، که نوازش است درعین حال اعتراض که یعنی نکن، دوربین تیلت می‌کند و پدر را می‌بینیم که غرق خواب است پسر بزرگ (امین سمیاری) در پس‌زمینه دارد ادرار می‌کند و بعد به سمت ماشین حرکت می‌کند و دوربین می‌چرخد به سمت مادر (پانته‌آ پناهی‌ها) که صندلی جلو نشسته است

در تمام حرفه‌ها و شغل‌ها گاه فرزندان راه پدر و مادر را درپیش می‌گیرند و در بسیاری از موارد ممکن است هم‌سطح یا حتی بالاتر از والدین خود بروند. در هنر هم چنین است. برخی از اهالی هنر، چه در رشته‌های فنی چه در رشته‌های هنری، راه بستگان و والدین‌شان را در پیش می‌گیرند و بازیگران و فیلم‌سازان نیز از این قاعده مستثنا نیستند و گاه فرزندان، یا حتا نوه‌هایی، در سکوی بالاتری نسبت به والدین و اجداد خود می‌ایستند. مثال فراوان از ایران و جهان می‌توان آورد اما داشتن والدین مشهور آفتی هم دارد که زیر سایه‌ی سنگین شهرت پدر و مادر فرزند نمی‌تواند رشد کند و همیشه باید تلاش کند خود را از زیر این سایه بیرون بکشد تا تشخیص عینی خود را پیدا کند. مثال برای فرزندان که موفق شدند از زیر سایه پدران و مادران مشهور خود بیرون بیایند و خود صاحب شهرتی مستقل شوند زیاد است و یکی از آن‌ها پناه پناهی است که راه پدر خود جعفر پناهی را دارد ادامه می‌دهد هرچند پناه پناهی در فیلم‌های پدر به سینما راه پیدا کرد و از او بسیار آموخت اما اکنون به سبک و سیاق فیلم‌سازی خودش رسیده است و سینمای پناهی پسر کاملاً از پناهی پدر جداست و دنیا و دغدغه‌هایشان، هرچند هم‌جهت، اما کاملاً متفاوت است.

پناه پناهی در نخستین فیلم خود، «جاده خاکی»، توانست توجه جهانی را به خود جلب کند. این فیلم در بخش دوهفته کارگردانان هفتاد و چهارمین دوره‌ی جشنواره‌ی کن و بخش افق‌های پنجاه و دومین دوره‌ی جشنواره‌ی کارلووی واری به نمایش درآمده است و مورد استقبال قرار گرفت. هرچند بسیاری کنجکاو بودند ببینند فرزند جعفر پناهی



نماهایی از فیلم جاده خاکی ساخته پناه پناهی؛ پانته‌آ پناهی‌ها و حسن معجونی و رایان سرلک



حسن معجونی و پانته‌آ پناهی‌ها در یک صحنه از «جاده خاکی»

مردم دیدنی و دل‌نشین باشد و افسوس که اکران عمومی گسترده نگرفت.

دو تا از بهترین سکانس‌ها و صحنه‌های فیلم یکی صحنه‌ای هست که پدر در لباس فضانوردی خوابیده است و پسرک روی او دراز کشیده است و کم‌کم ستاره‌ها یکی یکی نمایان می‌شوند و پنداری پدر و پسر در فضایی بی‌کران معلق هستند و این شاید نشان از تعلیقی دارد که چند نسل از مردم ایران گرفتار آن هستند. یکی دیگر از صحنه‌های بسیار دیدنی حدود پایان فیلم اتفاق می‌افتد زمانی که «جسی» مرده است و در وسط کویری لم‌بزرع خاکش می‌کند و خسرو بر سر گور جسی نشسته است و پسرک بر سر شانه مادر دارد و سرش را بالا می‌آورد و شعری از ابی را لب می‌زند و آن قدر این کار را خوب انجام می‌دهد که دل را می‌لرزاند.

یکی از شیوه‌های نقطه‌گذاری پناهی در «جاده خاکی» این است که شخصیت‌ها تک‌تک جلوی دوربین می‌آیند و به منظره‌ی روبه‌رویشان خیره می‌شوند پنداری می‌خواهد جای جای کشوری که دوست دارند را در حافظه ذخیره کنند انگار با رفتن پسرشان خودشان هم قرار است بروند. این شیوه‌ی نقطه‌گذاری اثر را شاخص کرده است.

بازی‌ها همه خوب هستند. حسن معجونی بازی همیشگی‌اش را دارد و پانته‌آ پناهی‌ها یک سرگردان از بسیاری از بازی‌هایش بالاتر است امین سیمیار با آن‌که در چارچوب فیلم‌نامه خوب بازی کرده است اما کمی زمخت است و می‌توانست لطیف‌تر باشد اما بازی رایان سرلک بی‌نظیر است بسیار بالاتر از

کنند. اما شرط پسر بزرگ این بوده است که در طول مسیر اندوهگین نباشند و هیچ‌کسی در مورد این سفر ناگزیر حرفی نزد. البته خودش سراپا اندوه است.

خود پناه پناهی در گفت‌وگویی با کارلوس آگیلار در نیویورک‌تایمز در پاسخ به این سؤال آگیلار: «می‌دانم که به خاطر همین، خواهرت، سولماز پناهی، مجبور به ترک ایران شد. خروج او چه تاثیری در خلق «جاده خاکی» داشت؟» می‌گوید: «به لحاظ عاطفی الهام‌بخش فیلم بود. پدرم تصمیم گرفت خواهرم [که در فیلم او بازی کرده بود و در مقطعی بازداشت شد] کشور را ترک کند، چون از او برای تهدیدکردن پدرم استفاده می‌کردند. ما دوستان‌مان را دعوت کردیم تا پیش از رفتن او دور هم باشیم. خیلی خوب یادم می‌آید که همه‌ی ما سعی می‌کردیم قیافه‌ی شادی به خودمان بگیریم و آهنگ گوش کنیم تا او را ناراحت نکنیم ولی گاهی می‌دیدم یکی می‌رفت یک گوشه گریه می‌کرد. احساسات متفاوت آن شب با من ماند و احتمالاً این پروژه را تغذیه کرد.» «ترجمه کامل این گفت‌وگو در وب‌گاه نشر نبشت (nebesht.com) موجود است.»

پای گچ گرفته پدر ما را نابه‌خویش یاد ۲۰ سال ممنوعیت جعفر پناهی در فیلم‌سازی می‌اندازد و خلق تنگ و متغیر مادر تمام خلق‌های تنگ مادرانی است که جگرگوشه‌ی خود را با فرق شکافته در خیابان دیده‌اند یا با حلق فشرده بر سر دار و یا مجبور شدند دل از آنان بکنند تا برای حفظ جانشان به تبعیدی خودخواسته به‌سوی سرنوشتی نامعلوم بروند و پسرک شوخ‌وشنگ نسل دهه‌ی نودی‌هاست که هیچ سنخیتی با آن‌چه جمهوری اسلامی می‌خواست ندارند و به‌جای آن که حافظه‌شان با «سلام فرمانده» پر باشد با ابی و هاید و شهرام شب‌پره پر است.

انتخاب فیلم جاده‌ای هرچند جزو ضروریات مضمونی داستان پناهی پسر است اما اساساً راهکاری است برای دورزدن سانسور که فیلم‌سازان را مجبور می‌کند زنان حتی در خانه و زیر سقف حجاب اسلامی داشته باشند و این از نظر هر بیننده‌ای که با سرزمین عجایبی که جمهوری اسلامی از ایران ساخته است آشنا نیستند بسیار عجیب و غریب است. البته مسلماً با این راه‌حل نمی‌شود فیلمی ساخت که مخاطب وسیعی داشته باشد. هرچند پناهی با پخش موسیقی‌های دوران قبل از جمهوری اسلامی و فضای شوخ و سنگی که ساخته است توانسته فیلمی بسازد که برای همه‌ی

است گاهی کمی بهتر می‌شود و گاهی بسیار بدتر و البته روند این چهل و چند سال به‌سوی تباهی بوده است و سال‌به‌سال دریغ از پارسال.

خبر خوب آن که فیلم «خرس نیست» جعفر پناهی به رودی در جشنواره جهانی فیلم تورنتو به نمایش در می‌آید که حتماً گزارش مفصلی از آن در همین هفته‌نامه داده خواهد شد.




▶ پاتنه‌آ پناهی به همراه هنرپیشه خردسال رایان سرلک

«زیرخاکی» ظاهر شده است. البته ظاهراً او از کودکی دابسمش تمرین می‌کرده است برای همین است که در اجرای دابسمش‌ها بسیار بهتر از دیگران ظاهر می‌شود قطعه «شب زده» ابی را که آهنگ‌سازی و تنظیم آن کار واروژان است و شعر آن را زویا زاکاریان سروده است آن‌قدر زیبا اجرا می‌کند که شاید بیشتر از اجرای خود ابی اثرگذار باشد. این که وجود توانایی دابسمش سرلک موجب شده است این دابسمش‌ها در اثر بیایند یا برعکس چون سرلک قبلاً نشان داده بود تبحر خاصی در اجرای دابسمش دارد برای این نقش انتخاب شده است را نمی‌دانیم اما هر چه هست نتیجه‌ی کار درخور است. رایان سرلک که با این سن کمش روی صحنه‌ی تئاتر بازی کرده است و در سریال و فیلم سینمایی هم حضور داشته است بی‌شک در «جاده خاکی» برای خودش اعتبار هنری بالایی خریده است. امید که در مرداب تیره‌وتار جمهوری اسلامی آلوده نشود و بتواند از این‌پس در هر فیلم یک‌قدم بالاتر بایستد.

پناه پناهی با اولین فیلم خود توانست نشان دهد که فیلم‌ساز است فیلم‌سازی که ممکن است اگر همین‌گونه ثابت‌قدم جلو رود پدر را پشت سر بگذارد و معمولاً برای پدران و مادران چیزی لذت‌بخش‌تر از این نیست که ببینند فرزندانشان از آن‌ها جلو زده‌اند و در مدارج بالاتری قرار گرفته‌اند. اما برای این قضاوت هنوز زود است زیرا بسیاری اولین کارشان درخشان بوده اما بعد دیگر هیچ اثر درخشانی از خود نشان ندادند و بدتر از آن به قهقرا هم رفتند. زیرا فیلم‌های اول کارگردانان از ناخودآگاه آنان می‌جوشد اگر این ناخودآگاه به سطح آگاهی بیاید باید دید این آگاهی چقدر عمیق است اگر چندان عمیق نباشد سقوط آغاز می‌شود. امیدوارم فیلم‌های بعدی پناه پناهی همین‌طور حسی و جوشیده از درون باقی بماند و به سرنوشت بسیار بدی که بسیاری پیدا می‌کند و با ساخت فیلمی گرد جهان می‌گردند اما فیلم بعدی‌شان مایوس‌کننده است دچار نشوند.

اکنون که این سطور را می‌نویسم جعفر پناهی در زندان است تمام هنرمندان جهان یک‌پارچه بر سر جمهوری اسلامی فریاد می‌کنند اما جمهوری اسلامی خود را به کری زده است و بعید نیست محمد رسول‌اف و جعفر پناهی و مصطفی‌آل‌احمد گروگان‌هایی باشند برای باج‌خواهی از غرب و امضای توافق‌نامه‌های هسته‌یی و بازگشتن دوباره‌ی دست جمهوری اسلامی در ترورهای برون‌مرزی. به‌رحال تا جمهوری اسلامی هست اوضاع همین



معرفی:
درباره نویسنده:
مصطفی‌عزیزی،
کارگردان، تهیه‌کننده و
نویسنده سینمایی است.



PARASTOOK.COM

**این مقاله توسط خانه‌ی کتاب
پرستوک حمایت شده است**

دوزبانگی، استقلال کبک و مردی که تخم مرغ می گذارد

مقاله‌ای از ریشار مارتینو، مجری رادیو و تلویزیون، وقایع نگار و روزنامه‌نگار کبکی



این هستند که شرایط زندگی خود را بهبود بخشند. آیا صحبت کردن به زبان فرانسوی به آن‌ها کمک خواهد کرد تا در تورنتو یا ساسکاتون شغل مناسبی برای خودشان پیدا کنند؟ خیر.

طولی نخواهد کشید که تعداد کانادایی‌هایی که به زبان ماندارین یا هندی صحبت می‌کنند، بیشتر از فرانسوی‌زبان‌ها خواهد بود. آن روز، اگر تا حالا از راه نرسیده باشد، باید فاتحه افسانه دوزبانگی کانادا را بخوانیم.

حتی دادستان کل کانادا هم فرانسوی صحبت نمی‌کند، آن وقت از مهاجران انتظار داریم که فرانسوی یاد بگیرند. واقعاً این طرز تفکر جالب است! من نمی‌دانم پل سن-پیر پلاموندون، رئیس حزب کبکی، چگونه با دیدن این شرایط توانسته است آرامش خود را حفظ کند. من اگر جای او بودم سرم را به دیوار می‌کوبیدم.

برای کبک ماندن در کانادا هیچ مزیتی ندارد. از نظر اکثر قریب به اتفاق کانادایی‌ها، کبکی‌ها فقط یکی از جوامع قومی در میان دیگر جوامع کانادایی هستند. زبان فرانسوی هم مهم‌تر از زبان ترکی نیست. مخالفت ما با چندفرهنگ‌گرایی در حقیقت نشان‌دهنده ناشکیبایی و عدم بردباری ماست و لائیسیتته‌ای که برای ما این همه اهمیت دارد، از نظر دیگران ننگ و شاید حتی جنایت باشد.

منبع: وبسایت شبکه خبری ژورنال دو مونریال

قطعاً این وضعیت برای همیشه دوام نخواهد داشت. در واقع احتمال این که ببینیم مردی تخم می‌گذارد بیشتر است از این که ببینیم کانادا بقای زبان، فرهنگ و ملت کبک را تضمین می‌کند.

افسانه دو زبان رسمی برای کانادا محکوم به فروپاشی است. آیا این روزها آمار و ارقامی را که منعکس‌کننده وضعیت زبان فرانسوی در کانادا است، دیده‌اید؟ آیا به جز واژه فاجعه‌بار برای توصیف آن واژه دیگری به ذهنتان می‌رسد؟

زبان فرانسه با سرعت زیادی در سراسر سقوت حرکت می‌کند.

اگر باتوجه به وضعیت موجود هنوز هم فکر می‌کنید که این شرایط برگشت‌پذیر است، در واقع برادران را به جای مرغ گرفته‌اید.

بالاخره یک روز باید چشم‌هایمان را باز کنیم و بیدار شویم و رؤیاهایم و آرزوهایمان را به جای واقعیت بگیریم. قبول کنیم که زبان فرانسوی در کانادا به همان اندازه شانس بقا دارد که زبان ژاپنی در سوئد.

آیا فکر می‌کنید مهاجرانی که کانادا را برای زندگی جدید انتخاب می‌کنند، انگلیسی و فرانسوی را یاد خواهند گرفت؟ آیا شجاعت و جسارت فرانکوفن‌هایی که حدود ۵۰۰ سال پیش در ساختن کانادا مشارکت داشتند، برای آن‌ها قابل احترام خواهد بود؟

بباید واقع‌بین باشیم.

مهاجرانی که با تحمل سختی‌ها و مرارت‌های فراوان به کانادا مهاجرت می‌کنند، پیش از هر چیز به فکر

صحنه‌ای از فیلم «آنی هال» ساخته وودی آلن به‌راحتی از ذهن‌ها پاک نمی‌شود. در این صحنه قهرمان داستان به نام آلوئی سینگر که خود وودی آلن نقشش را بازی می‌کند، مشغول تعریف کردن یک جوک است. او می‌گوید: «یک نفر پیش روانپزشک می‌رود و می‌گوید که برادرش دیوانه شده، چون فکر می‌کند که یک مرغ است.» دکتر می‌پرسد که خب، چرا برادرت را اینجا نمی‌آوری تا درمانش کنیم؟ مرد پاسخ جالب و تامل برانگیزی می‌دهد: «همین کار را می‌خواستم بکنم، اما فکر کردم که به تخم‌مرغ‌هایش احتیاج دارم.»

این ماجرا دقیقاً حکایت امروز کبک در برابر نظام فدرالیسم کانادایی است. چرا کبک همچنان می‌خواهد در کانادا بماند درحالی که همه شاخص‌ها نشان می‌دهد که فدرالیسم کانادا برای آینده مردم این استان زیان‌بار است؟

پاسخ واقعی این است: «ما دوست داریم از کانادا جدا شویم اما به همه امتیازات و مزایایی که کانادا به ما می‌دهد، نیاز داریم. به عبارت دیگر ما به تخم‌مرغ‌های کانادا نیاز داریم.»

این در واقع همان پاسخ دیوانه‌کننده است و کبک در همان موقعیت فزاینده‌ای قرار گرفته که وودی آلن در جوک خود به تصویر کشیده است.

ماندن کبک در کانادا به‌منظور استفاده از «مزایای فدرالیسم» مانند پناه‌دادن به مردی است که خیال می‌کند مرغ است زیرا چنین تصویری به ما این امکان را می‌دهد که تخم‌مرغ‌های مفتی داشته باشیم.



ا
Twin Muse
Piano Academy

Académie de Piano TwinMuse
(514) 814-1749
twinmuse.ca

استاد شیدا قره چه داغی
اهنگساز پیانیست

چند شاگرد پیشرفته پیانو می پذیرد
جهت آماده شدن برای امتحان های
دانشکده ها یا مدارس عالی
موسیقی و کنسرت

514 484 8748
sheida.g@hotmail.com

Ottawa Persian Radio
www.PersianRadio.net

نماشوم

هر دوشنبه شب از ۷ تا ۹
از اکتبر ۲۰۰۱ تا کنون

ما ادعای کنیم که حرفی برای گفتن داریم!

Ottawa Persian Radio
Namaashoum
Every Monday 7-9 PM Since Oct. 2001
www.PersianRadio.net

راد یونماشوم
اولین رادیو پارسی زبان مردم اتاوا

نماشوم همیشه جویای همکاری همکاران تازه است
www.PersianRadio.net

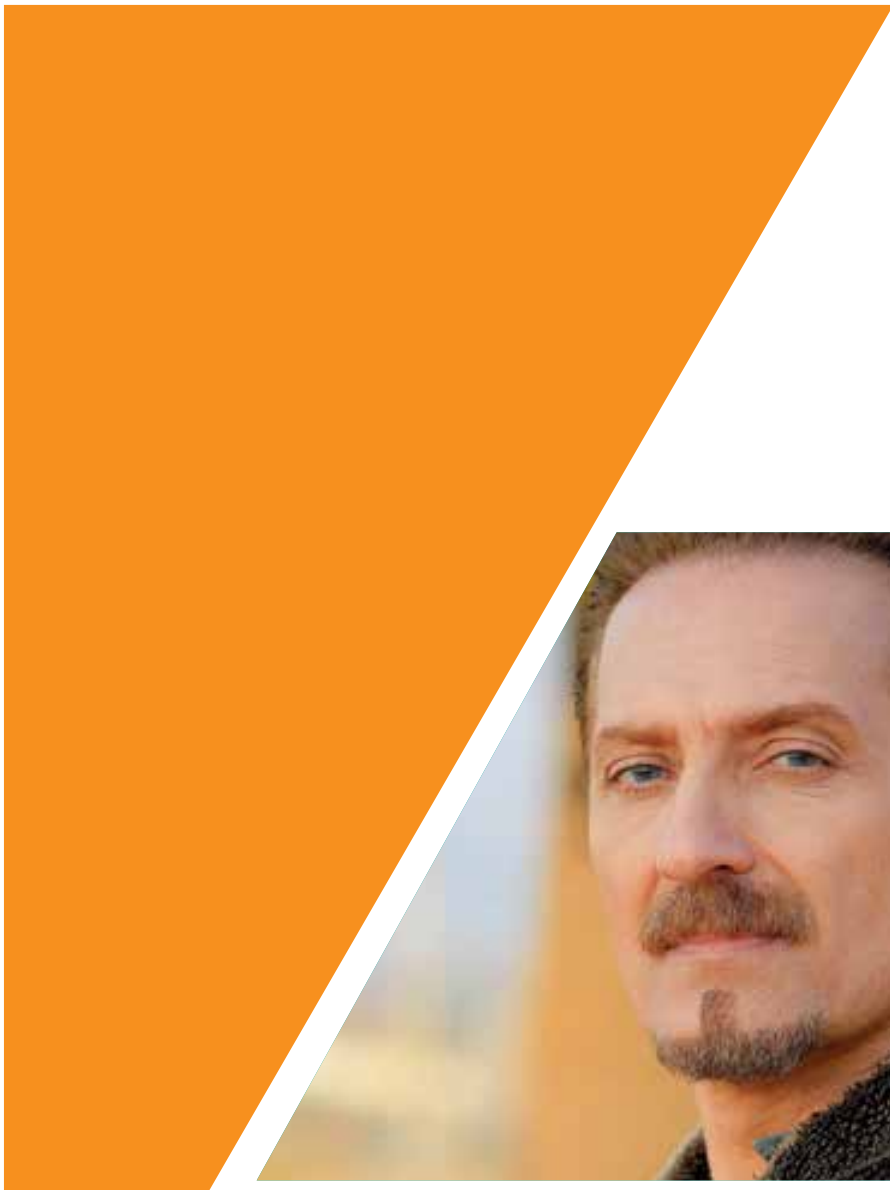
https://t.me/ottawaradio
@namaashoum_radio

صابر جلیل زاده

آموزش سنتور

ابتدایی
مقدماتی
ردیف

saberjalilzadeh@yahoo.ca 514-549-4697



آريانا
مقاله
گزارش



یک سال از سلطه دوباره طالبان گذشت فرهاد دریا به «هفته»: این روز به عنوان روز پر از زهر در تقویم افغانستان حک خواهد شد



شکست افغانستان، شکست و تسلیمی جهان متمدن در برابر یک گروه بدوی و عصر حجری، تروریستی و عقب مانده است. اما این پایان کار نیست. تاریخ به یاد دارد ما ملتی هستیم که پس از هر افتادن چگونه بلند شویم و استوار بیایستیم. ما شکست می‌خوریم اما هرگز تسلیم شکست نمی‌شویم. ما می‌دانیم که پس از هر اشغال چگونه سرود آزادی را فریاد کنیم.

در سالگرد یکساله‌گی آمدن طالبان؛ گروهی از زنان در خیابان‌های کابل، در مقابل مردان شلاق به دست در حالی که تفنگ‌های‌شان می‌غرید، با شجاعت تمام بدون ترس فریاد کار، نان و آزادی را سر دادند. این است نسل امروز افغانستان.

جایزه و تندیس شجاعت جهان باید امسال و هر سال دیگر به زنان مبارز و شجاع افغانستان اهدا گردد. فقط خدا و خود افغانستان می‌داند.»

نیلوفر نایبی فعال حقوق زن در این باره به هفته می‌گوید:

«سرنوشتی که جز بدبختی، فقر، وحشت، نقض همه حقوق انسانی و سیاه‌روزی هیچ چیز دیگر برای مردم به همراه نداشت.

در ظرف این یک سال و در مقابل چشم جهانیان و به اصطلاح مدافعان حقوق بشر، حقوق اساسی مردم ما کاملاً نقض شد و مردم ما خصوصاً قشر زنان شاهد سردادن شعارهای دور از عمل جهانیان بودند. در حالیکه مردم ما هر روز بیشتر از پیش به قهقرا می‌روند و به عقب برمی‌گردند

این گروه در نخستین روزهای ورود به کابل مدعی شدند که سیاست‌ها و راهکردهای‌شان نسبت به دوره اول حکومتشان تغییر کرده، اما حاکمیت یک‌ساله آن‌ها نشان داد که تغییری در تفکرات افراطی آن‌ها ایجاد نشده است. کاربران شبکه‌های اجتماعی در اولین سالگرد سقوط کابل به‌عنوان روز «سیاه افغانستان» یاد کرده و نوشته‌اند این کشور تحت حاکمیت طالبان ۲۰ سال به عقب برگشته است.

فرهاد دریا آوازخوان پرآوازه همزمان با یکساله‌گی امارت اسلامی به هفته می‌گوید:

«آه که این روز را زندگی کردن، آن را به یاد آوردن و در مورد آن حرف زدن چقدر سخت و دردآور است. موزیم تاریخ سیاسی افغانستان مملو از تراژیدی‌های بی‌شمار است. اما پانزدهم آگست برای همیشه به عنوان روز پر از زهر در تقویم افغانستان حک خواهد شد.

درست یک سال پیش در چنین روزی زندگی در افغانستان متوقف شد. در این روز یک ملت را اهانت کردند و کوچک شمردند و به گروگان گرفتند. افغانستان از سوی گروه‌های معلوم‌الحال تروریستی نیابتی کشورهای منطقه و جهان اشغال شد. متأسفانه این همه در برابر چشمان جهان متمدن اتفاق افتاد - جهانی که خودشان هم به نحوی در این سقوط سهم داشتند. سقوط افغانستان سقوط ارزش‌ها در جهان است.

یک سال قبل از امروز سرنوشت سیاهی برای مردم و جغرافیای افغانستان رقم زده شد. جمهوری سقوط کرد و طالبان روی کار آمدند. بعد از سقوط جمهوری و روی کار آمدن امارت اسلامی نه مردم نان و کار یافتند و نه هم آرامش روحی و روانی و برعلاوه صدها و هزارها مغزهای متفکر و روشن‌ضمیر مجبور به ترک افغانستان شدند.

آزادی بیان و رسانه‌ها که یکی از عمده‌ترین دستاوردهای دوره جمهوری در سطح بین‌الملل دانسته می‌شد؛ در دوره امارت، اوضاع برعکس شد و افغانستان در قعر جدول کشورهایی که آزادی بیان را رعایت نمی‌کنند، فروافتاد. مشکلات اقتصادی و وضع برخی محدودیت‌ها از عمده‌ترین چالش‌های دربرابر رسانه‌ها در دوره ا. ا. دانسته می‌شود.

پس از تسلط طالبان بر کابل، برخی از افغان‌ها برای فرار از شرایط جدید، خود را از چرخ‌های هواپیما آویزان کردند، گروهی پای پیاده به سمت ایران و پاکستان رفتند، دسته‌ای دیگر نیز خود را به سفارت‌خانه‌های اروپایی رساندند تا به‌عنوان پناهنده پایشان به اروپا باز شود. به نظر می‌رسد وقایع آگست ۲۰۲۱ از خاطره جمعی مردمان افغانستان پاک نخواهد شد.

تسلط دوباره طالبان بر افغانستان و سقوط حکومت پیشین، این کشور را در بحران عظیم سیاسی، اقتصادی، امنیتی، اجتماعی و انسانی فرود برد که با گذشت یک سال نه‌تنها از آن کاسته نشده بلکه هر روز در حال افزایش است.

احجاز تولد

روی سینه وی فشار می‌آورد و طاقت‌فرسا می‌شد، نفسش را بند می‌گردید و چنگ به ذوق آن سال‌های می‌زند که نویدش زنده بود. با خلق تنگی دست‌هایش را به سرش می‌فشرد و غم به بزرگی کوه بر دلش چنان بی‌رحمانه هجوم می‌آورد که عاجل اتاق را ترک می‌کرد.

یگان وقت کت‌کت خنده‌های نوید در گوش‌های مادر، تازه می‌شد که گله‌آمیز می‌گفت:

لطفاً، مادر جانی؛ شور نخور که بگیرمش... همین که دستش به آن شعاع‌ها می‌رسید، از ته دل خنده‌های مستانه می‌کرد؛ و حالا... اشک زلالی از گوشه‌های چشمان خسته‌ای مادر جاری می‌گردید که بر درد و غم تسکین‌ناپذیر او می‌افزود. دیگر آن اشک‌ها آستن ذوق و خوشی نبود که دل مادر را سرشار از امید داشتن چنان پسری نماید؛ نوید طفل خیلی ذکی و استثنایی بود. گوشت‌آلود، سبزه چهره با چشمان بزرگ و لبان خندان که قیافه‌اش همیشه پر از هیجان و نشاط بود. از هیجان‌ات خنده‌های پسرک، نشاطی بر دل مادر موج می‌زد که نوری به دلش بدرخشد و خوشی به جای غم در دلش سایه افکند. اکنون دیگر آن اشک‌ها سیل‌آسا شده بود که صبر و قرار مادر را مواج گونه با خودش می‌برد و طوفان دلش را سهمگین‌تر، طغیانی‌تر و مخرب‌تر نشان می‌داد، بی‌تابش می‌کرد و آرامش را از وی می‌گرفت. حالا؛ وقتی هر لمه‌ای که نور خورشید به داخل اتاق رخنه می‌کرد و نقوشی بر روی دیوار مقابل پنجره رسم می‌نمود یا نمی‌نمود، دل از دل خانه‌ای مادر می‌برد. وی از وارد شدن به اتاق چنان هراس داشت که از ترس مرگ پسرش داشت. به یاد خنده‌های نوید ناخودآگاه اشکش جاری می‌گردید و آه از نهادش بیرون می‌شد. دست زیر الاشه می‌نشست و بر بیچاره‌گی و ناتوانی بندگی خود افسوس می‌خورد.

بیشتر از یک سال نشده بود که دیگر گمشده‌اش در

آخرهای فصل تابستان بود. خورشید از اینکه از حرارتش کم‌کم کاسته می‌شد، در پهنه‌ای آبی‌رنگ آسمان لبخند به زورکی می‌زد. انوار خورشید به آهستگی طرف زمین می‌آمد و تا طبقه‌ای زیرین خانه‌ای گروهی مادر نوید می‌تابید، نور ضعیفش در تک پنجره‌ای اتاق برای یک ساعت یا کمتر نفوذ می‌کرد، بر درودیوارهای سفیدکاری اتاق درخشش موقت می‌داد و به‌زودی می‌رفت. مادر در کنار پنجره می‌نشست تا از گرمی اندک آفتاب بهره‌ای بگیرد. انعکاس دکمه‌های پیراهنش به دیوار مقابل نقوشی را ترسیم می‌نمود که نوید، پسر خوردرسال وی را به وجد می‌آورد. او وقتی می‌دید که اشعه‌ای منعکس شده دکمه‌های پیراهن مادرش در حال نوسان است؛ جست‌وخیز می‌زد تا آن‌ها را بقاپد. بلندبلند می‌خندید و تلاش می‌کرد به تک‌تک شعاع‌های رنگین دست بزند. مادر قصد تغییر موقعیت می‌داد، نوید از جست‌وخیزی می‌ماند و گله‌آمیز فریاد می‌زد:

نه. مادر جان؛ شور نخور که بگیرمش، لطفاً شور نخور... مادر از خنده‌های بلندبلند او حظ می‌برد و خوشی پسرش موجی از امید در دل وی تولید می‌کرد. آن روز هم از همان روزهای بود که اشعه‌ای زرین‌فام خورشید از آرسی عبور نموده و بر روی اتاق لمیده بود. مادر دست زیر الاشه، به تفکر دورودرازی که به انتهای نمی‌رسید غرق بود؛ دیگر نقوشی در دیوار اتاق نمی‌تابید و به رنگ پریده و غم‌انگیز مادر شادابی گذشته معلوم نمی‌شد؛ زیرا دیگر آن دست‌های کوچک وجود نداشت که به هر یک از نقش‌ها دست بزند و قهقهه بخندد. دیگر آن قهقهه‌ها جزء قهقهه‌های آسمانی شده بود که دیگر به گوش‌های مادر شفق و شادی نمی‌بخشید. مادر تصور می‌نمود؛ در و پنجره، سقف و دیوارها، بالای سرش هجوم می‌آوردند و سنگینی خشت، چوب و سنگ اتاق بر

اما جهان همچنان تماشاچی بوده و فقط گهگاهی موضعگیری نمادین داشته و بس.

اما تاریخ این رنج و درد و تباهی مردم و سکوت مرگبار جهانیان را فراموش نخواهد کرد.»

صدیق الله توحیدی رییس کمیته مصونیت خبرنگاران می‌گوید:

«امسال جشن تولد نمی‌گیرم چون این روز مصادف است به اشغال افغانستان به ویژه کابل به دست گروه جاهل، وحشی و تروریست طالب. این گروه وحشی چون شیاطین آرزوهای جوانان را به خاک یکسان کردند و منی که به سن رسیده‌ام را مهاجر و آواره نمودند. وقتی دختران به جاده‌های شهرم بیرون می‌شوند و روبروی طالب می‌ایستند و شعار می‌دهند، احساس متضاد برآیم دست می‌دهد، هم شرم‌نده‌ام که من چرا در خارج هستم و هم افتخار می‌کنم که دختران ما ترسی از وحشی‌ترین گروه معاصر ندارند. همچنان وقتی اخبار جانبازان در پنجشیر، اندراب، ویا خوست فرنگ را می‌خوانم، بازهم احساس شرم و افتخار می‌کنم. شرم از خودم و افتخار بر جوانان دلیر مقاومت که جانبازانه می‌رزمند.»

رقیه حسن زاده، یک از هنرمندانی که با آمدن طالبان مجبور به ترک وظیفه و خانه‌اش شد؛ می‌گوید:

«در آگست ۲۰۲۱ زندگی‌م دگرگون شد و تمام آرزوها و هدف‌هایی که داشتم نقش بر آب شد. با ورود طالبان همه رویاهایمان از بین رفت و مجبور شدم به ایران مهاجرت کنم. قصد مهاجر شدن نداشتم اما چون بعد از مدتی بیکار شدم و احتمال خطر زیاد بود، مجبور شدم به ایران بیایم. اینجا مجبورم کارهای سخت انجام بدهم تا روزگار بگذرد. من در این یکساله که مهاجر شده‌ام منحصی کارگر در یکی از هتل‌ها کار می‌کنم. زندگی خیلی‌ها سخت است بی‌نهایت سخت درد دوری از وطن و درد اشغال وطن و ترک اجباری وظیفه را کسی می‌داند که در حالت من قرار داشته باشد.

در طی یک سال مانند یک مرده متحرک زندگی می‌کنم. فقط روز را شب می‌کنم. بسیار ناامید استم و هیچ دلخوشی برایم نمانده است. چون من عاشق کارم بودم و می‌خواستم فیلم کوتاهی بسازم و به جشنواره بفرستم که متاسفانه نشد.» در سایت قبلا کار شده است

طرف نویدش می‌دوید که نفس‌های عمیق می‌کشد و چشمانش ورم کرده و کبود است. مادر چون مجسمه‌ای ساکت و بی‌حرکت به‌مثابه‌ای (نیوبه‌ای) اساطیر یونانی از غصه‌ای پرسی که به‌جانش وصل بود، به سنگ تبدیل شده بود. به جزء نفس کشیدن‌های عمیق پسرک پنج‌ساله‌اش و غم و درد بی‌انتهای خودش هیچ‌چیز دیگر را حس نمی‌کرد. راکت‌های که به گفته‌ی مریض داران از چهل میله بیرون می‌شد و صداهای مهیب و تکان‌دهنده‌ای داشت که به هر طرف پرتاب می‌گردید، تعمیر بزرگ و سه منزله‌ای شفاخانه‌ای صحت طفل را چنان می‌لرزاند که همه یک‌قد می‌پریدند. دست‌به‌سینه‌ی می‌ایستادند و دعاخیز می‌کردند. تنها مادر نوید از جایش جنب نمی‌خورد و غرق غم خودش بود. نرس به پدر نوید گفت:

رگ‌های مریض شما توان سوزن بزرگ را ندارد و ما هم ابوکت نداریم. این نسخه را از بازار بیاورید که زودتر به وی دوا تریق شود، زیرا وضعیت بسیار خراب است. مادر، همین‌که نام بیرون رفتن از شفاخانه را شنید؛ یکه خورده گفت:

وای از برای خدا! وضع بیرون چقدر خراب است. پدر با شتاب از شفاخانه بیرون شد. ساعت‌ها گذشت و او برگشت. غم بالای غم و درد بالای درد... مادر دست به‌سینه‌ی پرگوش نوید نموده، فریادکنان، ناله سر می‌داد.

دفعه‌تاً نفس‌های نوید به شماره افتاد، مادر دست‌پاچه‌تر گردید و خنده‌های نوید از گوش‌هایش رفت و ناله و فغان فاتحه‌گیران مراسم فاتحه به گوش‌هایش پیچید. صدای دهجه‌های زنان که دوروبر مادر را گرفته بودند، بلند و بلندتر شنیده می‌شد. عمه و خاله‌ای نوید بر سر و روی خود می‌زدند و مادر باحالت زار مانع آن‌ها می‌شد.

مادر تا فردای همان شب هولناک یک‌دم گریست و پدر سرگردان کوچه و پس‌کوچه‌های کابل مملو از دود و باروت، ابوکت می‌پالید. سرانجام، پدر برگشت، دستش به گردنش آویزان بود و رنگ به رخ نداشت. بسته‌ای را به داکتر داده و عذر و زاری‌کنان گفت:

بخشید که دیر کردم؛ بیرون محشر بریاست به بسیار مشکل پیدایش کردم. داکتر گفت:

متأسفانه زمان را بیشتر مصرف کردی. مغز طفلک از داخل، خون جمع کرده و ما هیچ کاری کرده نمی‌توانیم. فریاد و ناله‌ای مادر تمام‌شده بود؛ دست به دعا شد. بلندبلند و بی‌اراده و منقطع چیزهای می‌گفت و بر روی پسرش کوف می‌کرد. او هنوز هم به مداوا شدن فرزندش فکر می‌کرد که اصلاً راضی به از دست دادن او نمی‌شد. مادر حتی از سوزن زدن

است؛ به تکلیف می‌شود. مادر با حسرت طرف نوید دید و گفت: مثل همیشه هوشیار و باملاحظه... آفرین پسر باتدبیرم، پس تو برو خانه و همراه سامان‌های بازیات ساعت تیری کن، من خبر خاله را گرفته، زود برمی‌گردم. حس ششم مادر برایش چیزی گفت، ولی مادر بر روی خود نیاورد. فقط به خاطر اطمینان خودش، نوید را تا داخل شدن به در آهنی بزرگ خودشان تعقیب کرد.

سرک‌های پروژه‌ای خیرخانه مانند همه پروژه‌های پلان شده، به سمت شمال شهر کابل افتیده بود؛ به سرک‌های اصلی خط‌کشی شده بود که کنار هر سرک عمومی، سرک‌های فرعی وصل شده و دراز کشیده بودند. سرک فرعی مقابل منزل آن‌ها یکی یا دوخانه بعد به سرک عمومی موتر رو می‌رسید. در سرک اصلی عموماً عبور و مرور موترهای شهری، تکسی‌ها و کراچی‌های دستی را شاهد می‌بود که دوره‌گردهای فروشنده دو طرف سرک را اشغال کرده بودند. در سرک‌های فرعی صرف مردم رفت‌وآمد می‌کردند و بی‌مان با سیکل سوار یا مرکبی که اشپای بی‌کاره را از کوچه‌ها و خانه‌ها جمع‌آوری می‌کرد، دیده می‌شد که از آن می‌گذشت.

ترسی که همیشه دل مادر را انباشته بود تا پسر خورسالتش با خطرات مواجه نشود، همان سرک عمومی بود. هرگز نوید را تنها نمی‌گذاشتند که به سرک عمومی برود. مادر که همچو مارگزیده‌ها از ریسمان دراز می‌ترسید. تاکیدا می‌گفت: متوجه نوید باشید که من از سرک عمومی می‌ترسم.

آن روز هنوز ده دقیقه نگذشته بود که خواهر نوید فریاد زد: مادر نوید را... مادر بوت یافت یا نیافت، سرش را پوشاند یا نپوشاند؛ فقط دوید و با قطرات اشکی که در حاشیه‌های پلک‌های حیرت‌زده‌اش ظاهر شده بود ته و بالا می‌دوید و نویدش را جستجو می‌کرد. تا اینکه سرحدش به شفاخانه‌ای صحت طفل اندراگاندی کشید. مادر از همه می‌پرسید: نوید من کجاست؟ نوید را کجا آورده‌اند؟

وقتی بالای سر نوید رسید، زانوهایش قات شد و به زمین نشست. خنده‌های مستانه‌ای وی به گوش‌هایش پیچید: نه نه مادر؛ لطفاً بگذار بگیرمش، من آن را می‌گیرم. من برنده هستم برنده... نوید بلندبلند می‌خندید و مادر توان پاک کردن قطره‌ای اشک را که سیل‌آسا رخسار پریده‌رنگش را طی می‌کرد، نداشت.

شب شد. مریض داران با صداهای گوش‌خراش راکت‌های دوربرد طالبان را که در چار آسیاب مستقر شده بودند و شهر کابل را هدف گرفته بودند، محکم می‌گرفتند. مادر نوید هیچ‌چیز نمی‌فهمید؛ صرف

کنارش نبود. مادر، نوید را جاگزین سه طفل دیگرش می‌پنداشت که قبل از وی مرده بودند. هرگاه می‌شد جگر داغ داغ مادر را از قفسه‌ای سینه‌اش بیرون کنی، می‌دید که سه پسر وی یکی پشت دیگری دنیا را ترک کرده بودند و داغ‌های ماندگار بر جگر وی خالکوبی شده بود. یگان دفعه تحت تأثیر حرف بزرگان، دل خوش می‌نمود که اطفال رفته‌اش با معصومیتشان، شفاعت‌گر آخرت او خواهند شد، ولی وقتی سوز دلش افزونی می‌گرفت، آه می‌کشید و شک برش می‌داشت که با خودش بگوید:

مگر همین حالا رگ رگ بدنم در آتشکده‌ای فراق او نمی‌سوزد؟ بعد از این سوختن و خاکستر شدن؛ باز هم شفاعتی...

یاد آن روزی که لحظات آخر دیدار و پایان خوشی‌های مادر و پسر بود و هر دوی‌شان از یک‌لحظه پس خود خبر نداشتند روح مادر را در بند می‌کشید؛ که کاش می‌دانستم که آخرین دیدار ما بود که یک‌چشم سیر به او نگاه می‌کردم. بدن مادر گرم می‌آمد و موی‌های سرش می‌ایستاد، عاجل از در بیرون می‌شد و با حسرت جایگاهی آخرین دیدارش را که فاصله بین خانه‌ای خودشان و همسایه‌ای‌شان بود، می‌دید و زانوهایش خم می‌شد. آخرین باری که نوید را از در منزل همسایه تا دروازه‌ای آهنی خودشان بدرقه کرده بود. صرف چند لحظه او را پائیده بود که به خانه‌ای خودشان برود.

مادر همیشه هنگام کارهای خانه با چشم‌های پر از امید و صمیمانه پسر کوچک و گوشت‌آلودش را نگاه می‌کرد و از خوشی زایدالوصفی وی که همیشه همراه مادرش ساعت تیری می‌نمود و مانند آهوی نازک و بی‌خیال جست‌وخیز می‌زد، شکر خدا را به‌جا می‌آورد. مهرش شاخ و پنجه می‌کشید و درخت عمر خود را به عمر نوید پیوند زده می‌گفت: تا دنیا است، نویدم خیر خوشی در زندگی‌ام خواهد بود.

آن روز هم مانند روزهای عادی دیگر، نوید با مادرش بازی می‌کرد. ترس مادر همیشه از این بود که نوید تنها بازی نکند تا افکار نشود. مادر فکر می‌کرد؛ سر نوید به‌جایی می‌خورد و زخم برمی‌دارد. این ترس دایم بر قلبش سنگینی می‌کرد. ولی کی می‌دانست، چی‌سازی می‌زند فردا...

آن روز درخشش آفتاب آهسته‌آهسته اشعه‌ای زرین‌فامش را به هر گوشه و کنار حویلی، کوچه و سرک دوم پروژه‌ای خیرخانه پخش می‌نمود. مادر همراه نوید به منزل همسایه‌ای در به دیوارشان رفت تا خبر زن مریض او را بگیرند. همین‌که دهن دروازه‌ای همسایه رسیدند، نوید مکثی کرد و به مادرش گفت: مادر جان! تو برو، من نمی‌روم که زن همسایه مریض

پسرش هراس داشت؛ چه رسد به...

مادر فرزندش را صمیمانه و با تمام وجودش به آغوش گرفت و به زمین زانو زد. آنگاه که مادر از خدا مدد می‌خواست و زارزار گریه و انابه می‌کرد، فرشته‌های آسمانی نیز می‌گریستند. لبخند شاد و روان بخشی در لب‌های نازک، تفدیده و خشک‌شده‌ای نوید می‌تابید و از مادر اجازه‌های رخصت می‌خواست. مادر فریاد می‌زد: نه نه... من شیرم را به تو نمی‌بخشم، نمی‌بخشم. تو یگانه مرجع امید من هستی؛ نمی‌گذارم، هرگز نمی‌گذارم که... بدن مادر سست شد و جریان اشک بر گونه‌های زرد وی سریع‌تر گردید، نوید از دستش رها شد و چشمان مادر به سقف دوخته شد. فقط به فاصله‌ای پرتاب توپی که به نقطه‌ای اوجش برسد و به‌قصد بازگشت مکنی نماید. مادر دست‌هایش را گره زد و با تضرع گفت:

خدایا! من این طفل را از تو گدایی کرده بودم. ازم نگیرش، ازم نگیرش... او احجاز مادری من است. او را به اثر دعا و عذر و زاری خودم برایم دادی. این تحفه‌ای است که بعد از سال‌های بغل خلیم برایم هدیه کرده بودی. لطفاً، او را نگیر و یا جان خودم را بگیر. بعد طرف زن‌های که هر یکشان طفل مریضی در آغوش داشتند، نگاهی ملتسانه نموده گفت: لطفاً شما هم دعا کنید. خدایا! یادم نرفته که در تولد این آفریده‌ات برای من نوید تازه‌ای داده بودی که خبر خوش نام داشت. نوید یعنی خبر خوش... من نیز از خبر خوش استقبال نموده، نامش را نوید گذاشتم. به خدا دروغ نمی‌گویم؛ به خاطر از دست دادن اولاد دیگرم که دهن‌سوز شده بودم؛ قصد زیارت‌های غزنی کردم. در راه بین گروه‌های مجاهدین و دولت کمونیستی جنگ شد.

موترها همه توقف کردند که نه راه برگشت داشتیم و نه پیش رویی کرده می‌توانستیم. جنگ لحظه‌به‌لحظه شدت می‌گرفت و ما در مغاره‌های کوه نزدیک میدان شهر ولایت وردک دست به دعا نشسته بودیم. شب شد و سیاهی سنگ‌های مغاره هم تیره‌تر گردید. من مانند همه، از ترس چشم‌هایم را روی هم قرار دادم. خوابم بُرد و پسرپچه‌ای به قد و قهواره همین نویدم دستم را گرفت و مرا از زمین بلند کرد. باور کنید، یک سیب و دو نیم مانند همین... خدا خبر خوش این پسر را در همان دل تاریکی مغاره برایم الهام کرد. خدایا! شرط انصاف نیست که هدیه‌ات را واپس بگیرم. هنگام تولدش مادرم از تلوسه‌ای فرزند دار شدم، جایم را تبدیل کرد و به منزل آن‌ها برای ولادت رفتم. مثل گل سرسید همه مواظبم بودند. خدا! آن قدر نوازشم داد که حتی، هنگام تولدش معجزه‌های دیدم که وزن پاورم صد چند شد. خلاف نورم؛ در تولد این طفل اصلاً درد زایمان نکشیدم. او با

حکمت بالغه‌ای خود خدا، بی‌درد و ختنه شده به دنیا آمد که سه چار روز تکه‌هایش خونین می‌بود. به داکتر جراح نشانش دادیم، داکتر سرش را به زمین گذاشته سجده کرد و گفت:

«من در حکمت‌های خدایی مداخله نمی‌توانم؛ این طفل به‌خوبی بهترین جراحان ختنه شده است.» دو تار موی سفید براق بر فرق سرش جلایش می‌داد و چاق‌وچله و گوشت‌آلود بود. نویدم برق‌آسا و بااستعدادهای باورنکردنی بزرگ شد که حتی رشد سریعش بالاتر از تصور همه‌ای ما بود.

خدایا! خودت گفتی که: «شکر نعمت، نعمت افزون کند.» من بار بار شکر کرده و محبت تو را قدر نموده بودم. پس باز به کدام آزمون در آتشم می‌افگنی؟ خدایا! این معجزه را که برای دل خوشی‌ام اعطا کردی، از من بگیر که نیستم می‌کنی. زنی میان‌سالی که رنگش به‌سان گچ سفید شده بود و پسرپچه‌ای را مقابل مادر نوید آورده می‌گفت:

می‌دانی؛ از خانواده این طفل هیچ‌کس زنده نمانده... منزلشان در چنداول راکت خورد و همه اعضای فامیل نابود شدند. ما دین همسایه‌گی را به‌جا کرده، این طفل را به شفاخانه رسانیدیم. بین‌بین که یک‌دست و یک‌پایش نیست، رویش مانند لحاف قورمه‌ای بخیه خورده و هنوز هم مادرش را صدا می‌زند. ولی به امر خدا زنده است. بنده‌ی خدا تابع خدا، باید تسلیم شد، چاره نیست باید قبول کرد که...

مادر از بس گفت و فریاد زد، از هوش رفت. خدا جوابش را نداد. شاهد هم رضای خدا چنین بود که به نوید جام شهادت بخوراند و به مادر زهره‌لایل. زهر در تمامی ارگان‌های تنش تراکم کند و بر ارتعاش و پرش بدنش منجر شود و مانع عبور قطرات سیرم در رگ‌هایش گردید.

در یک دهک‌ای که از خستگی دو شب بی‌خوابی و گرسنگی؛ چشمش پیش آمد؛ دید که برادرشوهرش که تازه شهید شده بود، کنار دروازه‌ای اتاق دست‌هایش را قلاب کرده و منتظر برادرزاده‌اش است. مادر به‌شدت از جا پرید و بالای سر پسرش نواحه سرایی را از سر گرفت. از زیر جاکت آسمانی و سفید، دستش را به سینه‌ای فراخ و گوشتی پسرک داخل کرد، فهمید که نفسش به یک اجازه بند است. صدای زنان هم‌بستر شفاخانه که اطفالشان به حالات مختلف عذاب می‌کشیدند، در گوش‌های مادر وزوز می‌کرد: «ببخشش، ببخشش و شیرت را حلالش کن که بیشتر از این برایت نمی‌ماند، نباید عذابش کنی.» مادر با وسوسه بالای سر طفلی که کاملاً تنها شده بود و صرف دو چشمش پلک می‌زد، رفت دستی به سرش کشید خوراکی‌های نوید را برایش داد و با

همان چشمان حسرت‌بار بالای سر نوید برگشت. دید پره‌های دماغ نوید پس رفت و لبان خوش‌ترکیبش متبسم گردید. مادر با سکوت چشم‌های بسته‌ای نویدش را لمس نمود و زنجش را بست. مردی که بالای سرشان ایستاده بود؛ با سر افگندگی گفت:

مادر! لطفاً مرا هم ببخش. به خدا گناه من نبود، در سرک عمومی راکت خورد و من از ترس جان، فرار می‌کردم که... که این طفل نازنین را شیطان لعنتی مقابلم آورد، دیگر برک موتر سایکلم کار نکرد و جلو از دستم رفت... مادر که دیگر به انتهای جاده‌ای بند بست غم و اندوه رسیده بود، طرف پسر جوانی که چون بید می‌لرزید و پدر نوید یخنش را قاپیده بود و قسم می‌خورد انتقام پسرش را از وی می‌گیرد، نگاه کرد. صرف پرسید:

مادر داری... مرد به گریه شد و آهسته گفت: نی متأسفانه. مادر نوید گفت: پس تو، آتشی که درون مرا می‌سوزاند، دیده نمی‌توانی. برو و بالای قبر مادرت دعا کن. بعد زیر زبان افزود: پدر نوید! به روی همین فرشتگک معصوم ببخشش.

آتشی که در رگ و پی مادر شعله‌ور بود، خودش می‌دانست و خدایش. خدا دست پس زدن به سینه‌ای بنده‌های صادقش را ندارد. یک‌بار نیروی در رگ‌های منجمد مادر جاری شد، همت گرفت و تسلیم شد. به آمریت شفاخانه رفت که آمبولانس برایش بدهند. آمر عذرخواهی کرده گفت:

امشب آن قدر زخمی آمده و حوادث پشت‌هم رخ داده که اصلاً آمبولانس خدماتی نداریم.

مادری که چند لحظه قبل حاضر نبود، شیرش را به پسرش ببخشد؛ حالا توانمند شده بود که جسد پسرش را به بغل گرفته و از سه منزل شفاخانه پائین شود، تکسی را اشاره کند و تکسی ران حاضر نشود که جنازه را حمل نماید. خون مادر به جوش آید و تکسی ران را به سیلی محکمی زده و به او بگوید:

مگر تو مرگ نخواهی داشت که از یک جنازه‌ای طفل کوچک می‌ترسی؟ ای‌وای دیگر چی خواهیم دید؟ جنازه‌ای تیار و آماده نزد خانواده رسید و آب سرد بر هیجانان‌غم‌اندود درون همه ریخته شد.

دیگر اشعه‌های زرین آفتاب در اتاق برای مادر مهم نبود. رفتن نوید از زندگی‌اش روشنی را از چشمانش نیز گرفته بود. او فقط روزانه یک‌بار بالای قبر کوچک نوید می‌نشست و از خدا عفو و بخشش می‌خواست. با ندامت می‌گفت:

پسرکم! دروغ می‌گفتم که بر خدا توکل کرده بودم. ترا واقعاً به او نسپردم. با ترس همیشگی خودم از تو محافظت می‌کردم. خدا بار دیگر هوشدارم داد که نگهدار منم.

SOROOR SADR

سرور صدر

خدمات حسابداری و دفترداری

- ◀ امور دفترداری و حسابداری
- ◀ تهیه و تنظیم اظهارنامه مالیاتی
- ◀ تأسیس و ثبت شرکتها

ACCOUNTING AND BOOKKEEPING SERVICES
WITH APPOINTMENT
Gestion Financière Loyale
5263, boul Cavendish, Montreal, Quebec, H4V 2R6

514.777.3604 loyale.accounting@gmail.com

VANTAGE

آتوسا تنگستانی فر

همراه با شما در خرید آگاهانه

همگام با شما در فروش موفقیت آمیز



سرویس رایگان و خدمات ویژه برای:

- تهیه فوری وام مسکن
- مشاوره برای فروش مسکن
- کلیه امور مربوط به خرید مسکن

514 995 3041

atosa.tfar@gmail.com

8250 boul. De'carie, Suite 150, Montreal, QC H4P 2P5



خاطره تحویل داری یکتا

مترجم رسمی گبک، آلبرتا و ایران
Commissioner for Oaths

در محدوده گبک و خارج از گبک

کلیه خدمات ترجمه، تنظیم دعوت نامه، تکمیل فرمها
گواهی امضاء برابر اصل و خدمات مرتبط در اسرع وقت
حتی در روزهای تعطیل

(438) 390-0694 (514) 675-0694

khaterehyekta@yahoo.ca



الهام گرامی

دکترای روانشناسی

از سال ۱۳۸۵



- مشاور در زمینه مشکلات فردی، کودک و نوجوان
- مشاوره خانواده و زوج
- مدرس مهارت‌های زندگی، مهارت‌های فرزند پروری
- مدرس مهارت‌های زناشویی

(514) 431 2826

Consultant & Life Coach

عضو انجمن مشاورین و روانشناسان کانادا
طیای مجوز رسمی از سازمان نظام روانشناسی ایران
(تعداد نظام روانشناسی ۳۳۳۷)

حسابداری و مالیات

XL-ON TAX SERVICES INC
SERVICE D'IMPÔT XL-ON INC

Income Tax Services For:

- Employees, Students
- Self-employed, Professionals
- Corporations
- Non-Residents
- Foreign Income
- Capital Gains
- Business Income / Rental Income
- Separation
- Deceased & more...

خدمات مالیات برای:

- کارکنان، دانشجویان، بازنشستگان
- افراد خود اشتغال، افراد حرفه ای
- شرکتها
- ساکنین خارجی (غیر مقیم)
- ساکنین کانادا با درآمد خارجی
- سود سرمایه
- درآمد تجاری، درآمد اجاره
- جدایی از همسر
- افراد مرحوم و ...



با مدیریت عباس شفیعی

لیسانس بازرگانی از دانشگاه مک گیل

(ارشد حسابداری و مالیات)

عضو سابق انجمن حسابداران قسم خورده کانادا

با بیش از ۲۶ سال تجربه حرفه ای در کانادا

2545 BOUL. CAVENDISH SUITE 134,
Montreal, QC, H4B2Y9

email: INFO@XLONTAX.COM

(514) 806 0060

هر روز هر روز

مونترال <> تورنتو <> مونترال

مسافر، بار و بسته با نرخهای باور نکردنی

Montreal: 514-887-0432

Toronto: 647-822-2529

Spa Illusion

ESTHETIQUE | ÉLECTROLYSE | LASER



514 694-3735

6600 Trans-Canada Hwy, Suite 511
Pointe-Claire, Qc H9R 4S2



خانواده
آشپزی
سرگرمی



کیک زنجبیلی

	9	5	2	3			
				4			9
	6				1	2	3
3		1					9 6
6		2	5		3	1	8
9	5					7	3
	8	6	3				7
1				8			
				2	6	4	8

▲ نرمال

	1					5	8
3	7		1		6		
8			3		4		
							5 8
5			8	1	3		2
1	2						
			2		1		7
			6		9		4 5
	4	9					3

▲ متوسط

5	7				4		9
	8	3			6		
4				1		8	
				3	1		
				2	7	9	
			6	5			
		4		8			6
			5			4	7
7			1				3 5

▲ سخت

	3		4				8 9
			7			5	
7		5		1			
6	2						
		4	2		1	8	
							4 7
				4		9	5
		8			9		
9	7				6		3

▲ خیلی سخت



«کیک زنجبیلی» یک کیک بسیار ساده و با طعمی سنتی است که می‌تواند به علت ماندگاری بالا، گزینه مناسبی برای ایام تعطیل یا پیک‌نیک باشد.

طرز تهیه:

فر را با دمای ۱۸۰ درجه سانتیگراد روشن کنید تا گرم شود.
کره، روغن و آرد که به اندازه یک قاشق است را با هم مخلوط کنید و کنار بگذارید.
تخم‌مرغ، شکر و وانیل را در ظرفی ریخته و با دور متوسط همزن حدود ۵ دقیقه مخلوط کنید تا کرمی و کشدار شود. سپس شیر و روغن مایع را اضافه کنید و مجدد مواد را مخلوط کنید. آرد و بیکنینگ پودر و پودر زنجبیل را با هم مخلوط کرده و الک کنید. سپس به مایه کیک طی سه مرحله اضافه کنید و هر بار با همزن دستی مخلوط کنید تا مواد یکدست شود.

کف و دیواره‌های قالب موردنظر را با موادی که ابتدای دستور با هم مخلوط کردید پوشش دهید و سپس کنگد را روی سطح آن پاشید تا همه جا یکنواخت پخش شود. مواد کیک را داخل قالب بریزید و آن را به مدت ۴۰ تا ۴۵ دقیقه در فر از قبل گرم شده قرار دهید تا پخته شود. نوش جان

توضیح: خانه‌های جداول روبه‌رو را با اعدادهای ۱ تا ۹ چنان پر کنید که در هر رج (سطر) و ستون و نیز در هر یک از جدول‌های درونی هر عدد تنها یک بار استفاده شده باشد.

مواد لازم:

۱. آرد
۲. شکر
۳. شیر
۴. روغن مایع
۵. تخم‌مرغ
۶. پودر زنجبیل
۷. وانیل
۸. بیکنینگ پودر
۹. کره
۱۰. روغن
۱۱. آرد
۱۲. کنگد

جدول سودوکو

SUDOKU TABLE

سخن ستارگان (برای تفنن و سرگرمی)

فال شما برای ۱ تا ۷ سپتامبر / ۱۰ تا ۱۶ شهریور

ترجمه: خاطره تحویل‌داری یکتا

متولدین تیر (۲۲ ژوئن - ۲۲ ژوئیه)



تمرکز شما بر پول، اموال و دارایی شخصی همچنان ادامه دارد. باین وجود دوستی شما را شگفت‌زده می‌کند. ممکن است برای برخی از شما این شگفتی و حیرت در مورد رویارویی با فردی باشد که به‌نوعی متفاوت از دیگران است. این تعامل غیرمنتظره ممکن است در نهایت بر روابط شما با بچه‌ها یا همسر تأثیر بگذارد. شرایط پیچیده است اما حداقل هفته خسته‌کننده‌ای نخواهد بود. مراقب باشید باعجله عمل نکنید که بعد حسرت نداشته باشید.

متولدین مرداد (۲۳ ژوئیه - ۲۲ اوت)



با حضور خورشید در موقعیت شما، زمان همچنان برایتان زمان قدرت است. می‌توانید قدرت خود را بالا برده و جوانی از سر بگیرید. حتی می‌توانید افراد و شرایط خوب را جذب خود کنید. این هفته را با موضوعی ناگهانی و غیرمنتظره در مورد یکی از والدین یا رؤسا شروع می‌کنید. این فرد ممکن است کاری انجام دهد که شما را شگفت‌زده یا مجبور به مقابله نماید. اساساً دوست ندارید به شما گفته شود چه باید بکنید. سعی کنید صبور بوده و آرامش خود را حفظ کنید.

متولدین شهریور (۲۳ اوت - ۲۲ سپتامبر)



اگر این هفته به سفر می‌روید، مراقب باشید، زیرا بسیاری از شما با تأخیر، کنسل شدن و تعلیق مواجه می‌شوید. این تأثیر غیرمنتظره ممکن است در مسائل حقوقی هم احساس شود. اگر قصد سفر دارید، قبل از ترک خانه همه چیز را دوبار چک کنید. مراقب هر آنچه می‌گویید باشید و از حوادث پرهیز کنید. حتی شاید این هفته با یک شخصیت واقعی دیدار کنید. با خواهر و برادر و اقوام و دوستان صبری کنید تا از هر حادثه‌ای جلوگیری شود.

متولدین فروردین (۲۱ مارس - ۱۹ آوریل)



حاکم شما مریخ با اورانوس غیرقابل‌پیش‌بینی در یکی از خانه‌های پول شما قرار گرفته‌اند. باید دقت و توجه خود را به کار بگیرید، زیرا در ابتدای هفته ممکن است حادثه‌های غیرمنتظره بر ثروت و دارایی و اموال شما تأثیر بگذارد. بهتر است اموال خود را از هرگونه خسارت یا دزدی حفظ کنید. بهترین اتفاق ممکن آن است که به ناگهان کسی چیزی به شما ببخشد یا شما نسبت به دیگران با سخاوتمندی عمل کنید. از شرایط و محیط خانه در این زمان لذت می‌برید.

متولدین اردیبهشت (۲۰ آوریل - ۲۰ مه)



مراقب باشید! با شروع این هفته، مریخ پرشور در موقعیت شما با اورانوس دمدمی‌مزاج کنار هم نشسته و حوادث غیرمنتظره، رفتارهای تند و دلخوری‌های ناگهانی را به همراه می‌آورند. به عبارتی اتفاقات بسیاری به ناگهان و غیرمنتظره اتفاق می‌افتند و برنامه‌های شما به‌درستی انجام نمی‌شوند. همین انرژی باعث می‌شود با سرعت عمل کرده و نسبت به مسائل بی‌توجه باشید. شاید از کسی عصبانی بوده و آزادی طبیعی خود را بخواهید.

متولدین خرداد (۲۱ ژوئن - ۲۱ مه)



این هفته کمی گیج‌کننده است. سرعت شما در انجام کارها، سفرهای کوتاه، خواندن و نوشتن همچنان بالاست. شاید درگیر تعمیرات خانه و بحث‌های خانوادگی باشید. علی‌رغم آن مسئله‌های غافلگیرکننده و غیرمنتظره در پشت‌صحنه شما را شگفت‌زده می‌کند. این اتفاق می‌تواند بر دارایی شما تأثیر بگذارد. به‌عنوان مثال ممکن است هدیه‌ای دریافت کنید که انتظارات را نداشته‌اید. این هفته با همکاران و اطرافیان با صبری و آرامش رفتار کنید.

PhotoMahnaz

عکاسی عروسی، تولد، بارداری، کودک، خانواده و ... در آتلیه مخصوص و یا محل مورد نظر شما با قیمت‌های ویژه و مناسب

www.PhotoMahnaz.com
PhotoMahnaz: ۵۱۴-۶۶۰-۸۲۶۰

متولدین دی (۲۲ دسامبر - ۱۹ ژانویه)



این هفته همچنان زمان سختی را گذرانیده و از نظر روان‌شناختی مرتباً افت‌وخیز دارید. همین‌طور ممکن است نسبت به مسائل مالی مشترک بسیار حساس بوده و به دنبال وام باشید. مراقب باشید که در ابتدای هفته احتمال حوادث، خصوصاً برای فرزندان وجود دارد. برنامه‌های اجتماعی هم ممکن است کنسل شده و یا ناگهان تغییر کنند. انتظار اتفاقات غیرمنتظره را داشته باشید. خوشبختانه در نیمه هفته خبرهای خوب هم در راه هستند.

متولدین بهمن (۲۰ ژانویه - ۱۸ فوریه)



این هفته بر خانه و خانواده تمرکز بیشتری داشته باشید، زیرا ممکن است اتفاق غیرمنتظره‌ای در نیمه هفته رخ دهد. احتیاط را رعایت کنید تا از حوادث در خانه جلوگیری شود و همچنین با خانواده صبور باشید تا بحثی پیش نیاید. اگر برای معامله ملکی اقدام می‌کنید، حتماً همه چیز را دوبار چک کنید. در نیمه هفته اتفاق خوشایندی در محل کار شما را شگفت‌زده می‌کند. فراموش نکنید در اواخر هفته در ارتباط با والدین یا افراد مقام دار خونسردی خود را حفظ کنید.

متولدین اسفند (۱۹ فوریه - ۲۰ مارس)



بسیار خوب است که این هفته سخت کار می‌کنید و می‌خواهید تاحدامکان کارآمد و مفید باشید، چرا که در ابتدای هفته احتمال حوادثی وجود دارد. مراقب و هوشیار باشید. به هرآنچه که می‌گویید و انجام می‌دهید، توجه بسیار کنید، زیرا برای شما آسان است که بدون فکر کردن اقدام به انجام کاری کنید و پس از آن پشیمان شوید. در نیمه هفته به فعالیت‌های تفریحی، موسیقی یا تئاتر دعوتی می‌شوید. این دعوت شما را هیجان‌زده و شگفت‌زده می‌کند.

متولدین مهر (۲۳ سپتامبر - ۲۲ اکتبر)



این هفته همچنان زمان خوبی برای گپ و گفت با دیگران است. از گذراندن وقت و تعامل با دوستان لذت ببرید. خصوصاً این هفته تأثیر بسیار خوبی بر رؤسا و افراد مهم و مقام‌دار خواهید داشت. درعین حال باید دقت کنید همه چیز مربوط به مسائل بانکی، اموال مشترک و ارثیه را خوب چک کنید، زیرا ممکن است مسائل غیرمنتظره‌ای اتفاق بیفتند. باید در مورد مسائل مالی بسیار مراقب باشید تا چیزی از دستتان خارج نشود.

متولدین آبان (۲۳ اکتبر - ۲۱ نوامبر)



این هفته سورپریزهایی خواهید داشت. با حضور خورشید در بالای موقعیت شما همچنان در مرکز توجه هستید و حتی بدون آنکه کار خاصی انجام دهید، تأثیر بسیار خوبی بر همه می‌گذارد. همسر و یا یک دوست نزدیک شما را در ابتدای هفته شگفت‌زده می‌کند. این حالت می‌تواند یک بحث جدی، خبری غیرمنتظره یا حتی معرفی شدن به فردی باشد که انتظارش را نداشته‌اید. در آخر هفته باید صبوری کنید، چرا که احتمالاً مورد آزمایش دیگران قرار می‌گیرید.

متولدین آذر (۲۲ نوامبر - ۲۱ دسامبر)



شما عاشق سفر هستید، اما این ماه می‌خواهید بال‌هایتان را باز کرده و از هر فرصت برای پریدن استفاده کنید! در این زمان بحث و مذاکره با رؤسا و افراد مقام‌دار مطلوب است. در حقیقت دیگران به راحتی به حرف‌های شما گوش می‌کنند. انتظار هدایای غیرمنتظره را هم داشته باشید. در ابتدای هفته موضوعی شما را شگفت‌زده می‌کند. ممکن است مجبور باشید شرایطی را ساده و آسان کنید. با موارد غیرمنتظره مواجه می‌شوید.

انجمن مستاران زرتشت
بزرگوار

مهرگان

شنبه ۱۸ اکتبر ساعت ۱۸/۳۰
همراه بانام و دی جی مهران
ورودی: ۴۵ دلار
کودکان زیر ۱۰ سال ۲۰ دلار

فروش بلیت، نیش و سسال ۵۱۴-۲۲۲-۲۲۴۴
تلفن ۵۱۴-۲۲۲-۲۲۴۴
فرونن ۵۱۴-۲۲۵-۳۰۱۲

Restaurant V&S families
201 Avenue Laurier
H2T3E6 Metro Laurier

شام سوپ جلو کباب وزبری و سالاد دسر قهوه و جای

We Make Your Dreamy Building a Reality

طراحی، نظارت و اجرا

کلیه خدمات ساختمانی، تاسیساتی و برقی

دارای مجوز رسمی از اداره ساختمان کبک
R.B.Q #: 5773-7520-01

- طراحی و نوسازی کامل ساختمان
- بازسازی کامل ساختمان به انضمام طراحی و دکوراسیون داخلی منزل
- تغییر محل پله، تغییر و تقویت اسکلت ساختمان
- بازسازی کامل آشپزخانه، تعویض کابینت، حمام و سرویس بهداشتی
- اجرای عایق‌بندی دیوارهای بیرونی جهت کاهش مصرف برق ساختمان
- تعویض سیستم قدیمی گرمایش و سرمایش یا سیستم مدرن و کم‌مصرف

طراحی، بازدید و برآورد رایگان (514) 942-9969
www.amajco.ca

شعر هفته

اندر مذمت سیگار

مکش جانم، مکش جانم تو سیگار
اگر خواهی نگردي زار و بیمار
که سیگار دهد برباد و بربادا!
کنی تلقین به خود، سازد تو را شاد
چرا گوشت به حرف او بدهکار
شدی در دام عشق او گرفتار؟
چه دارد او؟ چرا گشتی اسیرش؟
بیا زود این قلم را خط بگیرش
به ظاهر جامه‌اش روشن چو ماهست
به باطن زشت و بس او رو سیاهست
سفید است او، به یاد آور کفن را
سزایش واژه‌های بس خفن را
نمی‌سوزد دلت بر جان و مالش؟
نگاهی کن به خود، بشکسته بالت
زنی بر جان خود هر دم تو تیشه
که تا پک می‌زنی بر او همیشه!
اسیری، عزتِ نفست کجا شد؟
نگو مفتی به من، او کله پا شد
نگو من هر چه می‌گویم دروغ است
بهشتی می‌شوم، دوزخ شلوغ است!
بیا عزم‌ت بکن جزم ای برادر
بکن این دیو دود از خانه‌ات در
بکوش از دشمن جان‌ها حذر کن
ز کوی عافیت، آری گذر کن
مکش جانم، نپرس از من، نگو چیست؟
اگر خواهی که گردد نمره‌ات بیست!
منبع: (پینوکیو کجای؟، سید هادی حیدری. یزد؛
نیکوروش، ۱۳۹۳)

گاز خنده به جای رد شدن با وانت!

حکایت هفته

به گزارش واحد مرکزی خبر به نقل از پایگاه اینترنتی العربیه، نیروهای ضد شورش در سوئد، شیوه جدیدی برای متفرق کردن معترضان در این کشور به کار گرفته‌اند که در آن به جای گاز اشک‌آور یا آب گرم، از «گاز خنده» یا «اکسید نیتروژن» استفاده شده است. کارولین جورج هماهنگ‌کننده‌ی این تظاهرات گفت: «پلاکاردهایمان را بالا بردیم و شعار دادیم، ناگهان پلیس آمد و گمان کردیم که گاز اشک‌آور علیه ما استفاده خواهند کرد، اما متوجه شدیم که این گاز خنده‌آور است و پس از استفاده از این گاز، شور و شوق خود را از دست دادیم و تظاهرات ما به یک نمایش تئاتر کم‌دی تبدیل شد.»

پلیس سوئد گفت: «ما ابتدا برای متفرق کردن جمعیت در هنگام اعتراضات از نیروی یگان ویژه و رد شدن از روی معترضین با وانت استفاده می‌کردیم، اما ناگهان متوجه شدیم که اینجا سوئد است و این کار درست نیست و باید از شیوه‌های مسالمت‌آمیز استفاده کنیم!»

سردار رادان با شنیدن این خبر گفت: «به کارگیری این شیوه توسط پلیس سوئد ابداع جالبی است، اما خندانند مردم کار درستی نیست و معنی ندارد. ما در کشور معترضی نداریم و گرنه گازهای مختلفی را اختراع می‌کردیم و به آنها یاد می‌دادیم که از چه گازی باید استفاده کنند.»

اما به طور کلی می‌توان از گازهای زیر برای متفرق کردن اغتشاشیون استفاده کرد:

۱. گاز ندامت: فرد معترض با استشمام این گاز از کرده خود پشیمان می‌شود، سر خود را پایین می‌اندازد و از پیاده‌رو به سمت منزل حرکت می‌کند.
۲. گاز بالعکس: اغتشاش‌گر با استشمام این گاز ناگهان از یک فرد معترض به یک شخصیت حامی دولت تبدیل می‌شود و بعد از ۳۰ ثانیه سکوت شروع می‌کند به شعار دادن در حمایت دولت و در نهایت جان خود را در راه ابقای دولت فعلی فدا می‌کند.
۳. گاز انبری: اگر هیچ کدام از گازهای بالا جواب ندهد، طبق سنوات گذشته باید از گاز انبری استفاده کرد که همیشه موفق عمل کرده است.

منبع: (این کتاب مجوز دارد، محمدرضا ستوده. تهران؛ ماهریس، ۱۳۹۷. قسمتی از حکایت «گاز خنده به جای رد شدن با وانت!»)

نکته هفته

شما شبیه کسانی خواهید شد که بیشترین رابطه را با آنها دارید، پس با افرادی معاشرت کنید که ذهن غنی دارند.

نقل قول هفته

میلتون اریکسون: زندگی خودش برایتان درد و رنج به همراه خواهد آورد؛ مسئولیت شما شادی آفریدن است.

ضرب‌المثل هفته

پارسی: سخن را زیوری جز راستی نیست. کوبایی: وظیفه باعث می‌شود کارها را به خوبی انجام دهی، اما عشق کمک می‌کند تا آنها را زیبا انجام دهی.

لطیفه‌های هفته

www.hafteh.ca

- ☺ قشنگ‌ترین جمله‌ای که میشه از یه نفر شنید چیست؟ ... پول ریختم به حسابت ... والله ... از حرفای شریعتی و کورش کبیر هم خیلی قشنگ‌تره!
- ☺ بابام فشارش خیلی بالا بود بردیمش دکتر ... منشی دکتر آنقدر خوشگل بود که بابام فشارش افتاد ... به‌زور ساندیس زنده نگهش داشتیم!
- ☺ گفتن اگه به صدف حساسیت دارید احتمال داره به واکسن کرونا حساسیت نشون بدید ... عزیزم ما صدف خوردیم بفهمیم حساسیت داریم یا نه؟! ... کاش تحقیقاتتون رو بر پایه املت بنذارید!
- ☺ غول چراغ جادو اومده پیشم میگه: یه آرزو بکن ... میگم: یه خونه می‌خوام! ... میگه: اگه من این کار ازم برمیومد که خودم تو نفت‌دون چراغ نمی‌خوابیدم! ... بدجور قانع شدم.
- ☺ قبلاً یه بار با ماشینت تصادف می‌کردی قیمتش نصف می‌شد ... ولی الان ده بارم تصادف کنی بخوای بفروشیش سود می‌کنی ... اقتصاد از این پررونق‌تر کجا سراغ دارید؟! ...

SHARIF EXCHANGE
صرافی شریف
 توجه: انتقال ارز به ایران و برعکس نداریم
 www.sharifexchange.ca
 Tel: (514)223-6408 261 Côte-Vertu Ville Saint-Laurent, QC

★★★★★
Five Star I.P.M Inc.
صرافی پنج ستاره
 متوجه تر با نهان

تبدیل و انتقال سریع ارز به ایران و
 بالعکس با کمترین هزینه
514 585 2345 | 514 846 0221
 4010 Saint-Catherine St West, H3Z 1P2

Artistic Men Haircut
 by Sirous
 متخصص
 مدل های هنری
 برای آقایان
514-240 1493

کلیه خدمات عکاسی و
 فیلمبرداری حرفه ای در استودیو
 فقط با وقت قبلی
 Hiring by: Family Care Services
 Please contact Ms. Anna Lee
 514-690-7005
 Resumes to: 4familycareservices@gmail.com

STUDIO PHOTOBOOK
(514) 984-8944
 7352 Rue St. Hubert, Montreal H2R 2N3

فروشگاه مواد پروتئینی سن لوران
 هر روز به جز دوشنبه ها مرغوب ترین گوشت و مرغ و ماهی،
 انواع برنج، چای، عرقسما، سبزی خشک و
(514) 369-3474 Marché de poisson et viande 5700 Steeles West, Montreal QC, H4A 1S1

ترجمه رسمی و دعوت نامه توسط شهریار بخشی
 514-624-5609 - 514-655-5609
 bakhshibakhshi@gmail.com

مشاوره: درمانی، تحصیلی و مهاجرت
 حسین تر کپور، مددکار اجتماعی
 www.psynaquebec.com 514-846-8872

استخدام

استخدام در مونترال
 رستوران کباب سرا برای تکمیل کادر شعبه های خود،
 نیازمند نیروی کار با تجربه است.
 514-933-0933

موسسه خدمات خانگی، یک شرکت کانادایی-
 کره ای با ۱۰ سال سابقه، استخدام می کند:
 ما به تعدادی نیروی کار متعهد نیاز داریم و پرداخت ما عالی
 است.
 نوع کار: تمیزکاری منازل، نگهداری از کودکان و سالمندان و...
 شکل کار: فردی، تیمی یا خانوگی
 مشتریان: ۹۰ درصد کانادایی و ۱۰ درصد آسیایی های متمول
 دریافتی شما: در حد عالی (به صورت نقدی یا چک)
 ساعات کاری: روز یا شب، کاملا منعطف
 Hiring by: Family Care Services
 Please contact Ms. Anna Lee
 514-690-7005
 Resumes to: 4familycareservices@gmail.com

گروه ساختمانی پارس در مونترال،
 جهت تکمیل کادر خود استخدام می کند.
 ردیف های شغلی:
 - منشی
 - برآوردگر
 - نصاب در ابوال
 لازم است متقاضیان محترم تسلط کامل به زبان فرانسه و آشنایی
 کافی به زبان انگلیسی داشته باشند.
 شماره تماس:
 514-887-3535
 آدرس ایمیل جهت مکاتبه و یا ارسال رزومه: info.gcpars@gmail.com

بیمه عمر و سرمایه‌گذاری	
مهدی امانی	۵۵۳-۰۹۷۸
علی پاکژاد	۲۹۶-۹۰۷۱
متین تیره‌دست	۶۹۰-۶۱۸۱
مژگان رجبی	۲۹۶-۷۳۰۶
عبدالله صفوی	۴۶۷-۸۴۹۱
امین طاهری	۷۴۶-۹۳۹۹
فربیا علیزاده	۴۳۸-۳۴۵-۵۰۶۶
بیمه - خودرو - خانه - سفر	
متین تیره‌دست (بیمه سفر)	۶۹۰-۶۱۸۱
مشاور فارسی زبان بیمه Allstate	
مهرداد ملک جمشیدی	۴۳۸-۷۹۶-۱۱۵۰
بیمه - ویزیتوری و دانشجویی	
متین تیره‌دست	۶۹۰-۶۱۸۱
فریده شرفی	۷۱۵-۲۴۹۴
پس‌انداز تحصیلی	
مروارید معاریان	۷۷۸-۷۳۷۷
پزشکی - روانشناسی - مشاوره	
حسین ترکپور	۸۴۶-۸۸۷۲
لاله رهبین	۴۳۷-۹۷۴-۲۹۹۴
الهام کرامی	۴۳۱-۲۸۲۶
ترجمه و دعوت‌نامه رسمی	
شهریار بخشی	۶۲۴-۵۶۰۹
آرزو تحویل‌داری یکتا	۷۳۰-۷۴۶۲
خاطره تحویل‌داری یکتا	۴۳۸-۳۹۰-۰۶۹۴
رضا داوودی	۶۹۱-۴۳۸۳
حمید شورکایی	۴۳۸-۸۷۶-۴۸۲۲
سارا کیانی	۸۸۴-۱۰۱۶
فیروزه مسیحا	۴۳۸-۹۲۰-۹۳۰۵
چاپ و کپی	
فتوکی ان دی جی	۴۸۸-۵۳۳۳
حسابداری	
حجت رستمی	۵۴۹-۱۳۴۴
مهديه سلیمی	۸۸۶-۷۴۷۱
عباس شفیعی	۸۰۶-۰۰۶۰
سرور صدر	۷۷۷-۳۶۰۴
اردشیر معین افشاری	۴۵۸-۷۵۹۹
Elan Accounting	۲۲۵-۳۵۰۰

مینو اسلامی	
مهدی انصاری	۵۸۸-۰۶۰۹
مهرک ایرانفر	۸۱۳-۱۰۰۰
بهار ایزدی	۶۵۱-۴۸۲۶
کاظم پرتوتهرانی	۹۷۱-۷۴۰۷
آتوسا تنگستانی‌فر	۹۹۵-۳۰۴۱
نادر خاکسار	۹۶۹-۲۴۹۲
محمود رحیمزاده	۶۷۷-۳۹۰۰
محسن رفیعی	۵۳۱-۵۹۴۶
نازک سلیمان‌پور	۴۳۸-۸۷۲-۷۳۷۳
آرش شکور	۷۳۰-۳۹۰۹
شهره شهریان	۲۹۰-۲۲۱۰
سحر صمدایی	۶۲۵-۲۵۲۵
رکسان صمیم	۴۳۸-۳۹۷-۳۲۱۲
هلیا عارفی‌دوست	۹۹۶-۱۰۶۵
آرزو گتمیری	۵۶۱-۳۵۶۱
حامد ملکی	۵۵۷-۱۹۲۹
الهام نیاجامی	۹۶۶-۹۶۸۱
مانیا نیازی	۲۲۲-۲۲۹۳
هایک هارتونیان	۵۷۴-۶۱۶۲
فیروز همتیان	۸۲۷-۶۳۶۴
املاک - تعمیرات ساختمان	
شرکت آماج	۹۴۲-۹۹۶۹
شرکت بن	۴۴۱-۴۲۹۵
لوله‌کشی پتانسیل	۴۶۳-۳۰۱۴
Pars Constraction Group	۲۹۰-۲۹۵۹
املاک - بازرسی ساختمان	
محمودرضا اسکندری	۹۷۱-۱۳۵۹
علیرضا شریف‌زاده	۶۶۳-۷۲۱۵
حسین فرهمند	۵۰۸-۳۸۱۱
املاک - وام مسکن	
صبا المعی	۴۳۸-۳۹۴-۵۲۸۵
بهروز باباخانی	۶۰۶-۵۶۲۶
هومن بصیر	۹۶۲-۸۸۳۰
آتوسا تنگستانی‌فر	۹۹۵-۳۰۴۱
کتی کرچی (Desjardins Bank)	۵۷۶-۵۰۲۳
مهرداد مرادخانی	۸۳۴-۸۰۵۳

اتومبیل (فروش)	
Auto Highlander	۹۹۰-۲۵۰۰
www.autohighlander.com	
1080 Victoria Avenue, Saint-Lambert, QC J4R1P7	
اتومبیل - تعمیرگاه	
اطلس	۴۸۴-۴۴۸۱
6000 saint jaque H4A 2E9	
شمیران	۴۸۷-۶۲۶۲
آرایشگاه - زیبایی - اسپا	
رویا	۹۳۴-۳۳۷۴
سیروس	۲۴۰-۱۴۹۳
فریبا	۴۸۷-۰۸۰۰
Spa Illusion	۶۹۴-۳۷۳۵
ارز و صرافی	
آپادانا	۷۳۱-۸۸۳۹
بیستی	۸۰۶-۰۰۲۰
پنج ستاره	۸۴۶-۰۲۲۱
شریف	۲۲۳-۶۴۰۸
پاسیفیک	۲۸۹-۹۰۱۱
Expert FX	۸۴۴-۴۴۹۲
آژانس مسافرتی	
سلطان تراول	۴۸۴-۴۰۰۰
آموزش - مدارس و موسسات	
کالج فنی و حرفه‌ای اوپرون	۷۳۹-۳۰۱۰
انجمن خوشنویسان	۴۷۶-۷۲۵۹
مدرسه دهخدا	۲۵۸-۸۱۸۶
مدرسه فردوسی	۵۰۲-۴۳۷۸
کالج فنگی	۹۰۷-۵۰۷۳
مدرسه وست آیلند	۶۲۶-۵۵۲۰
آموزش - موسیقی	
استاد پیانیست قره‌چه داغی	۴۸۴-۸۷۴۸
پیانو / فخاریان	۹۹۶-۱۶۲۰
TwinMuse / پیانو	۸۱۴-۱۷۴۹
سنتور / صابر جلیل‌زاده	۵۴۹-۴۶۹۷
آموزش - زبان	
دکتر رضا یاوریان	۶۵۳-۳۰۵۰
املاک - مشاور املاک	
محمد اجزاجی	۹۲۴-۵۰۵۵

کتاب فروشی - کتابخانه	کباب سرا - اتواتر	حمل و نقل
کتابخانه نیما	755 Atwater Ave.	المپیک
نوروززمین	کباب سرا - نانزآیلند	قربان
محضر رسمی	7, Place de Commerce, Porte #102 Verdun	Loadex Transport
مونا صالحی	سی دی - ویدیو	داروخانه
مراکز مذهبی	تپش	پروکسیم
انجمن بهایی	عکاسی و فیلمبرداری	گل نسیم ریاحی
موسسه خوبی	استودیو رز	فارماپری لاوال
مشاور مهاجرت	استودیو فتوبوک	فارماپری لاوال
روادید	عکاسی مهنان	دندانپزشک
معصومه علی محمدی	فرش و موکت	راضیه رضوی
www.GanjiCo.com	قالی شویی و رفو	شریف نائینی
علی مختاری	فروشگاه‌ها	فریدون هرنیدیان
سهیل ملاحمدی	الامانه	رسانه‌های گروهی
نان و شیرینی	دانیکا	بازار
سنگک آذر	Exo Fruits	پیوند
کندم	A Pus Quality Nuts	ر-می
وکیل	کامپیوتر و خدمات	هفته
نیوشا ریاحی	بیزنس جلالی	رستوران - کیتترینگ
		پوشاپ (هندی)

جای آگهی شماست



تمام مشتریان من
تبدیل به دوستان
صمیمی من شده‌اند.

اجازه بدهید به شما
نیز خدمت کنم.
۶۱۳-۸۸۹-۴۷۰۰

yes@RealOttawa.ca

محل‌های پخش
هفته در اتاوا

هفته

سوپرمارکت آریا
613-594-3636
508 Gladstone Ave

فروشگاه شیراز
613-563-1207
725 Somerset St W . K1R 6P7

فروشگاه کابل
613-897-6666
355 Montreal Rd, Vanier, ON K1L 6B1

رستوران دونرما
613-695-2221
129a Bank St. Ottawa, ON K1P 5N7

افغان کباب اکسپرس
613-593-8880
249 Bank St. Ottawa, ON K2P 1X2

محل جدید پخش هفته در اتاوا
دفتر مهاجرتی روادید
310 Miwate private, Unit 311, Ottawa, K1R 0E2

(5 1 4) 8 3 4 - 7 2 5 4
■ www.hafteh.ca ■ info@hafteh.ca

16. Histoire de couverture

Une marche de protestation de Toronto à Ottawa :

Mehrzaad Zarei, le père d'Arad Zarei : Nous voulons la vérité et la justice dans l'affaire PSVT

■ Arash Mohebi



Cover
NO.695

43 Interview:

Sepideh Salehi

Une entrevue avec Yashar Farajpour, un militant et partisan des enfants atteints de cancer à Ottawa

24 Immigration:

M. Alimohammadi

Les immigrés sont la meilleure solution pour la croissance économique et démographique jusqu'en 2068

32 Art et Culture:

Hafteh

Un géant paisible en Retour sur la carrière artistique de Sohail Parsa au Canada

52 Economie:

Armin Arianpour

Les grandes banques canadiennes ont réalisé moins de bénéfices, qu'est-ce que cela apportera à l'économie

63 Afghanistan:

Nargis Hashimi

Farhad Darya à «Hefteh»: Ce jour sera gravé dans le calendrier afghan comme un jour empoisonné



43



24



32



52



63

Publication: Journal Hafteh / 4479777 Canada Inc

Un magazine hebdomadaire pour la communauté Afghane/iranienne a Canada

A weekly Magazine for the Afghan/Iranian Community in Canada

01 sep 2022, numéro 695

Hafteh will not be published on the following dates during 2022:

January 6th
July 7th

March 24th
October 13th

Siège social:
1980 Rue sherbrooke O
Suite#: 900
Montreal H3H 1E8

(514) 834-7254
• www.hafteh.ca
• info@hafteh.ca
• news@hafteh.ca
• ad@hafteh.ca
• ISSN 1918-4379 Hafteh

Rédacteur en chef: Khosro Shemiranie

Editeur en ligne : Arash Mohebi

Photographe: Mahnaz Zangirzani

Dessinateur: Siros Yahyaabadi

Littérature: Farangis Shakiba

Psychologie: Dr Elham Gerami

Economie: Armin Aryanpour

Immigration: Masoumeh Alimohammadi

Cinema: Aref Mohammadi

Medicine: Dr. Faegheh Ebrahimi

Droit: Me Niousha Riahi

Communauté afghane: Nargis Karimi Hashimi,

Actualité Communauté: Sepideh Salehi



le prix: \$3.50

Les frais de l'abonnement annuel: 160 dollars

This project is funded in part by the Government of Canada.
Ce projet est financé en partie par le gouvernement du Canada.

عبدالله صفوی

مشاور مالی

بیمه و سرمایه‌گذاری



مشاوره رایگان

امروز تماس بگیرید:

(514) 467-8491

بیمه عمر، از کار افتادگی

بیماری‌های خاص و...

پس‌انداز تحصیلی

برنامه‌ریزی بازنشستگی و...

بیمه مسافرتی و سوپرویزا

ABDOLLAH SAFAVI

Financial Security Advisor

Office:

(514) 931-4242 ext. 2567

abdollah.safavi@canadalife.com

www.safavifinancial.com

scan me for
free ebook!



صرافی
بیستی
مونترال



Montreal
BISTI
EXCHANGE

ارسال حواله



خرید و فروش ارز



خرید و فروش ارزهای دیجیتال



وسترن یونیون



Competitive rates - Fast transfers - FINTRAC-regulated



+1(514) 806 0020 | www.bisti.ca | bisti@bisti.ca | [instagram.com/bistifx](https://www.instagram.com/bistifx)



داروخانه دکتر گل نسیم ریاحی

اولین داروخانه آنلاین فارسی زبان در کانادا

www.riahipharma.com

Tel: (514) 519-3060



ارسال رایگان
در بک و اونتاریو

★ Terms and Conditions May Apply

1111 Boulevard Dr. Frederik-Phillips, Suite 600
Montreal, Quebec H4M 2X6

514 519 3060 438 800 3695

www.riahipharma.com info@riahipharma.com



نوشتن نسخه

توسط دکتر داروساز یا تماس با پزشک شما



واکسیناسیون



تست های پزشکی

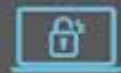


مشاوره درمانی



دریافت نسخه

از طریق وب سایت، تلفن همراه و فکس



دسترسی آنلاین

به پرونده دارویی، تجدید و یادآوری دارو



انتقال پرونده

دارویی از دیگر داروخانه ها



INSTITUT TECHNIQUE
AVIRON
TECHNICAL INSTITUTE
DE MONTRÉAL

80 années écoulées pour le bon service

• امکان دریافت وام و بورس
• مشاوره برای کارایی ارائه می‌شود

Service de Placement Disponible

PORTES OUVERTES ET BBQ

MERCREDI LE 14 SEPTEMBRE 2022 10h00 - 19h00

روایهای خود را واقعیت بخشید

Programmes D.E.P 1800 heures:

دوره های حضوری

- Soudage-montage
- Mécanique automobile
- Électricité

دوره های آنلاین

- Dessin industriel

- جوشکاری و مونتاژ
- مکانیک اتومبیل
- برق کاری

- طراحی صنعتی

امتحانات: حضوری در محل و آنلاین







5460 Royalmount, Ville Mont-Royal 📍 De La Savane

www.avirontech.com

514-739-3010

مهندس مهدی انصاری

مشاور املاک

کارشناسی ارشد مهندسی عمران از دانشگاه کنکوردیا

- خرید و فروش تخصصی ملک، دسترسی ویژه به پیش خرید
- در سراسر مونترال
- دسترسی تضمینی به بهترین مبلغ وام با کمترین سود بانکی

بسته خرید ویژه، مخصوص پرستاران و پزشکان عزیز

Mahdi Ansari

Courtier immobilier résidentiel
Residential Real estate Broker



GROUP IMMOBILIER
LONDONO
REALTY GROUP INC

📞 514-588-0609

CANADA AWARDED BROKER 2020 - 2021

🌐 www.mahdiansari.com

📱 medi.ans.mtlbroker